

سرمقاله ...

چرا قیام شهریور آغاز شد و تجربه آن برای امروز چیست؟

منصور امان

چهار سال از قیام «زن زندگی آزادی» گذشته است، اما کسی از آن به عنوان یک رویداد مربوط به گذشته یاد نمی کند. قیام زنده و پویا حضور دارد؛ در خیابانهای شهرهای بزرگ و کوچک و در هیأت زنانی که پرچم حق دموکراتیک آزادی پوشش را بر تن دارند، در تغییر ذهنیت فرهنگی و مبارزاتی بخشهای گسترده ای از جامعه، در اشاعه و جا انداختن همبستگی و روحیه جمعی به مثابه سلاح فرودستان و در کلنجار رفتن و اصطکاک دائمی حاکمیت با آن می توان به خوبی حضور قیام را رصد کرد. از این زاویه، مرور تجربه انقلابی قیام شهریور بیشتر از آنکه گذر بر فصلی ورق خورده باشد، خوانش دقتی از ابتداست که همچنان در حال نگارش است.

در آستانه قیام

جرقه قتل ژینا مهسا امینی، همه آنچه را که در انبان خشم توده متراکم شده بود، راست و مستقیم در چهره کریه استبداد مذهبی منفجر کرد. جامعه ای که برای حقوق خویش، برای عدالت و آزادی، پیش از این دو بار در مقیاس اجتماعی گسترده در دی ۱۳۹۶ و آبان ۱۳۹۸ به جنگ استبداد مذهبی رفته بود، یکبار دیگر به پا می خاست و میدان نبرد را انتخاب می کرد.

در آستانه شهریور، رژیم حاکم با مردمی روبرو بود که با پوست و استخوان خود دریافته بودند در پس بی حقوقی، فلاکت اقتصادی، بی چشم اندازی آینده، سرکوب سیاسی و امنیتی، تحقیر اجتماعی و تبعیض جنسیتی و جز آن علتی وجود دارد که این اشکال ستم را تولید می کند و برقرار نگه می دارد. قیامهای دی و آبان تعیین تکلیف با این عامل بود؛ آنچه که در شعارهای «مرگ بر خامنه ای» و «مرگ بر جمهوری اسلامی» تجلی یافت. جامعه متعرض شعارهایی را برگزید که آن را به رویارویی مستقیم با حکومت می کشاند، زیرا «نظام» را نه فقط مسوول وضعیت خود می دانست، بلکه سد راه تغییر و بهبود آن شناخته بود.

از درون این قیامها همچنین شعار دوران ساز دیگری پا به صحنه اجتماعی گذاشت که مرزبندی با «نظام» و دسته بندیهای درونی اش را به گونه قدرتمندی پیام می داد.

بقیه در صفحه ۳

یادداشت سیاسی ...

تمرین انقلاب؛ از خیزش ژینا تا عصیان «بوستان ولایت»

مهدی سامع

در صفحه ۲



جولان شکم سیرها در خیابان؛

سفره خالی تهیدستان

زینت میرهاشمی

صفحه ۵

بیانیه چهل و پنجمین سالگرد

تأسیس

شورای ملی مقاومت ایران

صفحه ۱۲

پیام مژگان افتخاری و امجد امینی
مادر و پدر زنده یاد مهسا (ژینا)
صفحه ۱۰

اعدام؛ راهکاری

برای بقای امنیت نظام

اسامی ۸۱ از زندانیان اعدام شده

در شهریور ۱۴۰۵

صفحه ۶

متن سخنرانی زینت میرهاشمی

در تظاهرات ایرانیان در پاریس

در گرامیداشت شهیدان قیام ۱۴۰۱ با

شعار «نه به اعدام»

صفحه ۳

در این شماره :

دانشگاه در ماهی که گذشت (شهریور ۱۴۰۵) - کامران عالمی نژاد صفحه ۷

چالشهای معلمان (شهریور ۱۴۰۵) - فرنگیس بایقره صفحه ۱۱

زنان در مسیر رهایی (شهریور ۱۴۰۵) - اسد طاهری صفحه ۱۳

رویدادهای هنری ماه (شهریور ۱۴۰۵) صفحه ۱۵

جنبش رنگین کمان بیشماران (شهریور ۱۴۰۵) - پویا رضوانی صفحه ۱۹

یادواره شهیدان فدایی

یادواره: رفیق محمود بابائی (رضا) - امیر ابراهیمی صفحه ۲۴

شهدای فدایی ماه مهر صفحه ۲۴

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

یادداشت سیاسی

تمرین انقلاب؛ از خیزش ژینا تا عصیان «بوستان ولایت»

مهدی سامع

آخوند خسروپناه، دبیر شورای عالی انقلاب [یخوانید ارتجاع] فرهنگی روز دوشنبه ۲۳ شهریور ۱۴۰۵ گفت: «باید مرز روشنی میان سبک زندگی و برهنگی سازمان یافته ترسیم کنیم.» (جماران)



وی بیهوده تلاش می کند تا با تملق گویی از برخی از زنان به این نظریه دامن بزند که «قریب به اتفاق بانوانی که کشف حجاب کرده اند، هیچ لجاجتی با نظام و حاکمیت ندارند.» (همان جا) این درحالی است که خصلت مخالفت با حجاب اجباری و در بافت این پدیده، ستیز و نه مخالفت معمولی با بنیاد حکومت وجود دارد.

در حالی که کابوس گنجهای مردمی، به ویژه زنان و جوانان، حکومت را رها نمی کند، کارگزاران امنیتی با ایجاد «سامانه جاسوسی "علاج"» به دنبال جاسوس پروری هستند. اما باید سخنان میرحسین موسوی، نخست وزیر هشت ساله ولایت خمینی را به یاد آورد که گفت: «مردم به چه زبانی بگویند که این نظام را نمی خواهند و دروغهای تان را باور نمی کنند. دیگر بس است. بازی به پایان رسید.» (کلمه، پنجمین ۹ بهمن ۱۴۰۴)

برای جمع بندی

در جمع بندی دو رویدادی که در بالا به آن پرداخته شد، باید به این سوال پاسخ داد که تحت چه شرایطی جامعه چنین واکنشهایی نشان می دهد؟ به گمان من تنها در شرایط انقلابی است که جامعه به میزانی، و نه در وزن قدرت دوگانه، آزاد می شود. کُش زنان در مورد حجاب به علت چنین شرایطی است که خود حاصل سالها پیکار برای رهایی است.

در مورد وجود شرایط انقلابی هم برخی آگاهانه و برخی دیگر ناآگاهانه واژه «به شکل گذشته» را از تعریف شرایط انقلابی پاک می کنند و نتیجه می گیرند که چنین شرایطی وجود ندارد. به موقعیتی که «بالاینها نمی توانند به شکل گذشته حکومت کنند و پائینینها نمی خواهند به شکل گذشته زندگی کنند» شرایط انقلابی گفته می شود. با حذف «به شکل گذشته» از این جمله، نتیجه گیریها در اساس تغییر خواهد کرد.

*از سخنان ماندگار کشتی گیر قهرمان و کارگر گچکار، زنده یاد نوید افکاری، که در بامداد روز شنبه ۲۳ شهریور ۱۳۹۹ با طناب دار رژیم به شهادت رسید.

منبع: نبرد خلق شماره ۵۰۶، چهارشنبه ۱ مهر ۱۴۰۵ - ۲۳ سپتامبر ۲۰۲۶

در حالی که خروش زنان و مردان ایران زمین برای رهایی بارها حماسه های شگفت انگیز آفریده، اما روزهایی وجود دارد که پیرامون آن باید با دقت کُنکاش کرد. دو روز از ماه شهریور امسال (۱۴۰۵) از جمله چنین روزهایی است.

در حالی که مزدوران تا دندان مسلح ولایت خامنه ای در هر کوی و برزن و در هر شهر و روستا، با «سرنیزه های خون آجین» جولان می دهند و «برای طناب دارشان دنبال گردن می گردند»*، روز چهارشنبه ۲۵ شهریور ۱۴۰۵، چهار سال پس از شروع جنبش انقلابی ۱۴۰۱، شهروندان کردستان با اعتصاب همگانی چهره روشنی از خروش توده ای علیه نظام ولایت فقیه را به نمایش گذاشتند. در این روز کسبه و اصناف در شهرهای مهاباد، بوکان، سقز، مریوان، بانه، سنندج، میاندوآب، بناب، کرمانشاه، آشنویه، کامیاران، پیرانشهر، دیواندره به فراخوان ائتلاف سیاسی احزاب کردستان ایران برای اعتصاب پاسخ مثبت دادند. نیروهای امنیتی با حضور گسترده در سطح شهر سقز، فضای امنیتی ایجاد کرده و با بستن مسیرهای اصلی و فرعی منتهی به آرامستان آیچی این شهرستان، از حضور خانواده امینی و دیگر شهروندان بر سر مزار مهسا ژینا امنیتی ممانعت به عمل آوردند.

شگفتی ۲۵ شهریور در شهرهای کردستان به شکلی در تهران و در یک رویداد ورزشی تکرار شد. این رویداد به دو دلیل قابل تعمق است. اول آن که در ابعاد کلان حجاب اجباری در کُش جمعی به سخره گرفته شد و دوم آن که در همین روز حکومت با اردوکشی با عنوان رزمایش جان فدایان ایران [یخوانید ولایت] با شرکت نیروهای بسیج سپاه و بسیج سرکوبگر و مداخله قابل توجه مداخله، گنده لاتها، باج گیران، لوتیها و البته وجود شمار اندکی از زنان «شُل حجاب»، تلاش کرد مانور «النصر بالعرب» را در برابر کُش توده ای نشان دهد که در عمل در یک کُش جمعی بی معنی و ورشکسته شد.

بامداد جمعه ۲۷ شهریور، کُشی جسورانه در ماراتونی ده کیلومتری که از «بوستان ولایت» شروع شد، همگان را متحیر و این سوال را برجسته کرد؛ در ولایتی که بوستانها به ویرانه تبدیل شده چه می گذرد که با وجود مانور سرکوبگرانه حکومت هزاران زن بدون حجاب اجباری خیابانهای تهران را طی ده کیلومتر طی می کنند؟

مجوز این دومیدانی یک ماه پیش از اجرا به درخواست اداره کل ورزش و جوانان استان تهران و با تایید استانداری صادر شده بود، «تهران کلاب» و «هیات دومیدانی استان تهران» به عنوان برگزارکنندگان معرفی شدند.

این مارش پرشکوه و به خصوص همزمانی آن با رزمایش ولایتی، برای کارگزاران حکومت قابل تصور نبود. زنان شجاع ایران زمین بدون زمینه چینی از پیش، اما هوشمندانه و غافلگیرکننده آرایش حکومت را به هم ریختند. سخنگوی وزارت کشور، همزمانی این دو رویداد را اشتباه خواند.

پیش از این هم باندهای درون حکومت پیرامون برآمدهای اعتراضی و موضوع «حجاب» سخن گفته و هشدار داده بودند.

سازمان اطلاعات سپاه در بیانیه ای که روز پنجشنبه ۵ شهریور منتشر شد، از احتمال شکل گیری دور تازه ای از اعتراضها خبر داد. این نهاد امنیتی در پایان بیانیه خود به راهکار همیشگی «مقابله با هرگونه اقدام برهم زننده آرامش» تاکید کرده است. (ایسنا)

به گزارش فرارو، روز شنبه ۲۱ شهریور، سرکردگان ارشد ارتش و سپاه پاسداران نشست مشترکی برگزار کردند. آنان در این دیدار از «سپر آهنین» در برابر «توطئه های دشمنان» سخن راندند و کیست که نداند این «دشمنان» کسانی به جز مردم ایران و به خصوص زنان و جوانان نیستند.

غلامعلی حداد عادل، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، روز چهارشنبه ۱۸ شهریور در نشست اتحادیه انجمنهای اسلامی دانش آموزان گفت: «به دلیل شرایط جنگ فعلا نمی توانیم آن طور که باید وارد جبهه حجاب شویم... ببینید دشمن چگونه توانسته در جامعه ما سبک زندگی منحط غربی را ترویج کند... و آثار آن را می توان در مدارس ایران دید.» (ایرنا)

آخوند حسین طائب، سرکرده بسیج سپاه می گوید: «ما با حفظ انسجام و وحدت داخلی باید با مسائلی مثل حجاب و سایر موضوعات فرهنگی مواجه شویم و اجازه ندهیم این مسائل انسجام داخلی را به هم بزنند.» (ایرنا، جمعه ۲۰ شهریور ۱۴۰۵)

چرا قیام شهریور آغاز شد و تجربه آن برای امروز چیست؟

منصور امان

بقیه از صفحه ۱

«نظام» در جستجوی نقطه تعادل

حاکمیت با این عزم و تجدید آرایش همخوان با آن وارد کارزار شد و مهمترین ابزار خود برای پیشگیری از خیزشهای جدید و نیز بازسازی اتوریته اش را به میدان آورد. تحمیل حجاب اجباری و به نمایش گذاشتن سرکوب زنان در فضای عمومی، نقشی کلیدی در دُکترین رژیم ولایت فقیه برای نمایش سلطه و از این طریق، مهار جامعه و حکمرانی بر آن دارد. حجاب اجباری پلاتفرمی است که «نظام» از فراز آن تور سرکوب را در گسترده‌ترین شکل پهن می‌کند، در حالی که دستاویزی شرعی، خُشونت و ترور همراه آن را مشروعیت می‌بخشد.

حاکمیت اگرچه در شناخت روانشناسی و صف‌بندی جامعه‌ی دی و بهمن به خطا نرفته بود، اما در گزینش راه رویارویی با آن یعنی با تهاجم «حجاب» و افزایش وسع نقاط اصطکاک با جامعه، فرش را از زیر پای خود می‌کشید. با این حال، انتخاب مزبور نتیجه گیج‌سری نبود، بلکه از بُن‌بست استراتژی پیشین در پایش مردم و تامین امنیت خویش سرچشمه می‌گرفت. حاکمیت در اعمال خُشونت و وحشیگری یک پا جلوتر گذاشت تا به نقطه تعادل با سطح اعتراضها و مبارزه جاری در جامعه برسد. استبداد مذهبی به این ترتیب پایه ایدئولوژیک هژمونی خویش را در برابر خطر خُرد شدن و ریزش قرار داد؛ اتفاقی که بی‌درنگ پس از آغاز جولان «گشت ارشاد» و گسیل گزمه‌های حکومتی به پیاده‌روها و خیابانها برای آزار و تحقیر زنان بر سر حاکمیت نازل شد. آخوند خامنه‌ای و تفنگچیهایش در انتهای راهکارهای خویش فرار به جلو را انتخاب کردند و سر از چهن درآوردند.

قتل بیرحمانه دختر ایران، ژینا-مهسا امینی، محصول این آرایش بود و بازتاب آن در سوی دیگر میدان به‌صورت فوران آتشفشان خشمی نمایان شد که در دامنه‌اش «نظام» را با ساختار سیاسی، ماشین سرکوب و فرهنگ ارتجاعی‌اش به آتش کشید. مُشت حاکمیت نزد جامعه معترض باز شده بود و او دریافته بود که توسل به شرع و اسلام تنها ترفندی برای به اطاعت واداشتن و ساکت نگه داشتن است. در تجربه‌ی برآشفته‌گان، آیه‌های دینی و مقدسات آیینی حاکمان فاسد و ستمگر بی‌اعتبار و منسوخ شده بود. اجتماعی کردن سرکوب از طریق لشکرکشی خیابانی علیه زنان، به اجتماعی شدن مقاومت و مبارزه و به سطح آمدن مطالبات دموکراتیک انجامید.

شعار «زن، زندگی، آزادی» محصول بی‌واسطه این آگاهی و بیان سیاسی یک مرزبندی روشن در شرایط انقلابی است؛ زمانی که ابزارهای اعمال هژمونی حاکمان ناکارا و بی‌اثر می‌شود و توده نظم موجود و استدلالها و قوانینی که سلطه آن را مشروع می‌سازد، برنمی‌تابد. از این زاویه شگفت‌آور نیست که برجسته‌ترین شعار خیزش ۱۴۰۱، صف مقدمی را نشانه برود که دستگاه سرکوب علیه جامعه به خط کرده است. تنها چند هفته پس از اعتلاء اجتماعی، بنیان سیاسی - ایدئولوژیک چهل‌ساله رژیم ولایت فقیه، یعنی حجاب اجباری چنان ضربه‌ای خورد که دیگر ترمیم‌پذیر نیست. زنان و مردان به‌پاخاسته نظم اجتماعی تحمیلی را پشت سر گذاشته‌اند و دیگر تامین هژمونی استبداد دینی از این منبع جُز با هزینه کلان و خسارت جبران‌ناپذیر ممکن نخواهد بود.

مرحله

در قیام شهریور برای نخستین مساله حقوق زنان، یک قیام سراسری را جرقه زد، پایمالی حقوق دموکراتیک و پایه‌ای توده‌ها توسط رژیم ج.ا. بخشی از ویژگیهای ذاتی آن است و بدین سبب همواره موضوع اصلی و بخش جدایی‌ناپذیر مبارزه جاری بوده است. مطالبات دموکراتیک برای رفع ستم جنسی، قومی، دینی و برای حقوق شهروندی، حقوق صنفی و سیاسی، آزادی بیان، احزاب و اجتماعات و حق مشارکت در تعیین مقدرات کشور، همواره نقش بستر و نیروی پیش‌برنده ستیز با نظم موجود را ایفا کرده است. مبارزه زنان، کارگران، کشاورزان، معلمان، جوانان و دیگر بخشهای معترض جامعه با هر سوژه و محور، در انتها مبارزه برای آزادی و برای رهایی از قید و بندهایی است که نظم مستبد دینی به‌گونه همه‌جانبه بر زیست و معیشت آنها تحمیل می‌کند. نه فقط مضمون، شعارها و سمبلیکری این مبارزات، بلکه ماهیت ماقبل سرمایه‌داری ستمهایی از نوع حجاب اجباری، بی‌حقوقی شهروندان، بی‌عدالتی قضایی، غارتگری، برده‌سازی نیروی کار و جُز آنها، افق تحولات دموکراتیک را به عنوان مقصد جنبشهای کنونی و تغییرات مورد نظر آنها به‌نمایش گذاشته است. امروز مبرمترین وظیفه یک تحول انقلابی، دست زدن به وسیع‌ترین دگرگونیهای دموکراتیک در ساختارهای سیاسی و اقتصادی است؛ تحولی که حل تضاد جامعه و حاکمیت پیش‌شرط به واقعیت پیوستن آن است.

بقیه در صفحه ۴



«اصلاح طلب، اصولگرا-دیگه تمومه ماجرا» درک عینی جامعه را از مسیر پشت‌سر گذاشته شده و نقطه‌ای که اکنون در آن قرار داشت، بازگو می‌کرد. جامعه امید بیهوده به چرخش سیستم را وانهاد و زیر و رو کردن اش را به بوته آزمایش می‌گذاشت. این یافته‌ای گرانبها بود که تمامی حرکتها و جنبشهای اعتراضی و سرنگونی را تا به امروز در تعیین صف‌بندیهای شان آرایش داده است. دوران آسوده‌ای که حاکمیت، خود اپوزیسیون خویش را تعیین می‌کرد و بر امواج اجتماعی و طبقاتی ناخشنودی تور می‌انداخت، به گذشته تعلق گرفته بود.

غلطاندن بُشکه باروت

در آستانه توفان شهریور، صحنه سیاسی - اجتماعی کشور را دو مولفه رقم می‌زد:

- ۱- تشدید وخامت بحران اقتصادی و در پیامد آن رانده شدن لایه‌های جدید اجتماعی به خط فقر و سخت‌تر شدن گذران زندگی و معاش برای میلیونها نفر
 - ۲- شکست پروژه حاکمیت برای سرکوب یا مهار پایدار جامعه!
- رژیم ج.ا. پس از سلسله خیزشهای دی و بهمن، در برابر جامعه به موضع دفاعی رانده شده و راه حل‌هایش به نتایجی که انتظار می‌کشید، منتهی نمی‌گردید. سرکوب تاثیر منفعل‌کننده‌اش بر جامعه را از دست داده بود، رفتن به زندان «نظام» ستمکار فضیلت به حساب آورده می‌شد و کارخانه و مزرعه، جاده و خیابان، مدرسه و دانشگاه صحنه نمایش سینه‌های سپر کرده و بی‌هراس بود. آنچه که در جامعه شکل گرفته و پا سفت می‌کرد، روانشناسی تغییر بود و نه روانشناسی ترس!

از سوی دیگر، در ماه‌های منتهی به شهریور ۱۴۰۱، جامعه ایران با یکی از سخت‌ترین دوره‌های اقتصادی و معیشتی پس از دهه‌ها مواجه بود. مجموعه‌ای از بحرانهای ساختاری، فشارهای روزمره و بی‌چشم‌اندازی، توده‌های وسیعی را به نقطه انفجار رسانده بود. قیمت کالاهایی که فعالیت و بقای انسان بدان وابسته است، از ۸۰ تا ۳۲۷ درصد گران‌تر شده بود و افزوده بر آن، خانوارهای اجاره‌نشین که شمارشان به ۲۷ میلیون خانوار می‌رسد، باید بین ۵۰ تا ۱۰۰ درصد کرایه بیشتری پرداخت می‌کردند. طاعون بیکاری، به ویژه در رده جوانان، رو به جلو گسترش می‌یافت و آن دسته که اشتغال داشتند، با قراردادهای موقت، حقوقهای عقب‌افتاده و نبود امنیت شغلی دست‌وپنجه نرم می‌کردند.

حاکمیت به خوبی می‌دانست که بر بُشکه باروت کشور نشسته و زیر پوست جامعه، التهاب و خشم در حال جوشش است. بازتاب این آگاهی را در آرایش نظامی و امنیتی دادن به ساختار دولت می‌شد دید که به تیول سرکردگان سپاه پاسداران و مدیران دستگاههای امنیتی درآمده بود. بر آستاندارها و فرماندارها مهره‌های نظامی و امنیتی کاشته شده بودند و در نهایت، یک جلاد به بدنامی شهره، آخوند ابراهیم رئیسی، به عنوان آگهی معرفی بر سر در این ساختار وحشت‌الصابق شده بود. روشن بود که خامنه‌ای و همدستانش کمر به تشدید خُشونت و سرکوب بسته‌اند تا جامعه معترض به شرایط خویش را به زنجیر وحشت و احتیاط بکشد.

متن سخنرانی زینت میرهاشمی

چرا قیام شهریور آغاز شد و تجربه

آن برای امروز چیست؟

بقیه از صفحه ۳

در تظاهرات ایرانیان در پاریس در گرامیداشت شهیدان قیام

۱۴۰۱ با شعار «نه به اعدام»

دوستان عزیز، ایرانیان آزادیخواه، درود بر همه ی شما

ما در ماه شهریور هستیم؛ ماهی که یادآور خیزش انقلابی و خونینی است که به نام مهسا ژینا امینی و با نقش برجسته زنان به ثبت رسید. این جنبش دستاوردهای مهمی داشته است؛ دستاوردهایی که امروز برای همه آشکار است.

ضمن تشکر از برگزارکنندگان گردهمایی امروز که این فرصت را به من دادند، در ابتدا ۶۱ سالگرد تأسیس سازمان مجاهدین خلق ایران و انتخاب خانم مهناز میمنت، به عنوان مسئول اول این سازمان را شادباش می گویم.

بیاییم تقویم را با هم مرور کنیم. از شما یک سوال دارم؟

به گمان شما در جنبش ضد دیکتاتوری از کدامین ماه در سال خورشیدی یاد کنیم؟

از بهمن ماه ۱۳۴۹ و رستاخیز سیاهکل، از فروردین ماه ۱۳۵۴ و شقایق های سرخ تپه های اوین؛ ۷ فدایی و ۲ مجاهد، از خرداد سال ۶۰ و بهمن ماه خونین در همان سال، مرداد و شهریور ۶۷، تیر ۷۸، خرداد ۸۸، دی ۹۶، آبان خونین ۹۸، تیر ۱۴۰۰، شهریور خونین ۱۴۰۱، یا از دی ماه ۱۴۰۴؟

هر بار، یک خیابان؛ هر بار، یک فریاد؛ هر بار، خون هایی ریخته شده بر زمین؛

و هر بار، پاسخ رژیم ولایت فقیه: سرکوب، شکنجه و اعدام.

از کدام گل های سرخ پرپر شده بر طناب دار جلالان یاد کنیم؟

از کدام دل های عاشق آزادی و چشم های زیبا و پرفروغی که با گلوله خاموش شدند؟

از کدام نام در آن کیسه های لعنتی سیاه و از کدام آه مادران و پدرانی یاد کنیم که به ما در خواب و بیداری هشدار دادند؟

از کدام زندانی سیاسی بگوئیم که سرودخوانان، چوبه دار را به پرچم رسوایی حکومت تبدیل کرد؟

از کدام نامی بگوئیم که امروز زیر حکم اعدام است؟

ابعاد جنایت چنان گسترده است که تقریباً همه روزهای سال را به بخشی از تاریخ جنبش ضد دیکتاتوری و آزادیخواهانه مردم ایران تبدیل کرده است.

پس مساله فقط این نیست که از کدام ماه شروع کنیم؛

مساله این است که این تقویم خونین، چرا هنوز ادامه دارد؟

برای عوض شدن رنگ این تقویم و پایان دادن به این چرخه خونین، به گمان من، تنها راه، سرنوشتی حکومت است. باوجود تمام موانعی که برای تحقق این امر طی ۴۷ ساله وجود داشته و دارد، اما مبارزه هم ادامه دارد و تغییر سرنوشت مردم ایران به دست خودشان هر روز بیش از پیش خود را نشان می دهد.

به گمان من، هر ایده و تفکر، هر جریان و نیرو، چه با ادعای بی طرفی و چه به بهانه جنگ یا تجاوز نیروی خارجی، بر جنگ داخلی رژیم با مردم سرپوش بگذارد، آگاهانه یا ناآگاهانه به ادامه عمر این رژیم و خونین تر شدن این تقویم کمک می کند.

وقتی به این تقویم نگاه می کنیم، می بینیم که جنگ اصلی جمهوری اسلامی با مردم است.

جنگ با زنانی که نمی خواهند حجاب اجباری را بپذیرند.

جنگ با جوانانی که آینده ای آزاد می خواهند.

جنگ با کارگری که دستمزدش کفاف زندگی اش را نمی دهد.

جنگ با معلم و بازنشسته ای که حق خود را مطالبه می کند.

جنگ با دانشجویی که آزادی می خواهد.

و جنگ با همه کسانی که می گویند این کشور باید متعلق به مردمش باشد.

اما در برابر این جنگ، ما شاهد سیل خروشان آزادیخواهانی هستیم که عزم جزم کرده اند زندگی زیر بار سرکوب، خشونت، تحقیر و فقر را تغییر دهند.

آنهایی که برای تغییر سرنوشت خود و مردمشان، حاضر به پرداخت بهای سنگین و از دست دادن جان و مال خود شده اند؛ انسان هایی که برای تحقق رؤیاهای زیبایی آزادیخواهانه و عدالت جویانه، از همه چیز گذشته اند.

و شاید همین جاست که باید به آینده نگاه کنیم.

زیرا این تقویم فقط تقویم خون و سوگ نیست؛

تقویم مقاومت و ایستادگی مردم ایران نیز هست.

هر نامی که بر آن ثبت شده، یادآور ایستادگی در کوهکشان پرستاره سرزمین آفتاب و باد است.

هر خیابانی که شاهد خون بوده، شاهد یک فریاد نیز بوده است.

و تا زمانی که این فریاد زنده است، تاریخ این سرزمین هنوز نوشته نشده است.

ما متعهد و مصمم به ایستادگی و مبارزه علیه استبداد مذهبی هستیم. پس دست در دست هم تا پیروزی به پیش!

سیاس که به من گوش کردید

برآمد

سه آموزه بزرگ قیام شهریور همچون چراغ بر مسیر خیزشهای پس از خود می تابد:

نخست: قیام هنگامی شکل گرفت که سرکوب و فشار پلیسی-امنیتی حاکمیت برای تأمین و تضمین سلطه در بالاترین سطح خود قرار داشت و با این حال با یک تکان، غول اعتراضات در سراسر کشور از جا برخاست.

دوم: مقاومت همه گیر شد چون خیزش توانست با رویکردهای منفعل، در خود و برای خود مرزبندی کند و گاو مقدس «خُشونت پرهیزی» را از میدان شهر بیرون براند. از کناره به میدان شهریور، مبارزه فعال با حوزه های عمل حاکمیت، جلوگیری از اعمال قدرت آن و به چالش کشیدن اش جاری شد.

سوم: اتحاد و همبستگی بی مانندی که میان گردانهای اجتماعی گوناگون با خاستگاه های جنسیتی، ملی، سنی، صنفی و سیاسی شکل گرفت و آنها را کنار یکدیگر به خیابان و به سنگر آورد، نتیجه بی واسطه خصلت دموکراتیک، رهایی بخش و عادلانه قیام بود. خیزش شهریور نشان داد که تنها خواست عمیق ترین آزادیها می تواند وسیع ترین بخشهای جامعه را به میدان بیاورد و متحد کند.

جولان شکم سیرها در خیابان؛ سفره خالی تهیدستان

اعدام؛ راهکاری برای بقای امنیت نظام

زینت میرهاشمی

بقیه از صفحه ۶

مراسم یادبود جانبازان اعدامهای تابستان ۶۷

در بند ۷ زندان اوین

جمعی از زندانیان سیاسی با گرایشهای مختلف در بند ۷ زندان اوین، همزمان با سالگرد اعدامهای گسترده زندانیان سیاسی در تابستان ۱۳۶۷، مراسمی برای گرامیداشت یاد قربانیان برگزار کردند. زندانیان در جریان این مراسم نقاشیهایی را که به مناسبت این سالگرد تهیه شده بود در راهروی بند نصب کردند و سپس برنامههایی شامل سخنرانی، شعرخوانی و همخوانی سرود برگزار شد. محور اصلی سخنرانیهای یادآوری اعدامهای سال ۶۷، مخالفت با مجازات اعدام و تأکید بر ادامه دادخواهی عنوان شده است.

در بخش دیگری از مراسم، یکی از زندانیان شعری با مطلع «آن عاشقان شرزه که با شب نزیستند» را به یاد وحید بنی عامریان و دیگر زندانیانی خواند که بنا بر گزارش کانون حقوق بشر ایران در فروردین ۱۴۰۵ اعدام شدهاند. این مراسم در پایان با همخوانی سرود «خون ارغوانها» خاتمه یافت. کانون حقوق بشر ایران، یکشنبه ۸ شهریور ۱۴۰۵

وکیل تسخیری زنده یاد مجید آدینه: «سکوت کنید، و گرنه می کشیمش بالا»

خانم فریده رسولی، مادر زنده یاد مجید آدینه، از تهدید خانواده فرزندش توسط وکیل تسخیری خبر داده و گفته است که او اطرافیان مجید را تهدید می کرد در صورت سکوت نکردن، «می کشیمش بالا»، عبارتی که به معنای اعدام او بود. خانواده او می گویند وکلای تعیینی تا یک روز پیش از اجرای حکم به پرونده دسترسی نداشتند و درخواست اعاده دادرسی نیز پیش از اعدام ثبت نشد.

به گفته خانم فریده رسولی، مجید آدینه ماهها در انفرادی و تحت شکنجه و تهدید قرار داشت و از آخرین تماس و ملاقات با خانواده محروم شد. خانواده همچنین اعلام کرده اند که پس از اعدام، برای تحویل و خاک سپاری پیکر او با محدودیت و تهدید نیروهای امنیتی مواجه شدند.

زنده یاد مجید آدینه بیش از ۲۰ سال در زمینه حمایت از کودکان محروم، بی سرپرست و کودکان کار فعالیت داشت. کنشگران حقوق بشر ایران



بر اساس گزارش مرکز آمار ایران، تورم سالانه در مردادماه به ۶۹.۹ درصد و تورم نقطه به نقطه به ۸۹ درصد رسیده است. اما آنچه بیش از همه سفره مزدبگیران را هدف گرفته، تورم ۱۲۸ درصدی خوراکیها و آشامیدنیهاست؛ یعنی مردم برای خرید همان مجموعه ای از کالاهای خوراکی، به طور متوسط بیش از دو برابر سال گذشته هزینه می کنند. همزمان، مرکز آمار رشد اقتصادی بهار ۱۴۰۵ را با احتساب نفت منفی ۱۰.۱ درصد و بدون نفت منفی ۴.۶ درصد اعلام کرده است. صنایع و معادن نیز با افت ۱۴.۷ درصدی روبه رو شده اند. (ایسنا ۶ شهریور)

رئیس یک کانون کارگری حکومتی در گفت و گو با ایلنا از بلعیده شدن دستمزد کارگران در کمتر از ۱۰ روز خبر می دهد و می گوید: «تورم برخی اقلام و ارزاق مصرفی به حدود ۳۰۰ درصد رسیده است و در چنین شرایطی، حقوق کارگران در کمتر از ۱۰ روز بخش قابل توجهی از قدرت خرید خود را از دست می دهد».

وی افزود: افزایش قیمت گوشت قرمز، مرغ، روغن نباتی و برنج، تأمین نیازهای اولیه زندگی را برای بسیاری از خانوارهای کارگری دشوار کرده و سفره کارگران روز به روز کوچکتر می شود.

وقتی هزینه های زندگی با چنین سرعتی افزایش پیدا می کند، تثبیت دستمزد به معنای کاهش مستمر قدرت خرید کارگران است، بنابراین باید برای ترمیم دستمزدها متناسب با واقعیت های اقتصادی تصمیم گیری شود. «(۷ شهریور ۱۴۰۵) به اعتراف رسانه های حکومتی «دریافتی عمده کارگران در ایران بین ۲۰ تا ۴۰ میلیون تومان متغیر است، اما هزینه معیشت یک خانواده چهار نفره با توجه به شرایط تورمی به حدود ۹۰ میلیون تومان رسیده است.» (ایلنا ۲۵ شهریور ۱۴۰۵)



سقوط سنگین «دستمزد واقعی کارگران» پدیده پنهانی نیست و رسانه های حکومتی بدان اعتراف می کنند. به گزارش ایلنا «در یک بازه زمانی ده ساله، پایه مزد کارگران مشمول قانون کار یا همان «دستمزد واقعی طبقه کارگر» از ۳۲۲ دلار به ۸۳ دلار تنزل یافته است؛ یعنی دستمزد واقعی کارگران ده سال پیش ۲.۷ برابر امروز بوده است.» (سه شنبه ۳ شهریور ۱۴۰۵) آنچه امروز نیروهای کار، بازنشستگان و بیکاران با آن مواجه اند، نتیجه سیاستی است که تحت عنوان «اقتصاد مقاومتی» شناخته می شود؛ سیاستی که در عمل، ثروت عمومی را در مسیر جنگ افروزی و تنش آفرینی منطقه ای به کار گرفته و معیشت مردم را به فلاکت کشیده است.

در ادامه تجمع بسیجیها و لمین بازی مداحهای حکومتی در خیابانها، روز آدینه ۲۷ شهریور، رژه حکومتی به نام «جان فدا» به راه انداخته شد. در هنگامه تشدید فقر و تنگدستی، نگاه داشتن مزدوران بسیجی و دلواپسان امنیت نظام در خیابان تنها با سیرکردن شکم و پر کردن جیب آنها می تواند ادامه داشته باشد.

کسانی که به برکت هواداری از باندهای رژیم و یا به بهانه بودن در خیابان برای مقابله با دشمن شکمهای شان سیر است خبر از گرسنگی مردم ندارند. عده انگشت شماری که با



دهانهای کف کرده از ادامه جنگ حرف می زنند هزینه جنگ طلبی را بر دوش مزدبگیران و کارگران می گذارند. همزمان با تعطیلی کسب و کار مردم از طریق پلمپ کردن، عده دیگری در نهادهای سرکوبگر استخدام می شوند. زنان مزدور و سرکوبگر که در برابر زنان با پوشش اختیاری مانع ایجاد می کنند و درگیری شوند موضوع ایدئولوژی نیست بلکه حفظ نظام در این موقعیت بعد از قیام دی ماه، دقیقاً منافع اقتصادی و امنیتی دارد. برهمه روشن است که در راهبرد حکومت، امنیت نظام بر امنیت هر شهروندی تقدم دارد.

رئیس پلیس راهور تهران از طرح استقرار پلیس زن در برابر مدارس دخترانه که قرار است از اول مهر اجرایی شود خبر داد. ظاهراً این طرح به نام امنیت دختران است اما دو هدف بیشتر ندارد. کنترل حجاب و کنترل پیشگیرانه از شکلگیری اعتراض دانش آموزی با توجه به نقش آنها در خیزش گسترده شهریور ۱۴۰۱.

رژیم از بامداد سه شنبه ۱۷ شهریور قیمت بنزین را رسماً دو برابر کرد و برای جلوگیری از اعتراض به افزایش بهای بنزین، نیروهای امنیتی و لباس شخصیها را در اطراف پمپهای بنزین کاشت.

عارف معاون اول پزشکیان در توجیه گران کردن بنزین گفته است که: «هر کسی هر هفته شمال می رود باید پول بنزینش را بدهد». این شاید نگفت که بسیاری از مزدبگیران در حاشیه کار خود مجبور به مسافرت کشی هستند و اصلاً امکان رفتن به سفر ندارند. وی نگفت که دوبرابر شدن بهای سوخت تأثیر مستقیم بر همه کالاهای اساسی خواهد گذاشت. او نگفت که امکان رفتن هر هفته شمال مخصوص شکم سیرها و آفازه ها و کاسه لیسان حکومتی است.

دلار در ابتدای شهریورماه رکورد زد و در ۱۹ شهریور از ۳۳۵ هزار تومان عبور کرد. صعود دلار یعنی کاهش ارزش ریال که به به طور شتابان تأثیر خود را بر معیشت مردم می گذارد. با کاهش ارزش پول ملی، تورم نیز افزایش پیدا کرد.

اعدام؛ راهکاری برای بقای امنیت نظام

اسامی ۸۱ از زندانیان اعدام شده در شهریور ۱۴۰۵

زندانیان سیاسی و زنان اعدام شده با رنگ **سرخ** مشخص شده اند

با استناد به آمار به ثبت رسیده در مرکز آمار و اسناد سازمان حقوق بشری ههنگاو، طی ماه آگوست سال ۲۰۲۶، دستکم حکم اعدام ۸۹ زندانی در زندانهای مختلف ایران اجرا شده است.

یکشنبه ۱ شهریور: مجید آدینه‌زاده (سیاسی) و **فاطمه کمال زارع** در کرج/ اردلان سبزی در ماکو/ محمدعلی کفاشی و حامد امامی در سمنان/ بهرام کشاورزی در شیراز/ نوید محمدپور در دهدشت/ محمود طالبی و سید حسین حصاری در مشهد/ علی زیبایی در سمنان **۱۰ تن**



مجید آدینه



دوشنبه ۲ شهریور: بهرام (قهرمان) کشاورزی و شفیق شوکتی در شیراز/ **آرزو رستاد**، امیر دانایی، صالح زیدآبادی و مرآت زیدآبادی در اصفهان/ مصیب در مشهد **۷ تن**



امیر دانایی

سه شنبه ۳ اردیبهشت: هدایت جمال‌زاده و زهرا عزیزپور در رشت/ سعید نجفی، حمید نجفی و سجاد شیرزادی در کرج/ امید (علی اکبر) شاه‌زهی در زاهدان/ عماد شیخی و علی اصغر سالارزهی در یزد/ یوسف باوی در اهواز **۹ تن**

چهارشنبه ۴ شهریور: مسعود نعمتی و اسماعیل عجمی در ساری/ مصطفی وثوقی در خرم‌آباد **۳ تن**

شنبه ۷ شهریور: یاور علی زاده، حسین خلیلیان، مجتبی واحدی و داود ترخان در تبریز **۴ تن**

دوشنبه ۹ شهریور: عباس مردانی و منصور رحیمی‌نژاد در قم/ مجتبی صالحی لاقانی در رشت **۳ تن**

سه شنبه ۱۰ شهریور: سینا علیپور در زاهدان **۱ تن**

چهارشنبه ۱۱ شهریور: علی میرضایی در بابل/ یاسر مومنی و عزیز روشنائی در شیراز/ امید رخشانی، انصار نامی و نظیف رسول خواننده در مشهد/ ولی‌جان نورزای در رفسنجان/ احمد حاجی حسنی در گرگان **۸ تن**

جمعه ۱۳ شهریور: خلیل افغان در زاهدان **۱ نفر**



خلیل افغان

شنبه ۱۴ شهریور: رضا سلیمی در سمنان **۱ تن**
یکشنبه ۱۵ شهریور: فاطمه جهانگرد، مهرداد مختاری، سید رسول داوری و محمدرضا محمدپرست در مشهد/ عرفان میرزایی در اصفهان **۵ تن**



عرفان میرزایی

سه شنبه ۱۷ شهریور: عزت عسگری گلوگاهی (خلیل شهر) در بهشهر **۱ تن**

چهارشنبه ۱۸ شهریور: محمدیوسف عیسی زهی (ریگی)، شاه‌رخ پوراسماعیلی و حسین قاسم‌زاده در اصفهان/ محمدرضا نیرنگ در یزد/ محمدرضا خرم در کرج **۵ تن**

یکشنبه ۲۲ شهریور: یوسف آیل و فرزاد احمدپور (طاووس) در جیرفت/ امان الله نظرخانی و هاشم رخشانی در زابل/ اصغر پیش آهنگ در زاهدان/ محمد موسی زهی در ایرانشهر/ **زینب رجبی و هوشنگ سلطانی در اصفهان **۸ تن****

دوشنبه ۲۳ شهریور: وحید وفایی، رضوان اصغرزاده و عبدالرحیم نارویی روزنه در اصفهان/ اسکندر حیدرزاده در تبریز **۴ تن**



رضوان اصغرزاده

سه شنبه ۲۴ شهریور: فریدون اکبرزاده در ایلام/ امیرحسین همتی در جیرفت **۲ تن**

چهارشنبه ۲۵ شهریور: مهرداد اسدی در کرج/ حسین غزل‌لوی و نعمت مقامی در اهواز **۳ تن**

شنبه ۲۸ شهریور: حسین پدران در اصفهان **۱ تن**

یکشنبه ۲۹ شهریور: هادی حسنلو در شیراز **۱ تن**

دوشنبه ۳۰ شهریور: کریم مجدم در اهواز **۱ تن**

سه شنبه ۳۱ شهریور: جلیل سلامات در اهواز/ مصطفی کریم‌زاده در اصفهان/ سید صادق موسوی در اهواز **۳ تن**

اعدام: جا مانده از ماه پیش **۴ تن**

سه شنبه ۲۰ مرداد ۱۴۰۵: بهروز سوری و جلال نعمت‌زاده در رشت

دوشنبه ۲۶ مرداد ۱۴۰۵: یدالله شمسی در رفسنجان

شنبه ۳۱ مرداد ۱۴۰۵: طاهای خاوری در خرم‌آباد

چند خبر از زندان و زندانی

جانباختن در زندان

سه شنبه ۱۰ شهریور: جمعه نارویی، زندانی ۳۵ ساله اهل زاهدان، متأهل و پدر پنج فرزند به دلیل تأخیر در رسیدگی پزشکی در زندان مرکزی کرمان جانباخت.

دوشنبه ۱۶ شهریور: جانباختن ابوالفضل محمدی در زندان کرج به دلیل عدم رسیدگی پزشکی و تأخیر در انتقال به مراکز درمانی

بقیه در صفحه ۵

دانشگاه در ماهی که گذشت (شهریور ۱۴۰۵)

کامران عالمی نژاد

در چند دانشگاه ایران، در آستانه آغاز سال تحصیلی جدید، حکایت دارند.

بهمن‌آبادی، معاون دانشجویی دانشگاه شریف، روز سه‌شنبه ۳ شهریور از عملکرد کمیته انضباطی دفاع کرد و مدعی شد دانشجویان اخراج شده اقداماتی از جمله آتش زدن «پرچم جمهوری اسلامی» یا بلند کردن «پرچم سلطنت‌طلبان» در دانشگاه انجام داده‌اند.

به گفته او، در مجموع ۲۳۶ دانشجوی شریف به شورای انضباطی معرفی شده‌اند که برای ۱۱۵ نفر، به دلیل آنچه «وجود مستندات» خوانده، پرونده تشکیل شده است. حدود ۴۰ دانشجو نیز به دلیل آنچه «تخلفات جدی‌تر» توصیف شده، به شورای انضباطی احضار شده‌اند.

بازداشت عضو هیات علمی دانشگاه هنر اصفهان



روز سه‌شنبه ۳ شهریور ۱۴۰۵، مهدی سعدوندی، عضو هیأت علمی دانشگاه هنر اصفهان، توسط نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی در منزل شخصی بازداشت شد. آقای سعدوندی از سال ۱۳۸۸ عضو هیأت علمی معماری دانشگاه هنر اصفهان بوده است. این استاد شجاع، یکی از معدود اساتید دانشگاه است که همواره و بدون هیچ قید و شرطی همراه و هم‌صدا با دانشجویان بوده و با وجود فشارهای حکومت، استقلال رای خود را حفظ کرده است. تاکنون از اتهامات، محل نگهداری و وضعیت این استاد دانشگاه اطلاعی در دست نیست.

حکم ۱۲ سال و ۶ ماه حبس برای دانشجوی حسابداری

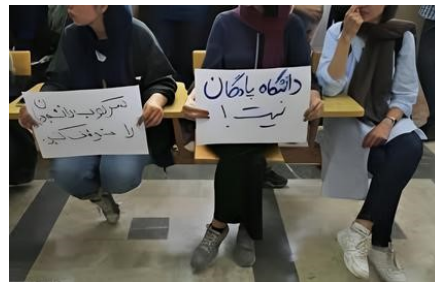
روز پنجشنبه ۵ شهریور ۱۴۰۵، شعبه ۱ بیدادگاه انقلاب مشهد، نجمه امینی، دانشجوی ۲۳ ساله رشته حسابداری را به اتهام «اقدام عملیاتی علیه امنیت ملی» به ۱۲ سال و ۶ ماه و یک روز حبس محکوم کرده است. این دانشجوی ۲۳ ساله روز ۱۳ بهمن‌ماه در جریان بازرسی‌های منطقه بازار فردوسی مشهد با اعمال خشونت و ضرب‌و‌شتم بازداشت شد. مأموران امنیتی او را پس از دستگیری به زندان وکیل‌آباد منتقل کردند و وی حدود سه ماه را در سلول انفرادی در بند امنیتی این زندان سپری کرد. وی هم‌اکنون در بند موسوم به «آرامش» در زندان وکیل‌آباد مشهد محبوس است.

بقیه در صفحه ۸

در این نامه، با استناد به عنوان «عدم احراز صلاحیت عمومی»، تصمیم مبنی بر اخراج این دانشجو از دانشگاه و محرومیت او از ادامه تحصیل اعلام شده است. همچنین در کارنامه تحصیلی وی، وضعیت «خروج دائم از تحصیل و منع از تحصیل به دلیل عدم احراز صلاحیت‌های عمومی» درج شده است.

به گفته یک منبع مطلع نزدیک به خانواده این دانشجو، اخراج و محرومیت تحصیلی کامیار ملاکی مستقیماً با اعتقاد او به آیین بهایی مرتبط است. کامیار ملاکی، فرزند خلیل و متولد سال ۱۳۸۶، دانشجوی ترم دوم مقطع کارشناسی رشته مهندسی معماری در دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند و از شهروندان بهایی ساکن این شهر است.

تهدید دانشجویان به تشدید سرکوب دانشجویان



مصطفی رستمی، رئیس نهاد نمایندگی رهبر جمهوری اسلامی در دانشگاه‌ها، روز دوشنبه ۲ شهریور ۱۴۰۵، با لحنی تهدیدآمیز خواستار تشدید برخورد با دانشجویان و افزایش فشار بر مسئولان دانشگاهی برای پیگیری آنچه «تخلف» خواند، شد.

در ماه‌های وزارت علوم و بهداشت دولت پزشکیان در سرکوب دانشجویان سنگ تمام گذاشته و همکاری کاملی را با سپاه تروریست پاسداران و نیروهای اطلاعاتی داشته است.

رستمی با اعمال فشار مستقیم بر وزارتخانه‌های علوم و بهداشت گفت: «مطالبه ما از مسئولان وزارت علوم و وزارت بهداشت، به ویژه مسئولان حوزه‌های دانشجویی، این است که خودشان به صورت جدی پیگیر اجرای قانون در محیط دانشگاهی باشند و اجازه ندهند مسائل و تخلفات بدون رسیدگی باقی بماند».

رئیس نهاد نمایندگی رهبر جمهوری اسلامی در دانشگاه‌ها در ادامه، برخورد با دانشجویان را اقدامی به اصطلاح «به نفع دانشجو» توصیف کرد و افزود: «حتی اگر دانشجویی مرتکب تخلف شده باشد، رسیدگی به موقع و قانونی می‌تواند هزینه کمتری برای او و محیط دانشگاه داشته باشد. از سوی دیگر، باقی ماندن تخلف بدون پاسخ نیز می‌تواند به محیط دانشگاه آسیب بزند».

اخراج شش دانشجوی شریف

شش دانشجوی دانشگاه صنعتی شریف، در ارتباط با خیزش دی ۱۴۰۴ با حکم کمیته انضباطی اخراج شدند. همزمان گزارشها از افزایش احضار و برخورد انضباطی با دانشجویان

صندلیهای دانشگاههای دولتی در قبضه دانش آموزان سهمیه ای و مدارس خاص.

اسرار، سه شنبه ۲۴ شهریور ۱۴۰۵

بیانیه جمعی از اساتید دانشگاه شریف



جمعی از اعضای هیات علمی دانشگاه صنعتی شریف در تاریخ شنبه ۳۱ مرداد، با انتشار نامه‌ای سرگشاده با عنوان «برای شریف»، نسبت به روند مخدوش رسیدگی‌های انضباطی، ایجاد فضای بی‌اعتمادی توسط مدیریت دانشگاه و صدور احکام بی سابقه اخراج و محرومیت از تحصیل برای دانشجویان معترض هشدار دادند.

امضاکنندگان این یادداشت -که فهرست اسامی همچنان در حال به‌روزرسانی است- تأکید کرده‌اند این متن نه از موضع حقوقی، وکالت دانشجویان یا دفاع از رفتارهای خاص سیاسی و اجتماعی، بلکه به عنوان «رنجنامه ای» از سوی اعضای این خانواده علمی و انسانی تدوین شده است؛ کسانی که سالها در فضای دانشگاه زندگی کرده، دانشجو پرورده و شریف را هویتی فراتر از ساختمانها و آییننامه ها می‌دانند. استادان شریف در این نامه با اشاره به وقایع تلخ دانشگاه از جمله حمله ۱۰ مهر ۱۴۰۱، تأکید کرده‌اند که دانشگاه پیش از هر چیز یک خانواده انسانی است و مواجهه با اعتراضها از طریق «حذف و طرد»، موجب گسست این خانواده و نابودی اعتماد متقابل میان دانشگاه و دانشجو شده است.

اخراج دانشجوی بهایی از دانشگاه آزاد بیرجند



کامیار ملاکی، شهروند بهایی و دانشجوی ترم دوم مقطع کارشناسی مهندسی معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند، به دلیل اعتقاد به آیین بهایی از این دانشگاه اخراج و از ادامه تحصیل محروم شده است.

کامیار ملاکی روز یکشنبه ۱ شهریور به دفتر حراست دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند احضار و در جریان این احضار، مفاد نامه‌ای محرمانه که از تهران به دانشگاه ارسال شده بود، به وی ابلاغ شد.

دانشگاه در ماهی که گذشت

بقیه از صفحه ۷



او از زمان بازداشت تا به امروز، از حق اولیه برخورداری از وکیل انتخابی و دادرسی عادلانه محروم مانده و در مراحل بازجویی برای اخذ اعترافات اجباری تحت فشارهای شدید قرار داشته است.

همچنین پرونده دیگری با اتهام «سب النبی» برای این دانشجو در شعبه ۶ دادگاه کیفری خراسان رضوی گشوده شده که جلسه دادگاه آن، در روزهای پایانی شهریورماه برگزار خواهد شد. اتهامی بسیار سنگین که می‌تواند جان این دانشجو را در خطر قرار دهد.

«نجمه امینی»، در پیامی صوتی از زندان وکیل‌آباد مشهد اعلام کرده است که بیدادگاه انقلاب برای او حکم اعدام صادر کرده است. نجمه امینی در آن گفته دستگاه قضایی روز ۲۵ شهریور حکم اعدامش را صادر کرده است.

او از سازمان ملل متحد، وکلا، فعالان مدنی و نهادهای حقوق بشری خواسته است پرونده‌اش را بررسی کنند و برای برخورداری او از حق دادرسی عادلانه اقدام کنند. صدور حکم اعدام برای این دانشجو در ادامه موج احکام سنگین علیه بازداشت شدگان اعتراضات دی ماه صورت می‌گیرد. سازمان حقوق بشر ایران پیش‌تر اعلام کرده بود دست‌کم ۱۰۰ معترض بازداشت شده در ۱۳ استان با خطر اجرای حکم اعدام روبه‌رو هستند.

اولیتما توم استادان به دولت جمهوری اسلامی

به اطلاع محترم می‌رساند،

کانون صنفی استادان دانشگاهی ایران

با توجه به اینکه کانون صنفی استادان دانشگاهی ایران، به عنوان یک نهاد مستقل و غیرانتفاعی، در راستای دفاع از حقوق و منافع علمی و حرفه‌ای اعضای خود، اقدام به تشکیل کمیته‌های تخصصی و برگزاری نشست‌ها و کارگاه‌ها نموده است. در این راستا، کمیته حقوقی کانون، با بررسی دقیق پرونده‌های حقوقی اعضای کانون، به نتایج زیر دست یافته است:

۱. عدم مشروعیت احکام صادره از دادگاه‌های غیرقانونی و غیرمستقل.

۲. نقض حقوق اساسی و بین‌المللی اعضای کانون.

۳. لزوم توقف فوری از روند بازداشت و محاکمه اعضای کانون.

۴. درخواست از مراجع ذیصلاح برای پیگیری حقوقی و حمایت از اعضای کانون.

۵. اعلام آمادگی کانون برای همکاری با مراجع ذیصلاح در پیگیری حقوقی.

۶. درخواست از مراجع ذیصلاح برای اعلام موضع و حمایت از اعضای کانون.

۷. اعلام آمادگی کانون برای برگزاری نشست‌ها و کارگاه‌ها در راستای دفاع از حقوق و منافع اعضای کانون.

۸. اعلام آمادگی کانون برای همکاری با مراجع ذیصلاح در پیگیری حقوقی.

۹. اعلام آمادگی کانون برای اعلام موضع و حمایت از اعضای کانون.

۱۰. اعلام آمادگی کانون برای برگزاری نشست‌ها و کارگاه‌ها در راستای دفاع از حقوق و منافع اعضای کانون.

۱۱. اعلام آمادگی کانون برای همکاری با مراجع ذیصلاح در پیگیری حقوقی.

۱۲. اعلام آمادگی کانون برای اعلام موضع و حمایت از اعضای کانون.

۱۳. اعلام آمادگی کانون برای برگزاری نشست‌ها و کارگاه‌ها در راستای دفاع از حقوق و منافع اعضای کانون.

۱۴. اعلام آمادگی کانون برای همکاری با مراجع ذیصلاح در پیگیری حقوقی.

۱۵. اعلام آمادگی کانون برای اعلام موضع و حمایت از اعضای کانون.

۱۶. اعلام آمادگی کانون برای برگزاری نشست‌ها و کارگاه‌ها در راستای دفاع از حقوق و منافع اعضای کانون.

۱۷. اعلام آمادگی کانون برای همکاری با مراجع ذیصلاح در پیگیری حقوقی.

۱۸. اعلام آمادگی کانون برای اعلام موضع و حمایت از اعضای کانون.

۱۹. اعلام آمادگی کانون برای برگزاری نشست‌ها و کارگاه‌ها در راستای دفاع از حقوق و منافع اعضای کانون.

۲۰. اعلام آمادگی کانون برای همکاری با مراجع ذیصلاح در پیگیری حقوقی.

۲۱. اعلام آمادگی کانون برای اعلام موضع و حمایت از اعضای کانون.

۲۲. اعلام آمادگی کانون برای برگزاری نشست‌ها و کارگاه‌ها در راستای دفاع از حقوق و منافع اعضای کانون.

۲۳. اعلام آمادگی کانون برای همکاری با مراجع ذیصلاح در پیگیری حقوقی.

۲۴. اعلام آمادگی کانون برای اعلام موضع و حمایت از اعضای کانون.

۲۵. اعلام آمادگی کانون برای برگزاری نشست‌ها و کارگاه‌ها در راستای دفاع از حقوق و منافع اعضای کانون.

۲۶. اعلام آمادگی کانون برای همکاری با مراجع ذیصلاح در پیگیری حقوقی.

۲۷. اعلام آمادگی کانون برای اعلام موضع و حمایت از اعضای کانون.

۲۸. اعلام آمادگی کانون برای برگزاری نشست‌ها و کارگاه‌ها در راستای دفاع از حقوق و منافع اعضای کانون.

۲۹. اعلام آمادگی کانون برای همکاری با مراجع ذیصلاح در پیگیری حقوقی.

۳۰. اعلام آمادگی کانون برای اعلام موضع و حمایت از اعضای کانون.

۳۱. اعلام آمادگی کانون برای برگزاری نشست‌ها و کارگاه‌ها در راستای دفاع از حقوق و منافع اعضای کانون.

۳۲. اعلام آمادگی کانون برای همکاری با مراجع ذیصلاح در پیگیری حقوقی.

۳۳. اعلام آمادگی کانون برای اعلام موضع و حمایت از اعضای کانون.

۳۴. اعلام آمادگی کانون برای برگزاری نشست‌ها و کارگاه‌ها در راستای دفاع از حقوق و منافع اعضای کانون.

۳۵. اعلام آمادگی کانون برای همکاری با مراجع ذیصلاح در پیگیری حقوقی.

۳۶. اعلام آمادگی کانون برای اعلام موضع و حمایت از اعضای کانون.

۳۷. اعلام آمادگی کانون برای برگزاری نشست‌ها و کارگاه‌ها در راستای دفاع از حقوق و منافع اعضای کانون.

۳۸. اعلام آمادگی کانون برای همکاری با مراجع ذیصلاح در پیگیری حقوقی.

۳۹. اعلام آمادگی کانون برای اعلام موضع و حمایت از اعضای کانون.

۴۰. اعلام آمادگی کانون برای برگزاری نشست‌ها و کارگاه‌ها در راستای دفاع از حقوق و منافع اعضای کانون.

۴۱. اعلام آمادگی کانون برای همکاری با مراجع ذیصلاح در پیگیری حقوقی.

۴۲. اعلام آمادگی کانون برای اعلام موضع و حمایت از اعضای کانون.

۴۳. اعلام آمادگی کانون برای برگزاری نشست‌ها و کارگاه‌ها در راستای دفاع از حقوق و منافع اعضای کانون.

۴۴. اعلام آمادگی کانون برای همکاری با مراجع ذیصلاح در پیگیری حقوقی.

۴۵. اعلام آمادگی کانون برای اعلام موضع و حمایت از اعضای کانون.

۴۶. اعلام آمادگی کانون برای برگزاری نشست‌ها و کارگاه‌ها در راستای دفاع از حقوق و منافع اعضای کانون.

۴۷. اعلام آمادگی کانون برای همکاری با مراجع ذیصلاح در پیگیری حقوقی.

۴۸. اعلام آمادگی کانون برای اعلام موضع و حمایت از اعضای کانون.

۴۹. اعلام آمادگی کانون برای برگزاری نشست‌ها و کارگاه‌ها در راستای دفاع از حقوق و منافع اعضای کانون.

۵۰. اعلام آمادگی کانون برای همکاری با مراجع ذیصلاح در پیگیری حقوقی.

۵۱. اعلام آمادگی کانون برای اعلام موضع و حمایت از اعضای کانون.

۵۲. اعلام آمادگی کانون برای برگزاری نشست‌ها و کارگاه‌ها در راستای دفاع از حقوق و منافع اعضای کانون.

۵۳. اعلام آمادگی کانون برای همکاری با مراجع ذیصلاح در پیگیری حقوقی.

۵۴. اعلام آمادگی کانون برای اعلام موضع و حمایت از اعضای کانون.

۵۵. اعلام آمادگی کانون برای برگزاری نشست‌ها و کارگاه‌ها در راستای دفاع از حقوق و منافع اعضای کانون.

۵۶. اعلام آمادگی کانون برای همکاری با مراجع ذیصلاح در پیگیری حقوقی.

۵۷. اعلام آمادگی کانون برای اعلام موضع و حمایت از اعضای کانون.

۵۸. اعلام آمادگی کانون برای برگزاری نشست‌ها و کارگاه‌ها در راستای دفاع از حقوق و منافع اعضای کانون.

۵۹. اعلام آمادگی کانون برای همکاری با مراجع ذیصلاح در پیگیری حقوقی.

۶۰. اعلام آمادگی کانون برای اعلام موضع و حمایت از اعضای کانون.

۶۱. اعلام آمادگی کانون برای برگزاری نشست‌ها و کارگاه‌ها در راستای دفاع از حقوق و منافع اعضای کانون.

۶۲. اعلام آمادگی کانون برای همکاری با مراجع ذیصلاح در پیگیری حقوقی.

۶۳. اعلام آمادگی کانون برای اعلام موضع و حمایت از اعضای کانون.

۶۴. اعلام آمادگی کانون برای برگزاری نشست‌ها و کارگاه‌ها در راستای دفاع از حقوق و منافع اعضای کانون.

۶۵. اعلام آمادگی کانون برای همکاری با مراجع ذیصلاح در پیگیری حقوقی.

۶۶. اعلام آمادگی کانون برای اعلام موضع و حمایت از اعضای کانون.

۶۷. اعلام آمادگی کانون برای برگزاری نشست‌ها و کارگاه‌ها در راستای دفاع از حقوق و منافع اعضای کانون.

۶۸. اعلام آمادگی کانون برای همکاری با مراجع ذیصلاح در پیگیری حقوقی.

۶۹. اعلام آمادگی کانون برای اعلام موضع و حمایت از اعضای کانون.

۷۰. اعلام آمادگی کانون برای برگزاری نشست‌ها و کارگاه‌ها در راستای دفاع از حقوق و منافع اعضای کانون.

۷۱. اعلام آمادگی کانون برای همکاری با مراجع ذیصلاح در پیگیری حقوقی.

۷۲. اعلام آمادگی کانون برای اعلام موضع و حمایت از اعضای کانون.

۷۳. اعلام آمادگی کانون برای برگزاری نشست‌ها و کارگاه‌ها در راستای دفاع از حقوق و منافع اعضای کانون.

۷۴. اعلام آمادگی کانون برای همکاری با مراجع ذیصلاح در پیگیری حقوقی.

۷۵. اعلام آمادگی کانون برای اعلام موضع و حمایت از اعضای کانون.

۷۶. اعلام آمادگی کانون برای برگزاری نشست‌ها و کارگاه‌ها در راستای دفاع از حقوق و منافع اعضای کانون.

۷۷. اعلام آمادگی کانون برای همکاری با مراجع ذیصلاح در پیگیری حقوقی.

۷۸. اعلام آمادگی کانون برای اعلام موضع و حمایت از اعضای کانون.

۷۹. اعلام آمادگی کانون برای برگزاری نشست‌ها و کارگاه‌ها در راستای دفاع از حقوق و منافع اعضای کانون.

۸۰. اعلام آمادگی کانون برای همکاری با مراجع ذیصلاح در پیگیری حقوقی.

۸۱. اعلام آمادگی کانون برای اعلام موضع و حمایت از اعضای کانون.

۸۲. اعلام آمادگی کانون برای برگزاری نشست‌ها و کارگاه‌ها در راستای دفاع از حقوق و منافع اعضای کانون.

۸۳. اعلام آمادگی کانون برای همکاری با مراجع ذیصلاح در پیگیری حقوقی.

۸۴. اعلام آمادگی کانون برای اعلام موضع و حمایت از اعضای کانون.

۸۵. اعلام آمادگی کانون برای برگزاری نشست‌ها و کارگاه‌ها در راستای دفاع از حقوق و منافع اعضای کانون.

۸۶. اعلام آمادگی کانون برای همکاری با مراجع ذیصلاح در پیگیری حقوقی.

۸۷. اعلام آمادگی کانون برای اعلام موضع و حمایت از اعضای کانون.

۸۸. اعلام آمادگی کانون برای برگزاری نشست‌ها و کارگاه‌ها در راستای دفاع از حقوق و منافع اعضای کانون.

۸۹. اعلام آمادگی کانون برای همکاری با مراجع ذیصلاح در پیگیری حقوقی.

۹۰. اعلام آمادگی کانون برای اعلام موضع و حمایت از اعضای کانون.

۹۱. اعلام آمادگی کانون برای برگزاری نشست‌ها و کارگاه‌ها در راستای دفاع از حقوق و منافع اعضای کانون.

۹۲. اعلام آمادگی کانون برای همکاری با مراجع ذیصلاح در پیگیری حقوقی.

۹۳. اعلام آمادگی کانون برای اعلام موضع و حمایت از اعضای کانون.

۹۴. اعلام آمادگی کانون برای برگزاری نشست‌ها و کارگاه‌ها در راستای دفاع از حقوق و منافع اعضای کانون.

۹۵. اعلام آمادگی کانون برای همکاری با مراجع ذیصلاح در پیگیری حقوقی.

۹۶. اعلام آمادگی کانون برای اعلام موضع و حمایت از اعضای کانون.

۹۷. اعلام آمادگی کانون برای برگزاری نشست‌ها و کارگاه‌ها در راستای دفاع از حقوق و منافع اعضای کانون.

۹۸. اعلام آمادگی کانون برای همکاری با مراجع ذیصلاح در پیگیری حقوقی.

۹۹. اعلام آمادگی کانون برای اعلام موضع و حمایت از اعضای کانون.

۱۰۰. اعلام آمادگی کانون برای برگزاری نشست‌ها و کارگاه‌ها در راستای دفاع از حقوق و منافع اعضای کانون.

محکومیت رضا نیارپرست از تحصیل و اخراج از دانشگاه



رضا نیارپرست دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد رشته تاریخ دانشگاه شهید بهشتی، با حکم کمیته انضباطی این دانشگاه به دو سال و شش ماه محرومیت از تحصیل و اخراج محکوم شد. حکم بدوی این دانشجو روز یکشنبه ۱۵ شهریور ۱۴۰۵، از سوی کمیته انضباطی دانشگاه شهید بهشتی صادر شده است.

براساس این حکم، نیارپرست با اتهام‌های «ایجاد بلوا و آشوب در محیط دانشگاه» و «توهین به شعائر اسلامی می‌لی» به دو سال و شش ماه محرومیت از تحصیل و اخراج از دانشگاه محکوم شده است.

تأیید حکم اخراج دو دانشجوی دانشگاه تهران



روز دوشنبه ۱۶ شهریور ۱۴۰۵، رئیس دانشگاه تهران از صدور حکم اخراج امیرمحمد کریمی و مهیار افتخاری، دو دانشجوی کارشناسی مهندسی پلیمر، به اتهام ادعایی «اهانت به پرچم جمهوری اسلامی» خبر داده است.

این دو دانشجو پیش‌تر نیز به‌صورت غیابی به دو ترم محرومیت از تحصیل محکوم شده بودند. منابع نزدیک به پرونده می‌گویند فشار دانشجویان بسیجی در تشکیل و تسریع روند پرونده نقش داشته است. به گفته محمدحسین امید رئیس دانشگاه تهران، این پرونده اکنون در مرحله تجدیدنظر قرار دارد. حکم آقای کریمی در زمانی صادر شد که او در بازداشت بود و روند رسیدگی به پرونده با رعایت‌نشدن کامل تشریفات قانونی همراه بوده است.

دو ترم تعلیق برای محمد مهدی کریمی

محمد مهدی کریمی دبیرکل سابق شورای صنفی و دانشجوی ورودی سال ۱۴۰۱ مقطع کارشناسی رشته مهندسی هوافضا، روز چهارشنبه ۱۸ شهریور ۱۴۰۵، توسط شورای بدوی دانشگاه خواجه نصیر به دو ترم محرومیت از تحصیل محکوم شد.

بقیه در صفحه ۹

ابتدای مهرماه، تدریس را متوقف خواهند کرد. در این بیانیه آمده است که با وجود گذشت دو سال از فرایندهای کارشناسی و تقنینی و سپری شدن بیش از شش ماه از آغاز سال ۱۴۰۵، اجرای قانونی که قرار بود بخشی از فشارهای معیشتی جامعه دانشگاهی را جبران کند، همچنان با «مانع تراشی‌های سلیقه‌ای و خارج از عرف» سازمان برنامه‌بودجه و به ویژه رئیس این سازمان روبه‌رو است. کانون صنفی استادان تأکید کرده است که در ماه‌های گذشته، با هدف جلوگیری از تشدید بحران در نظام آموزش عالی، تمامی مسیرهای گفت‌وگو و پیگیری قانونی را آزموده است؛ از مکاتبات رسمی و سرگشاده گرفته تا مذاکرات مستقیم و رایزنی با مسئولان ذی‌ربط. با این حال، این تلاش‌ها در برابر دیوار بی‌پاسخ‌گویی دستگاه‌های حکومتی به نتیجه نرسیده است.

این کانون در عبارتی کم‌سابقه، سازمان برنامه‌بودجه را نه مجری قانون، بلکه «سدی نفوذناپذیر در برابر قانون» توصیف کرده و مسئولیت ادامه وضعیت کنونی را مستقیماً متوجه دولت دانسته است.

بازداشت مطهره گونه‌ای، برای اجرای حکم حبس



مطهره گونه‌ای، فعال دانشجویی و مدنی، بامداد دوشنبه ۱۶ شهریور ۱۴۰۵، برای اجرای حکم حبس بازداشت و به زندان منتقل شد. او پیش‌تر و در جریان جنگ ۱۲ روزه نیز بازداشت شده بود.

بنا بر اطلاعات دریافتی، شعبه ۲۹ بیدادگاه انقلاب تهران این فعال دانشجویی را به اتهام «تبلیغ علیه نظام» به ۱۵ ماه حبس تعزیری و به اتهام «اهانت به رهبری» به ۶ ماه حبس تعزیری محکوم کرده بود. از مجموع ۲۱ ماه حبس صادرشده، ۱۵ ماه به عنوان مجازات اشد قابل اجراست. این حکم آذرماه ۱۴۰۴ در دادگاه تجدیدنظر تأیید شد. همچنین بر پایه رأی صادره، تلفن همراه او به دلیل آنچه «حاوی مطالب مجرمانه» عنوان شده، ضبط می‌شود.

گونه‌ای، دانشجوی دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران و دبیر سیاسی پیشین انجمن اسلامی دانشگاه تهران، پیش‌تر نیز بارها بازداشت شده بود؛ از جمله در مهرماه ۱۴۰۱، اردیبهشت ۱۴۰۳ و ۲۴ خرداد ۱۴۰۴ که به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل و ۲۵ تیرماه با وثیقه آزاد شد. او در سال ۱۴۰۲ با حکم کمیته مرکزی وزارت بهداشت به دانشگاه علوم پزشکی اردبیل تبعید و به ۲۴ ماه محرومیت از تحصیل محکوم شد و همچنان از ادامه تحصیل محروم است. گزارش‌ها حاکی است اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۵ دو پرونده قضایی جدید نیز برای این فعال دانشجویی تشکیل و او به شعبه ۹ بازپرسی دادسرای فرهنگ و رسانه تهران و دادسرای ناحیه ۳۱ تهران احضار شده بود.

دانشگاه در ماهی که گذشت

بقیه از صفحه ۸



پس از حماسه اسفندماه سال گذشته، سرکوب دانشجویان خواجه‌نصیر توسط کمیته انضباطی دانشگاه با هدایت نهادهای امنیتی کلید خورد. تاکنون بیش از ۶۰ دانشجو به کمیته انضباطی احضار شده و حداقل ۴ دانشجو با احکام سنگین محرومیت از تحصیل، مواجه شده‌اند.

اعتصاب اعضای هیات علمی دانشگاه شیراز

شورای صنفی اعضای هیات علمی دانشگاه شیراز، با انتشار بیانیه‌ای از اعتصاب خود خبر داد. این شورا در اعتراض به حل‌نشدن مسائل مربوط به احکام و حقوق قانونی اعضای هیات علمی دانشگاهها اعلام کرد تمامی فعالیتهای آموزشی، پژوهشی و اجرایی اعضای هیات علمی دانشگاه شیراز از روز شنبه ۲۸ شهریورماه تا اطلاع ثانوی تعلیق خواهد شد. شورای صنفی اعضای هیات علمی دانشگاه شیراز همچنین ضمن اعلام حمایت از اقدام مشابه کانون صنفی استادان دانشگاهی ایران، تأکید کرده است که پس از شش ماه پیگیری، صبری و مذاکره با مسئولان دانشگاه و وزارتخانه، همچنان مسئله حل نشده است.

این شورا در پایان از هیات‌رئیس دانشگاه شیراز خواسته است به تفاهم‌های صورت‌گرفته با اعضای شورای صنفی مرکزی پایبند بوده و وعده‌های داده‌شده برای حل مشکلات اعضای هیات علمی را عملی کند.

اعتراض دانشجویان به مجازی‌شدن کلاسها

دانشگاه صنعتی شاهرود اعلام کرده است که کلاسهای هفته اول نیمسال به صورت مجازی برگزار می‌شوند. دانشجویان دانشگاه صنعتی شاهرود نسبت به این تصمیم و مجازی‌شدن کلاسها در آغاز ترم معترض هستند.

بهانه معاونت دانشجویی دانشگاه آن است که دانشگاه از ظرفیت ۲۵ درصدی که وزارت علوم در اختیار دانشگاهها قرار داده، استفاده می‌کند.

این در حالی است که دانشجویان معتقدند چنین ظرفیتی باید در شرایط خاص و مواقع ضروری مانند برودت هوا مورد استفاده قرار گیرد و استفاده از آن در ابتدای ترم توجیهی ندارد.

اعتراض به الحاق مجتمع آموزش عالی اسفراین به دانشگاه بجنورد

روز دوشنبه ۱۶ شهریور، جمعی از شهروندان و فعالان و اساتید و کارکنان مجتمع آموزش عالی اسفراین مقابل فرمانداری اسفراین تجمع اعتراضی برگزار کردند. این

شهروندان نسبت به الحاق مجتمع آموزش عالی اسفراین به دانشگاه بجنورد اعتراض دارند و مطالبات خود را به نماینده دولت منتقل کردند.

اعتراض به طرح الحاق دانشگاه کاشمر با دانشگاه حکیم سبزواری

روز سه شنبه ۲۴ شهریور، دانشجویان مرکز آموزش عالی کاشمر برای اعتراض به طرح الحاق این دانشگاه با دانشگاه حکیم سبزواری مقابل فرمانداری این شهرستان دراستان خراسان رضوی تجمع کردند.

اعتراض به مجازی‌شدن کلاسها

دانشجویان دانشگاه بین‌المللی خمینی قزوین نسبت به تصمیم هیات رئیسه دانشگاه برای برگزاری مجازی کلاسهای مقطع کارشناسی تا پایان مهرماه اعتراض کردند. این تصمیم در حالی اتخاذ شده که شورای صنفی دانشجویان پیش از برگزاری جلسه هیات رئیسه، مخالفت خود با ادامه آموزش مجازی و درخواست برای برگزاری حضوری کلاسها را اعلام کرده بود.

بر اساس اطلاعات آموزشی دانشگاه، هیات رئیسه در جلسه ۲۸ شهریورماه ۱۴۰۵ تصویب کرده است که کلاسهای آموزشی مقطع کارشناسی در نیمسال تحصیلی پیش‌رو تا ۳۰ مهرماه به‌صورت مجازی برگزار شود. در این اطلاعیه، «ضرورت تکمیل و فراهم‌سازی زیرساختهای رفاهی دانشگاه» به عنوان دلیل اتخاذ این تصمیم اعلام شده است. شورای صنفی دانشجویان در واکنش به این تصمیم، ضمن انتقاد از روند تصمیم‌گیری دانشگاه، اعلام کرده است که دانشجویان طی روزهای گذشته برای اطلاع از وضعیت کلاسها، خوابگاه و شرایط رفاهی، بارها موضوع را از مسئولان دانشگاه پیگیری کرده‌اند، اما به گفته این شورا، این پیگیریها با پاسخهای مبهم و در نهایت تصمیمی بدون توجه به مطالبات مطرح‌شده همراه بوده است.

محکومیت به دلیل فعالیت در اینستاگرام



علی مختاری، پژوهشگر و دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه بهشتی، روز یکشنبه ۲۲ شهریور ۱۴۰۵، با حکم نهایی دادگاه تجدیدنظر به شش ماه حبس محکوم شده است. این حکم با اتهام «تبلیغ علیه نظام» صادر شده و اجرای چهار ماه از آن به حالت تعلیق درآمده است. براساس این گزارش، دو ماه حبس قابل‌اجرای او احتمالا در مهرماه اجرا خواهد شد.

علی مختاری روز ۳۱ اردیبهشت به دلیل فعالیت‌هایش در اینستاگرام، از سوی پلیس امنیت بازداشت و با اتهامهای «تبلیغ علیه نظام» و «توهین به رهبر جمهوری اسلامی» روبه‌رو شده بود. بیدادگاه بدوی پیش‌تر او را به ۱۸ ماه حبس محکوم کرده بود، اما این مجازات در بیدادگاه تجدیدنظر به شش ماه کاهش یافت.

این دانشجوی در پستها و استوریهای خود درباره سیر تحولات جنبش «زن، زندگی، آزادی» در سال ۱۴۰۱ نوشته و اطلاع رسانی کرده بود.

اتهام سنگین «بغی» علیه دارنده طلای المپiad



محمدپارسا گلچین، دانشجوی ورودی ۱۴۰۳ کارشناسی ادبیات دانشگاه تهران و دارنده مدال طلای المپiad ادبی، با اتهام سنگین «بغی» (عضویت در گروه باغی) مواجه شد. علاوه بر این اتهام، عناوین دیگری چون «اجتماع و تبانی علیه امنیت داخلی» و «اقدام تبلیغی علیه امنیت ملی» نیز در پرونده این دانشجوی نخبه مطرح شده و وی برای آخرین دفاع به شعبه ۲۶۸ بازپرسی دادرسی عمومی و انقلاب مشهد احضار شده است. آقای گلچین در ۲۲ فروردین ۱۴۰۵ به همراه شماری از دانشجویان در جریان یک بازدید دوستانه در مشهد، با یورش مأموران مسلح و به شکلی خشت‌آمیز بازداشت شد.

دانشگاه امیرکبیر، اخراج و محرومیت از تحصیل برای ۱۸ دانشجو

کمیته انضباطی دانشگاه صنعتی امیرکبیر برای ۱۸ دانشجو در ارتباط با تجمعات اعتراضی اسفند ۱۴۰۴ احکام انضباطی، از جمله اخراج و محرومیت از تحصیل، صادر کرده است. بر اساس این گزارش، کمیته انضباطی بدوی دانشگاه برای دو دانشجو به دلیل آنچه «هتاک به پرچم» عنوان شده حکم اخراج صادر کرده است. همچنین سه دانشجو به سه ترم و سه دانشجو دیگر به یک ترم محرومیت از تحصیل محکوم شده‌اند. برای سایر دانشجویان نیز عمدتاً احکام دو ترم محرومیت یا تعلیق از تحصیل صادر شده است.

بقیه در صفحه ۱۰

۱۴۰۴، با حکم اخراج روبه‌رو شده است. او پیش‌تر در سال ۱۴۰۱ نیز به اتهامات سیاسی محکوم شده بود. (منابع استفاده شده برای تهیه این مجموعه: تلگرام دانشجویان متحد، فارس، تلگرام خبرنامه امیرکبیر، ایران‌وایر، انصاف‌نیوز، طلوع بم، ایران‌وایر، هرانا، توانا، صدای آمریکا)

زنان در مسیر رهایی

از صفحه ۱۴



ولکر ترک، کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد، در شصت و سومین نشست شورای حقوق بشر گفته که مجموعه‌ای از محدودیت‌های سرکوب‌گرانه اعمال‌شده طالبان علیه شهروندان افغانستان به‌ویژه علیه دختران و زنان، را محکوم کرده و خواستار تلاش‌های دوباره برای وادار کردن طالبان به رعایت تعهدات افغانستان در قبال قوانین بین‌المللی شده است. او گفته است: «امروز وضعیت بسیاری از مردم در افغانستان از بد به بدتر می‌رود. میلیون‌ها تن در فقر گرفتارند، احترام به حقوق اساسی بشر همچنان رو به وخامت است و صدها هزار تن برخلاف میل‌شان به افغانستان بازگردانده می‌شوند.»

به گفته او، فرمان‌های تازه طالبان جدایی زنان از همسران شان را دشوارتر کرده و به طور ضمنی ازدواج کودکان و خشونت علیه زنان و کودکان را مجاز می‌داند. او تصریح کرده است که یک سال پیش نیز طالبان ورود زنان شهروند افغانستان، از جمله کارمندان، پیمان‌کاران و بازدیدکنندگان سازمان ملل متحد را به ساختمان‌های این سازمان در سراسر کشور محدود کردند. به گفته ترک، از سال ۲۰۲۱ تاکنون، حدود ۲.۲ میلیون دختر و زن از دسترسی به آموزش متوسطه و تحصیلات عالی محروم شده‌اند.

کمیسیون عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد گفته است: «حذف سیستماتیک زنان و دختران از زندگی عمومی، نقض غیرقابل‌قبول حقوق بشر است که از سوی [طالبان] به امری عادی و نهادینه شده تبدیل شده است. چنین محدودیت‌هایی علیه زنان و دختران — که به آپارتاید جنسیتی می‌انجامد — در هیچ جامعه‌ای جایی ندارد.»

این مقام سازمان ملل در سخنرانی خود تصریح کرده است که زنان و مردان توسط «امر به معروف و نهی از منکر» طالبان به اتهام نقض دستورهای مربوط به پوشش، اندازه ریش و پخش یا گوش‌دادن به موسیقی بازداشت می‌شوند

(منابع استفاده شده برای این مجموعه: یورونیوز، بی‌بی‌سی، زن، هشت‌صبح)

دانشگاه در ماهی که گذشت

بقیه از صفحه ۹

اخراج و محرومیت از تحصیل به دلیل باور به آیین بهائی



کمند روحی، شهروند بهایی ساکن یزد و دانشجوی مقطع کارشناسی معماری در دانشگاه آزاد اسلامی، پس از گذراندن چند ترم تحصیلی، به دلیل احراز بهایی بودن از ادامه تحصیل محروم و از دانشگاه اخراج شد.

این دانشجوی بهایی که بخشی از دوره دانشگاهی خود را با موفقیت پشت سر گذاشته بود، در میانه مسیر تحصیل با ممانعت از ادامه حضور در دانشگاه مواجه شد. محرومیت دانشجویان بهایی از حق تحصیل در چارچوب مصوبات شورای عالی انقلاب [فرهنگ] فرهنگی صورت می‌گیرد؛ سیاستی که بر اساس آن، در صورت احراز هویت دینی فرد، ادامه آموزش او متوقف شده و دسترسی به آموزش عالی به عقیده مذهبی شهروندان وابسته می‌شود.



فریبرز کهن‌زاد، پرنیان خدابخشی، علیرضا جعفرزاده

اخراج سه دانشجوی معترض شریف و بهشتی در آستانه بازگشایی دانشگاهها و آغاز سال تحصیلی جدید، روز یکشنبه ۲۹ شهریور ۱۴۰۵، کمیته مرکزی انضباطی وزارت علوم جمهوری اسلامی احکام قطعی اخراج و محرومیت از تحصیل سه دانشجوی معترض دانشگاه‌های صنعتی شریف و شهید بهشتی را تأیید و به آنان ابلاغ کرد.

فریبرز کهن‌زاد و پرنیان خدابخشی، دو دانشجوی دانشگاه صنعتی شریف، به بهانه «ایجاد بلوا و آشوب» و «آوردن پرچم شیروخورشید» به اخراج و پنج سال محرومیت از تحصیل محکوم شده‌اند. همچنین علی رضا جعفرزاده، دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد سیاسی دانشگاه بهشتی، به اتهام «لیدری تجمعات، ایجاد درگیری، سخنرانی و سردادن شعار» در اعتراضات دانشجویی اسفند

پیام مژگان افتخاری

مادر زنده یاد مهسا (ژینا)

سلامی به عظمت و مهر بلند همه آنها که پس از چهار سال، یاد ژینای عالم‌تاب را زنده نگاه داشتند.

امروز راه‌های منتهی به مزار دخترمان را بستند؛ اما از سوی دیگر مردم هزار راه دیگر از محبت گشودند، راهی که از کوچه‌ها و بازار سفر گذشت، و از پیرانشهر تا مهاباد و کامیاران و قروه و سنجک تکثیر شد.

در مقابل این مهر و محبت، این عزم راسخ و این همبستگی باشکوه سر تعظیم فرود می‌آورم و پروردگار را شاکرم که چنین عزت و سربلندی بی مثالی به ژینا داد.

شما ثابت کردید، هرچه سفره‌های مردم به واسطه بحران خالی‌تر شود، قلب شان را هیچ نیرویی نمی‌تواند از محبت خالی کند.

پیام امجد امینی

پدر زنده یاد مهسا (ژینا)

مردم شریف و بزرگوار،

از صمیم قلب از همه مردمی که امروز، در چهارمین سالگرد از دست دادن دختر عزیزمان ژینا، با ما و یاد ژینا همراه و همدل بودند، سپاسگزارم. در این روزهای سخت، در میان همه مشکلات و تنگنای اقتصادی و معیشتی، بسته نگه داشتن مغازه و دست کشیدن از کار، برای هیچ کس آسان نیست. همین همراهی و محبت، ارزش این همدلی را برای ما دوچندان می‌کند.

چهار سال از رفتن ژینا می‌گذرد؛ چهار سالی که برای ما پدر و مادرش، داغ او حتی برای لحظه‌ای کهنه نشده. اما در تمام این سال‌ها، مهر و محبت مردم نگذاشته خود را در این غم تنها احساس کنیم. ما یک دختر داشتیم و او را از ما گرفتند، اما محبت شما هزاران عزیز دیگر به خانواده ما اضافه کرد.

اگرچه آنها که یک سوگواری ساده را بر ما روا نمی‌بینند مسیرهای منتهی به آرامستان آجی را مسدود کردند، اما دیدیم که چگونه امروز تمام کردستان از آشنویه تا کرد، ثابت کردند راه قلب این مردم به همدیگر مسدود شدنی نیست.

از مردم عزیز سقر و همه شهرهایی که امروز به هر شکلی یاد ژینا را گرامی داشتند و از همه کسانی که در ایران و بیرون از ایران با یک پیام، یک یاد، یک شاخه گل یا لحظه‌ای همدلی کنار ما بودند، صمیمانه تشکر می‌کنم.

همدلی شما، به استواری کوه‌های کردستان و قلب مهربان‌تان به گرمی آفتاب تابستان است.

بار دیگر صمیمانه و خاضعانه قدردان و سپاسگزار محبت، همدلی و همراهی شما مردم نازنین هستم و در مقابل بزرگواری شما سر تعظیم فرود می‌آورم.

با سپاس و احترام

امجد امینی

پدر زنده یاد ژینا (مهسا) امینی

چالشهای معلمان (شهریور ۱۴۰۵)

فرنگیس بایقره



او را تفتیش کردند. آقای خورشیدی پس از بازداشت به بازداشتگاه اداره اطلاعات سنجند منتقل شده است.

روایت آماری از شکافهای آموزشی و بحران بازماندگی از تحصیل

بر اساس اعلام وزارت آموزش و پرورش، نظام آموزشی ایران ۱۶ میلیون دانش‌آموز شامل ۸.۳ میلیون پسر و ۷.۷ میلیون دختر دارد که بیش از ۹ میلیون نفر آن‌ها در مقطع ابتدایی و حدود ۴ میلیون نفر در متوسطه اول تحصیل می‌کنند. با این حال، وزیر آموزش و پرورش شمار کودکان و نوجوانان ۶ تا ۱۸ ساله بازمانده از تحصیل را حدود یک میلیون نفر اعلام کرده است. معاونت آموزش ابتدایی نیز از شناسایی ۱۴۱ هزار کودک بازمانده در سال تحصیلی گذشته و بازگشت ۴۰ هزار نفر به چرخه آموزش خبر داده است.

تهران با ۲.۱ میلیون دانش‌آموز، با کلاسهای بالای ۳۵ نفر و مدارس دو نوبته مواجه است. سیستان و بلوچستان، کردستان، آذربایجان غربی، خوزستان و خراسان شمالی نیز بالاترین نرخهای بازماندگی و ترک تحصیل را دارند؛ وضعیتی که عمدتاً با فقر و نابرابری زیرساختی مرتبط است.

تجمع معلمان شاغل و بازنشسته مقابل سازمان

برنامه و بودجه



یکشنبه ۱۵ شهریور، جمعی از معلمان در تهران مقابل سازمان برنامه و بودجه تجمع کردند. معترضان می‌گویند: متن

صریح قانون مدیریت خدمات کشوری اجرایی نمی‌شود و حقوق‌مان بسیار پایین‌تر از میزان قانونی‌ست. یکی از این معلمان گفت: معلم با حقوقی که می‌گیرد، نصف ماه هم تاب نمی‌آورد.

معلمان خواسته‌های خود را اینگونه عنوان کردند: افزایش حقوق پایه معلمان متناسب با خط فقر و نرخ واقعی تورم؛ اجرای دقیق و کامل قانون رتبه‌بندی معلمان و پرداخت فوری تمام معوقات مزدی و تأمین بیمه کارآمد و بهبود خدمات درمانی و رفاهی.

بقیه در صفحه ۱۲

روایت تازه از وضعیت رضا کمالوند در زندان

اسفراین

رضا کمالوند، معلم و یکی از بازداشت‌شدگان مرتبط با قیام سراسری دی ۱۴۰۴، دوران محکومیت خود را در زندان اسفراین سپری می‌کند. وی پیشتر توسط بیدادگاه انقلاب بجنورد به پنج سال حبس و تعلیق از کار محکوم شده بود. همچنین درخواست وی برای تحمل ادامه دوران حبس خارج از زندان با استفاده از پابند الکترونیکی با مخالفت مراجع مربوطه مواجه شده است.

آقای کمالوند که به عنوان معلم زبان عربی در مدارس فرومندی و هاشمی‌نژاد اسفراین فعالیت داشته، در تاریخ ۲۷ بهمن ماه ۱۴۰۴ در محل کار خود و در ارتباط با خیزش سراسری دی‌ماه همان سال بازداشت و پس از آن به زندان اسفراین منتقل شد.

مسعود فرهیخته به حبس و مجازات تکمیلی محکوم شد

مسعود فرهیخته، فعال صنفی معلمان که دوران محکومیت حبس خود را در ندامتگاه مرکزی کرج سپری می‌کند، در خصوص پرونده جدیدی که در طول دوران حبس علیه وی گشوده شده است، توسط بیدادگاه انقلاب این شهرستان به یک سال حبس تعزیری و مجازاتهای تکمیلی محکوم شد. رامین صفرنیا، وکیل مدافع آقای فرهیخته، اعلام کرد که این فعال صنفی معلمان از بابت اتهام «تبلیغ علیه نظام» به یک سال حبس تعزیری محکوم شده است. وی همچنین به عنوان مجازات‌های تکمیلی به دو سال ممنوعیت خروج از کشور، دو سال منع عضویت در احزاب، گروهها و دستجات سیاسی و اجتماعی و انفضال از خدمات دولتی و عمومی محکوم شد. در این گزارش آمده است که مبنای صدور این حکم، گزارش ضابطان در ندامتگاه مرکزی کرج بوده است.

مسعود فرهیخته، در تاریخ ۲۵ شهریور ۱۴۰۴ بازداشت و پس از مدتی به ندامتگاه مرکزی کرج منتقل شد. وی پیشتر توسط شعبه دوم دادگاه انقلاب کرج به شش سال حبس و مجازاتهای تکمیلی محکوم شده بود که این حکم در مردادماه ۱۴۰۴ توسط شعبه ۱۲ بیدادگاه تجدیدنظر استان البرز به چهار سال و یک ماه و ۱۷ روز حبس تقلیل یافت.

مسعود فرهیخته، عضو هیات مدیره کانون صنفی فرهنگیان اسلامشهر و محبوس در ندامتگاه مرکزی کرج، پیش از این نیز به واسطه فعالیت‌های خود سابقه بازداشت و محکومیت را داشته است.

گزارشی از بازداشت میلاد خورشیدی در مریوان

میلاد خورشیدی، معلم مقطع ابتدایی و ساکن مریوان، در نیمه تابستان توسط ماموران اداره اطلاعات در مریوان بازداشت و به بازداشتگاه این نهاد در سنجند منتقل شده است.

آقای خورشیدی، معلم ۳۲ ساله، متأهل و اهل روستای بهرام‌آباد از توابع شهرستان سروآباد، حدود یک ماه پیش توسط ماموران اداره اطلاعات در منزل خود در مریوان بازداشت شد. نیروهای امنیتی در جریان بازداشت، منزل این شهروند را مورد تفتیش قرار داده و شماری از وسایل شخصی

«هزینه ترسناک آماده سازی دانش آموزان برای سال تحصیلی، برای آماده کردن هر دانش آموز بیش از ۱۵ میلیون تومان باید هزینه کرد؛ رقصی که هنوز لباس فرم، کفش، کتاب درسی و کمک درسی، سرویس مدرسه و تغذیه و کلاسهای فوق برنامه را شامل نمی شود.

خبر جنوب شنبه ۱۴ شهریور ۱۴۰۵

«مدرسه دیگر نمی تواند جزیره ای جدا از تحولات جامعه باشد. امروز دانش آموز با چند کلمه می تواند به حجم بزرگی از اطلاعات دسترسی پیدا کند و دور از ذهن نیست که بتوان در مورد ورود یا عدم ورود هوش مصنوعی به مدرسه در آینده تصمیم گرفت.

اگر مدرسه در این زمینه سکوت کند دانش آموز مسیر خود را از منابع مختلف پیدا می کند و معلم دیگر انتقال دهنده نیست، بلکه شناخت دانش آموز، ایجاد انگیزه اعتماد به نفس و هدایت مسیر یادگیری است.

اعتماد یکشنبه ۲۲ شهریور ۱۴۰۵

تداوم بازداشت و باتکلیفی علی احمدی در زندان عادل‌آباد شیراز



علی احمدی، معلم بازنشسته ساکن نورآباد ممسنی، با گذشت نزدیک به شش ماه از زمان بازداشت، کماکان در زندان عادل‌آباد شیراز محبوس است. این شهروند که به بیماریهای قلبی و کلیوی مبتلاست، باوجود تایید پزشک مبنی بر نیاز به رسیدگی تخصصی پزشکی، از انتقال به مراکز درمانی خارج از زندان محروم مانده است.

انجمن صنفی معلمان فارس با انتشار گزارشی اعلام کرده است که آقای احمدی از بیماریهای قلبی و کلیوی رنج می برد. در تاریخ ۱۰ شهریورماه، باوجود تشخیص پزشک مبنی بر ضرورت رسیدگی پزشکی در مراکز درمانی خارج از زندان، مسئولان زندان با وجود اطلاع از وضعیت جسمانی وی، از اعزام او به مرکز درمانی جلوگیری کرده اند.

آقای علی احمدی، فعال فرهنگی و معلم بازنشسته ساکن نورآباد ممسنی، در اسفندماه ۱۴۰۴ توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به زندان عادل آباد شیراز منتقل شد. وی با اتهاماتی از جمله «افساد فی الارض، تبلیغ علیه امنیت ملی، همکاری با شبکه های معاند، تحریک و دخالت در اموال عمومی» مواجه شده و پرونده وی در شعبه ۱۰ بیدادسرای شیراز در حال رسیدگی است.

بیانیه چهل و پنجمین سالگرد تأسیس شورای ملی مقاومت ایران

چالشهای معلمان

بقیه از صفحه ۱۱

تعرض بنزینی برای دوشیدن مصرف کنندگان

منصور امان

در تازه‌ترین راهکار بنزینی «نظام»، شهروندانی که زیر فشار تورم و گرانی از پا درآمده‌اند، به پای صندوق فراخوانده شده‌اند تا برای هر لیتر بنزین آزاد (جایگاه) ده هزار تومان بپردازند. این اقدام در ادامه سلسله ترندهای حاکمیت برای خالی کردن جیب مصرف‌کنندگان بدون روبرو شدن با پیامدهای امنیتی صورت گرفته است. برای اساس دولت پزشکیان به صورت پلکانی دست به تغییراتی در قیمت و عرضه بنزین زده که همگی آنها را از در پشتی برای گران کردن این محصول وارد کرده است.

در آذر ۱۴۰۴ دولت یک سهمیه جدید به دو سهمیه پیشین اضافه کرد که حدود ۶۷ درصد گران‌تر بود و نام «بنزین جایگاهی» را یک می‌کشید و به این ترتیب به‌گونه رسمی اما خزنده بنزین را گران کرد. در یک گام تکمیلی در فرودین ۱۴۰۵، سهمیه دوم از ۱۰۰ لیتر به ۷۰ لیتر کاهش داده شد و در گام سوم (مرداد ۱۴۰۵)، از این سهمیه ۲۰ لیتر دیگر نیز حذف شد و به ۵۰ لیتر فعلی رسید. هدف حاکمیت از این تغییرات که جملگی به زیان مصرف‌کنندگان صورت گرفت، اجبار آنها به استفاده از بنزین اختراعی با قیمت‌هایی است که به‌دلخواه و به‌گونه دوره‌ای آنها را گران می‌کند. این همزمان به معنای محدود شدن دسترسی لایه‌های کم‌درآمد و نیز زحمت‌کشانی است که به دلایل شغلی به استفاده از خودرو وابسته‌اند.

حاکمیت با وجود نبرندهای موزیانه‌ای که برای پوشش تعرض بنزینی خود به جیب و معاش جامعه زده است، با این حال به‌خوبی می‌داند که در انتها این اقتصاد خانوارها است که حرف آخر را در باره نوع واکنش به آن به زبان خواهد آورد. گسیل نیروهای سرکوب به خیابانها و اطراف پمپ‌بنزینها بازتاب همین درک است و همزمان اشاره به وجود یک واقعیت نیز هست و آن کمین جامعه خشمگین برای یورش بردن به «نظام» ستمگر است.

روشن است که تدبیرهای بنزینی حاکمیت در اینجا و با صدور قبض ده هزار تومانی به انتها نخواهد رسید. حاکمان ج.ا. انواع انرژی و طیف میلیونی مصرف‌کنندگان آن را یک منبع مهم پولسازی و درآمد به‌حساب می‌آورند. جنگ و تحریم را فقط می‌توان توجیهات بهتر برای این هدف دانست. در سال ۱۳۸۶، زمانی که احمدی‌نژاد، گماشته خامنه‌ای، دست به گران کردن بنزین و کمی بعد سهمیه‌بندی آن زد، نه جنگی جریان داشت و نه محاصره‌ای در کار بود. جنگ یا صلح، در هر دو حال موضوع کسب درآمد است، بدون در نظر گرفتن آثار منفی آن بر زندگی و معاش مردم!

فراسوی خبر... پنجشنبه ۱۹ شهریور

محکومیت بازداشت هاوری یوسفی، دانش‌آموز ۱۷ ساله



بامداد یکشنبه ۲۹ شهریور ۱۴۰۵، نیروهای اداره اطلاعات شهرستان کامیاران با یورش به منزل خانوادگی هاوری یوسفی در روستای «الک»، این دانش‌آموز ۱۷ ساله را بازداشت کردند. بر اساس گزارش‌های منتشرشده، بازداشت هاوری یوسفی بدون ارائه حکم قضایی و با توسل به خشونت صورت گرفته است.

بازداشت یک کودک، با توسل به خشونت و بدون ارائه حکم قضایی، نقض حقوق بنیادین کودک است و نگرانی جدی نسبت به امنیت، سلامت و وضعیت نگهداری او ایجاد می‌کند.

بازداشت چند تن از «فعالان فرهنگی» اهواز

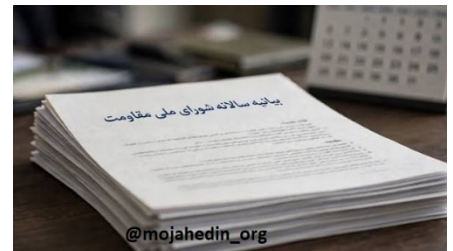


مهدی ناصری (شاعر، برنامه‌ساز و فعال فرهنگی اهواز)، عارف ناصری (فعال فرهنگی اهل خوزستان) و محمد کعبی (شاعر) به دست نیروهای امنیتی بازداشت شدند. این بازداشتها پس از تولید و انتشار یک قطعه موسیقی دارای «مجاز رسمی» در فضای مجازی صورت گرفته است. ویدئوی این قطعه نیز از «پلتفرمهای آنلاین» حذف شده است.

مهدی ناصری، ۱۷ شهریور در اهواز به دست نیروهای امنیتی بازداشت و به مکانی نامعلوم منتقل شد. چهار روز بعد عارف ناصری، از بستگان و همکاران مهدی ناصری، پس از تفتیش خانه‌اش به دست نیروهای امنیتی بازداشت شد.

در همان روز، محمد کعبی (ابو ادريس)، شاعر و فعال فرهنگی اهل شوش نیز به دست نیروهای امنیتی بازداشت و به مکانی نامعلوم منتقل شد.

همچنین حسین اهوازی و مهدی زائری، دو خواننده‌ی این اثر نیز به نهادهای امنیتی احضار شده‌اند.



شورای ملی مقاومت ایران بیانیه چهل و پنجمین سالگرد تأسیس خود را که به اتفاق آرا به تصویب رسیده است، منتشر کرد. تحریر، تدوین و تصویب این بیانیه که از برجسته‌ترین آثار و دستاوردهای تلاش جمعی و شورایی با ۴۴۷ امضا، سه ماه به طول انجامیده و در مورد تمام فصول آن بحث‌های دقیق و مبسوط به عمل آمده است.

این بیانیه، جمع‌بندی و فشرده‌ی از ارزیابی شورا پیرامون مهمترین تحولاتی است که با سرنوشت مردم و مقاومت سازمانیافته ایران پیوند دارد و شامل یک مقدمه و ۱۰ فصل است که فشرده وقایع و تحولات سیاسی میهن‌مان از اول شهریور ۱۴۰۴ تا اول شهریور ۱۴۰۵ را در برمی‌گیرد.

بیانیه در عین‌حال هدیه‌ی بی‌نسل جوان و جنگنده برای اشراف آنها بر اوضاع و احوال سیاسی است.

عنوان فصلها

فصل اول: قیامهای سراسری دی ماه، خیزش برای سرنوشتی نظام ولایت‌فقیه

فصل دوم: تمرین انقلاب در خیزشهای دی ماه و برپایی ارتش قیام در رزم شورشگران برای آزادی و جمهوری دموکراتیک

فصل سوم: کانونهای شورشی و ارتش آزادی، از جرقه تا حریق، تهاجم متهورانه به مقر خامنه‌ای در ۴ اسفند

فصل چهارم: جنگ ۴۰ روزه، هلاکت خامنه‌ای، ولایت موروئی در چالش خودکشی یا مرگ

فصل پنجم: موج‌سواری بچه‌شاه روی جنگ خارجی و سقوط آزاد در لجنزار رسوایی

فصل ششم: اقتصاد ویران، فلاکت عمومی، جامعه انفجاری و تشدید تضاد طبقاتی

فصل هفتم: نقض وحشیانه و سیستماتیک حقوق بشر، اعدام و ارباب عمومی در سایه جنگ، حماسه سربداران در قزلحصار

فصل هشتم: کنفرانسها و فعالیتهای سیاسی و بین‌المللی مقاومت، صلح و آزادی و راه حل سوم

فصل نهم: تظاهرات ۳۰ خرداد در پاریس و دو اجلاس جهانی کهکشان ایران آزاد ممنوع شد تا تکثیر شود

فصل دهم: برافراشته باد پرچم انقلاب، پیروز باد مبارزه علیه شاه و شیخ، پیش به سوی جمهوری دموکراتیک

متن کامل بیانیه در پیوند زیر :

<http://www.iran-nabard.com/SHORA/shora%201405.pdf>

(منابع استفاده شده برای تهیه این مجموعه: شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، کولبرنیوز، هرا، آوش، کانال صنفی معلمان، ایلنا)

زنان در مسیر رهایی (شهریور ۱۴۰۵)

اسد طاهری

خارج از ایران بود، از بازگشت به کشور خودداری کرد و در آلمان ماند.

طلاق، تلفنهای هوشمند و کنترل؛ طالبان چگونه افغانستان را اداره می‌کند؟



بی‌بی‌سی - ۲ شهریور -

عبدالله سرحدی، والی، برای درمان دست شکسته یک پسر پول می‌دهد و برای یک مسجد محلی کمک مالی توزیع می‌کند؛ سپس در دفتر او در شمال افغانستان، گفت‌وگویی حیرت‌آور شکل می‌گیرد.

زن جوانی به فرمانده پیشین طالبان با ریش خاکستری می‌گوید که می‌خواهد از شوهرش طلاق بگیرد؛ او شوهرش را متهم می‌کند که ماهها او را آزار داده و کتک زده است. او حاضر نیست پاسخ منفی را بپذیرد.

در کشوری که دختران از تحصیل در مقطع متوسطه منع شده اند، این زن ۱۸ ساله با آرامش و اعتماد به نفس از خواسته خود دفاع می‌کند، در حالی که صورتش کاملاً پشت نقاب و عینک آفتابی پنهان است.

او می‌گوید: «اگر کوچک ترین امکانی برای ادامه زندگی مشترک وجود داشت، اینجا نمی آمدم... تصمیمم را گرفته ام.»

والی پس از آنکه تلاش می‌کند او را از طلاق منصرف کند، بعدتر می‌گوید زنان «بی‌عقل» و «از نظر فکری ناقص» هستند؛ حرفی که با خنده مقامهای مرد، محافظان و بزرگان حاضر در اطراف او روبه‌رو می‌شود.

این لحظه، پنج سال پس از آنکه طالبان در سال ۲۰۲۱ دولت مورد حمایت آمریکا را کنار زد، تصویری نادر از واقعیتهای روزمره حکومت این گروه ارائه می‌دهد.

در این مدت، زنان از بیشتر محیطهای کاری کنار گذاشته شده‌اند، از رفتن به دانشگاه منع شده‌اند و اجازه ندارند به تنهایی سفر کنند یا به پارکها و مراکز تفریحی بروند.

بی‌بی‌سی در دیدارهایی طی دو سال، دسترسی کم‌سابقه‌ای به چهره‌های بانفوذ این گروه اسلام‌گرای افراطی پیدا کرد و با مردانی وقت‌گذران که زمانی حملات انتحاری را طراحی می‌کردند یا سالها در مخفیگاههای زیرزمینی زندگی می‌کردند، اما اکنون مقامهای حکومتی هستند و یا یونیفورم نظامی بر تن کرده‌اند.

بقیه در صفحه ۱۴

مسکونی پایتخت نیست. نام آن طی سالهای گذشته با اعتراض، جوانان، شعارنویسی، موسیقی، رقص، حضور زنان در فضای عمومی و به چالش کشیدن محدودیت‌های اجتماعی وضع شده از سوی حکومت ایران گره خورده است. رسانه‌های وابسته به حکومت ایران نیز طی ماههای گذشته چند بار عکسها و تصاویری از زنان بی حجاب منتشر کردند که در گردهماییهای هواداران جمهوری اسلامی شرکت کرده بودند. اقدامی که به نظر می‌رسد با این هدف انجام شده بود تا این تصور در چهارچوب تبلیغات مورد نظر حکومت ایجاد شود که حتی گروهی از زنانی که حجاب را رعایت نمی‌کنند در برابر حمله آمریکا طرفدار نظام هستند.

جمهوری اسلامی دست از سر زنان خواننده بر نمی‌دارد



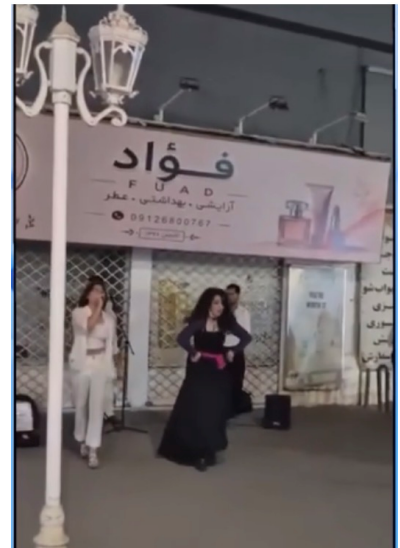
خوانندگی زنان همچنان در ایران محل مناقشه است. با آنکه خوانندگی زنان به‌طور مطلق در قوانین جمهوری اسلامی جرم‌انگاری نشده اما بیدادگاه به بهانه «بی‌حجابی» و «تشویق به فساد و فحشا» زنان را مجازات می‌کند، نمونه‌های اخیر را می‌توان در حکم ۴ سال زندان هیوا سیفی زاده و ۷۴ ضربه شلاق پرستو احمدی دید.

به گزارش منتشر شده در روز یکشنبه ۸ شهریور ۱۴۰۵، هیوا سیفی زاده، خواننده، ۱۹ اوت اعلام کرد که در بیدادگاه بدوی به چهار سال زندان با اتهام «تشویق به فساد و فحشا» محکوم شده است. این حکم در پی حضور او در کنسرتی صادر شد که او در فوریه ۲۰۲۵ در تهران برگزار کرده بود. این خواننده زمانی زمانی توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد که در سالن «عمارت رو به رو» در تهران در حال اجرای آوازی ایرانی بر اشعار سعدی بود. سیفی زاده بعدتر با قرار وثیقه آزاد شد.

در ماه ژوئن، پرستو احمدی به ۷۴ ضربه شلاق محکوم شد؛ دلیل این حکم، اجرای بدون حجاب او در کنسرتی بود که در دسامبر ۲۰۲۴ به‌صورت زنده در یوتیوب پخش شد و هزاران نفر آن را تماشا کردند.

محکومیت چهار سال زندان هیوا سیفی‌زاده در حالی صادر شده که پیش از این نیز سابقه صدور احکام حبس برای خوانندگان زن در ایران وجود داشته است. در تابستان ۱۳۹۵، بیدادسرای فرهنگ و رسانه تهران پرونده‌ای را علیه بیش از ۵۰ خواننده زن و همکاران مرد آنها تشکیل داد. در نهایت، در سال ۱۳۹۸، شش خواننده زن و هشت تهیه‌کننده و همکار مرد هر کدام به یک سال حبس محکوم شدند. اتهامهای از جمله تولید و انتشار موسیقی و تصاویر «مبتذل» و پخش آنها از شبکه‌های ماهواره‌ای مخالف جمهوری اسلامی عنوان شده بود. این احکام پس از اعتراض متهمان، در سال ۱۴۰۱ در دادگاه تجدیدنظر تایید شد. فراواز فروردین، یکی از این خوانندگان بود که پس از اطلاع از تایید حکم در زمانی که

ویدئوی رقص و آواز زنان و مخمصه حکومت ایران



ویدئویی کوتاهی که طی روز یکشنبه اول شهریور ۱۴۰۵ در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده، بار دیگر شهرک اکباتان تهران را به یکی از کانونهای توجه افکار عمومی ایران تبدیل کرده است.

در این ویدئوی چند ثانیه‌ای دو زن جوان در فضای عمومی در ساعات شب آواز می‌خوانند و می‌رقصند. صحنه‌ای که در نگاه نخست می‌تواند صرفاً لحظه‌ای از شادی و زندگی روزمره باشد، اما در فضای سیاسی، قضایی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران، به سرعت معنایی فراتر از یک اجرای خیابانی پیدا کرده است.

شماری از طرفداران حکومت مذهبی ایران در شبکه‌های اجتماعی به ویژه «ایکس» به فضای به وجود آمده برای زنان و «شکسته شدن خطوط قرمز» اعتراض کرده‌اند و این ویدئو را نشانه «بی‌حیایی» دانسته‌اند.

شهرک اکباتان البته با چنین تابوشکنی‌هایی بیگانه نیست. این شهرک پیش‌تر نیز به دلیل حضور پررنگ جوانان در اعتراضات و کنشهای اجتماعی، به یکی از نقاط شناخته‌شده تهران در عرصه خبررسانی تبدیل شده بود. ویدئوی رقص پنج دختر جوان در شهرک اکباتان در سال ۱۴۰۱ (۲۰۲۳) همزمان با روز جهانی زن و چند ماه پس از شروع جنبش «زن زندگی آزادی»، در شبکه‌های اجتماعی به شکل گسترده‌ای منتشر شد. گزارش‌های آن زمان از تلاش نیروهای امنیتی برای شناسایی این دختران از طریق دوربین‌های مدار بسته حکایت داشت.

آن ماجرا سرانجام به انتشار ویدئویی دیگر انجامید که در آن دختران با پوشش متفاوت در برابر دوربین حاضر شدند و از رقص خود ابراز پشیمانی کردند. برخی رسانه‌ها و کاربران آن زمان این ویدئو را نشانه فشار امنیتی دانستند، اگرچه درباره نحوه تهیه آن و میزان اجبار احتمالی، اطلاعات مستقل و قطعی در دست نبود.

همین سابقه باعث شده است که ویدئوی جدید، فارغ از محتوای خودش، به حافظه جمعی کاربران ایرانی نیز تلنگری بزند. محله اکباتان در غرب تهران دیگر صرفاً یک شهرک

زنان در مسیر رهایی

از صفحه ۱۳

گروه طالبان وقتی قدرت را پنج سال پیش در دست گرفت ادعا کرد که تغییر کرده است، اما بسیاری از سیاستهای آن مشابه تفسیر سختگیرانه ای از شریعت اسلامی، است که این گروه در دهه ۱۹۹۰ اجرا می کرد.

مردانی که با آنها دیدار کردیم، به نظر می رسد می خواهند خود را معقول نشان دهند، اما تمایلی به صحبت درباره خشونت های گذشته خود نداشتند. همچنین لحظاتی از تنش میان حاکمان و مردمی که بر آنها حکومت می کنند دیدیم.

والی سرحدی می گوید طوبا، که نام واقعی او نیست، باید در این ازدواج بماند. سرحدی می گوید: «خوب سنجش کن. فردا صبح که جدا شویم چه کسی با من ازدواج خواهد کرد؟ باید چیزهای زیادی را زیر پا کنی. چون شما بدنام می شوید. شما بی عزت می شوید.» او پاسخ می دهد: «آقای والی، عفت و عزتی که داشتم را همین حالا هم این مرد از بین برده است.» شوهرش گوش می دهد و منتظر نوبت خود برای صحبت است.

نگرانیها درباره ازدواج کودکان و حقوق زنان در عراق



روز جمعه ۶ شهریور ۱۴۰۵، یک سال از تصویب «قانون احوال شخصیه جعفری» در پارلمان عراق می گذرد؛ قانونی که در چارچوب اصلاح قانون احوال شخصیه شماره ۱۸۸ مصوب سال ۱۹۵۹ تصویب شد و به شهروندان پیرو مذهب جعفری اجازه داد احکام این قوانین را در قراردادهای ازدواج خود اعمال کنند.

در همین زمینه، مروه عبدالرضا، وکیل دادگستری و عضو ائتلاف ۱۸۸ برای دفاع از قانون احوال شخصیه، مهم ترین انتقادهای و نگرانیهای خود درباره این اصلاحات و پیامدهای احتمالی اجرای قانون جعفری را تشریح کرده است.

مروه عبدالرضا می گوید قانون احوال شخصیه شماره ۱۸۸ مصوب ۱۹۵۹ یکی از مهم ترین قوانین احوال شخصیه در منطقه بود، زیرا در زمینه ازدواج، طلاق، حضانت و حقوق اعضای خانواده ضمانتهایی فراهم می کرد.

به گفته او، اصلاح این قانون و تصویب قانون احوال شخصیه جعفری، پرسشها و مشکلاتی درباره حقوق همسر و فرزندان و نحوه اجرای احکام قانون ایجاد کرده است.

او یکی از مهم ترین مسائل را حق انتخاب اجرای احکام قانون می داند و معتقد است این تصمیم عملاً به اختیار شوهر قرار گرفته است؛ در حالی که ازدواج میان دو طرف شکل می گیرد و تصمیم درباره نحوه اجرای قانون، بر زندگی زن و فرزندان نیز تأثیر می گذارد.

او همچنین به تفاوت رویه دادگاهها در اطلاع رسانی به زن درباره انتقال پرونده به احکام قانون اشاره می کند و می گوید

ممکن است شوهر بدون نقش مؤثر همسر، اجرای این احکام را انتخاب کند.

به گفته این وکیل، کودک همسری یکی از مهم ترین موضوعات نگران کننده است. او معتقد است مشخص نبودن سن معین برای ازدواج در قانون می تواند زمینه ازدواج کودکان در سنین پایین را فراهم کند.

در موضوع حضانت نیز مروه عبدالرضا معتقد است مشکل اصلی، مشروط کردن ادامه حضانت مادر به ازدواج نکردن اوست؛ به این معنا که در صورت ازدواج مادر، حضانت به پدر منتقل می شود.

او تأکید می کند که ملاک حضانت باید مصلحت کودک باشد، نه وضعیت تأهل مادر. به گفته او، این به معنای واگذاری حضانت در همه موارد به مادر نیست و در برخی شرایط ممکن است مصلحت کودک با پدر باشد.

او خواستار تقویت نقش مددکاران اجتماعی و انجام ارزیابیهای روان شناختی در پرونده های حضانت شده و پیشنهاد می کند کمیته های تخصصی برای بررسی شرایط اجتماعی و روانی کودک و رابطه او با والدین تشکیل شود.

چرا زنان ایرانی به فریز تخمک روی آورده اند؟



«نمی خواهم زمان را از دست بدهم»، این نگرانی مشترک برخی از زنان است که در ایران به انجماد تخمک فکر می کنند. در شرایطی که سن ازدواج و فرزندآوری افزایش یافته دلایلی مانند پیدا نکردن شریک مناسب، مشکلات اقتصادی، مهاجرت و بی ثباتی زندگی مشترک تصمیم به مادر شدن را برای برخی زنان به سالهای بعد موکول کرده است. شمار زنانی که در ایران برای انجماد تخمک اقدام می کنند، به روایت پزشکان متخصص رو به افزایش است. این روش که پیش از این بیشتر به دلایل پزشکی از جمله ابتلا به سرطان انجام می شد حالا به دلایل غیرپزشکی نیز رواج پیدا کرده است

مینا ۳۷ یکی از زنانی است که به تازگی تصمیم گرفته تخمکهایش را منجمد کند. او می گوید: «تا امروز کسی را پیدا نکرده ام که بتوانم با او وارد یک رابطه پایدار شوم. ممکن است چند سال طول بکشد تا با کسی آشنا شوم و نمی خواهم در این فاصله زمان را از دست بدهم.»

او می گوید واکنش اطرافیان و بیشتر کسانی که از طریق یکی از پستهایش در شبکه ایکس از تصمیم او مطلع شده بودند مثبت بود. برای بسیاری خود انجماد تخمک مسالهای نبوده اما بعضی با اشاره به شرایط ایران از او پرسیده اند: «مگر دیوانه ای که می خواهی در این شرایط بچه دار شوی؟»

با این حال انجماد تخمک برای زنان مجرد همچنان می تواند با مساله باکرگی و قضاوت درباره زندگی شخصی آنها گره بخورد. مینا می گوید: «وقتی به پزشک زنان مراجعه کردم خانمی که برای فرزند دوشم به آنجا آمده بود همین که فهمید مجردم از من پرسید تو باکره نیستی؟ خیلی برایم عجیب بود. ولی پذیرفتم که بخشی از جامعه همچنان چنین نگاهی دارد.»

اما برای شماری از زنان مجرد به دلایل مذهبی یا زندگی جامعه ای سستی مساله باکرگی همچنان مهم است. دکتر مرضیه سنوبی فریمانی، عضو سابق هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی همدان و رئیس مرکز ناباروری امید همدان گفت برخی از زنان مجرد در ایران نگران آسیب دیدن پرده بکارت در جریان این فرایند هستند: «احتمال چنین اتفاقی وجود دارد و معمولاً به این افراد پیشنهاد می کنیم یک تا دو روز پیش از برداشت تخمک به پزشکی قانونی مراجعه کنند و نامه بگیرند.»

منع حجاب اسلامی برای دختران زیر ۱۴ سال در اتریش



با آغاز سال تحصیلی جدید در اتریش، قانون ممنوعیت پوشش سر برای دختران زیر ۱۴ سال در مدارس به اجرا درآمد. این قانون پوششهای «سنتی اسلامی» مانند حجاب یا برقع را در مدارس عمومی و خصوصی سراسر کشور ممنوع می کند. کلودیا بائر، وزیر ادغام اجتماعی از حزب محافظه کار مردم، می گوید که پوشش سر «نشانه سرکوب و ابزاری برای کنترل دختران از نخستین روزهای کودکی» است. اما منتقدان معتقدند که قانون جدید به احساسات ضداسلامی دامن می زند و ممکن است مغایر با قانون اساسی باشد.

ائتلاف سه حزب محافظه کار میانه، یعنی حزب مردم، سوسیال دموکراتها و حزب لیبرال نئوس، این قانون را تصویب کرد با این استدلال که این قانون «تعهد آشکار به برابری جنسیتی» و حفاظت از حقوق دختران جوان است.

کارلا امینا بایایاتی از جامعه اسلامی اتریش از «مخالفت قاطعانه» این نهاد گفت: «به باور ما این قانون حق بنیادین آزادی مذهب را ناعادلانه محدود می کند و دختران مسلمان را به شکلی نامتناسب تحت تأثیر قرار می دهد.»

دادگاه قانون اساسی در سال ۲۰۲۰ ممنوعیت قبلی پوشش سر در مدارس ابتدایی را به این استدلال لغو کرد که با اصل بی طرفی مذهبی اتریش مغایرت دارد

نقض حقوق بشر و محدودیتها علیه زنان در افغانستان

ولکر ترک، کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد، با ابراز نگرانی از تشدید محدودیتها و نقض حقوق بشر در افغانستان گفته است که طالبان به ویژه حقوق زنان و دختران را به طور گسترده محدود کرده اند. او از محرومیت حدود ۲.۲ میلیون دختر و زن از آموزش متوسطه و تحصیلات عالی، اعمال مجازاتهای بدنی علیه دستکم ۴۴۹ زن و مرد در شش ماه نخست سال، محدودیت بر رسانه ها و اقلیتهای مذهبی و بازگرداندن اجباری بیش از ۴۰۰ هزار شهروند افغانستان ابراز نگرانی کرده و از جامعه جهانی خواسته است برای رعایت تعهدات حقوق بشری افغانستان از سوی طالبان، تلاشهای خود را افزایش دهد.

بقیه در صفحه ۱۰

رویدادهای هنری ماه (شهریور ۴۰۵)

هنر مقاومت

لاله مرزبان جایزه خود را به زنان ایران تقدیم کرد



لاله مرزبان، بازیگر ایرانی، جایزه بهترین بازیگر زن بخش «افقها» در هشتادوسومین جشنواره بین‌المللی فیلم ونیز را به زنان ایران تقدیم کرد.

مرزبان هنگام دریافت جایزه با اشاره به شرایط کنونی ایران گفت: «به کشور؛ کشوری که امروز بزرگ‌ترین سرکوب در تمام تاریخ خود را تجربه می‌کند.» او افزود: «می‌خواهم این جایزه را به زنان کشورم تقدیم کنم؛ زنانی که بالاترین بها را پرداخته‌اند و حتی امروز نیز رویاها، امیدها، و شجاعت خود را با خود به پیش می‌برند.»

این بازیگر ایرانی در پایان سخنانش گفت: «باور دارم که روزی رویاهای ما، رویاهای همه ما، برای تک‌تک‌مان تحقق خواهد یافت.»

مرزبان این جایزه را برای ایفای نقش در فیلم «مراقب» به کارگردانی محسن قرائی دریافت کرد. این فیلم محصول مشترک ایران، ایالات متحده آمریکا و آلمان است و فرهاد اصلانی، ریما رامین‌فر و الناز خبازان نیز در آن بازی کرده‌اند.

«نازا»؛ افشای کشتار غیرنظامیان غزه در جشنواره فیلم ونیز



«نازا» (NAZA)، ساخته «یووال آبراهام» و «راشل زور»، دو کارگردان اسرائیلی برنده جایزه اسکار، در هشتادوسومین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم ونیز به نمایش درآمد. این فیلم تنها مستندی است که برای دریافت جایزه معتبر شیر طلایی جشنواره رقابت می‌کند.

عنوان فیلم از واژه‌ای در ارتش اسرائیل گرفته شده که به‌صورت عمدی مبهم و غیرمستقیم برای اشاره به غیرنظامیانی به‌کار می‌رود که انتظار می‌رود در یک حمله نظامی کشته شوند. این فیلم که با تهیه‌کنندگی نشریه بریتانیایی «گاردین» ساخته شده، شامل روایت‌های گسترده‌ای از افسران اطلاعاتی و سربازان اسرائیلی است که در نظارت بر غیرنظامیان فلسطینی و کشتن آنها از راه دور مشارکت

اعضای هیات را نیکی کریمی، ویشکا آسایش، مژگان ایلاندو، استفن لنس (استرالیا)، ریچارد فانگ (کانادا) و کارولینا پوسه (ایالات متحده) تشکیل می‌دادند.

جوایز سومین دوره را این آثار کسب کردند: بهترین انیمیشن: «Innocent Prisoner» به کارگردانی «ماکراند لاکشمیکانت جوشی» (هند)، بهترین مستند: «WASKA» به کارگردانی «ادینا براون» (اتریش)، بهترین فیلم تجربی: «Women» به کارگردانی «ادینا براون» (اتریش)، بهترین فیلم روایی: «Body» به کارگردانی اشکان احمد و جایزه ویژه هیات داوران به فیلم «متمم اظهار شیمانی نکرد» ساخته رامین سلطانی رسید.

«رقص سایه‌ها» به دختران ایران تقدیم شد



حمید متبسم، آهنگساز و نوازنده تار و سه‌تار، همزمان با چهارمین سالگرد جنبش «زن، زندگی، آزادی» از اثر تازه‌اش «رقص سایه‌ها» که برای آواز و ارکستر سازهای ملی تنظیم شده، رونمایی کرد. او این اثر را به دختران ایران تقدیم کرده است.

به گفته متبسم، این اثر تحت تأثیر اعتراض‌های پس از جانباختن ژینا مهسا امینی شکل گرفته است. او می‌گوید آهنگسازی این اثر در فضایی شکل گرفت که جامعه ایران هنوز به‌شدت تحت تأثیر کشته‌شدن مهسا امینی و اعتراض‌های پس از آن بود؛ اعتراض‌هایی که با شعار «زن، زندگی، آزادی» گسترش یافت.

به گفته این آهنگساز، انتخاب شعرهای «رقص سایه‌ها» نیز از آزادیخواهی زنان ایران تأثیر گرفته و فراز و فرودهای اثر، او و خواننده را با وقایع آن دوره پیوند داده است. او این اثر را «شاد، مانند مهسا» توصیف کرده

او با اشاره به شعر معروف محمدرضا شفیعی کدکنی، «طفلی به نام شادی، دیری است گم شده است»، گفت که در «رقص سایه‌ها» جستجوی آزادی و شادی از محورهای اصلی اثر است؛ شادی‌ای که به گفته او مدتهاست در جامعه ایران گم شده است.

ادبیات

محکومیت دوباره روزبه گیلایان، به زندان به اتهام قبلی

روزبه گیلایان، نویسنده اهل گرگان، در دادگاهی در بندرعباس به اتهام تبلیغ علیه نظام و «فعالیت آموزشی و یا تبلیغ انحرافی و یا مخل به شرع مقدس اسلام» به چهار سال زندان محکوم شد.

بقیه در صفحه ۱۶

داشته‌اند. مصاحبه‌ها شبانه و بر فراز پشت‌بامهای تل‌آویو ضبط شده‌اند و شرکت‌کنندگان به شرط ناشناس ماندن حاضر به گفتگو شده‌اند.

این فیلم همچنین روایت‌های دست‌اولی از تخریب محله‌هایی را ارائه می‌کند که ارتش اسرائیل برآورد کرده بود هنوز تا ۲۵ درصد ساکنان‌شان در خانه‌های خود پناه گرفته‌اند. فیلم همچنین درباره سوزاندن سازمانیافته خانه‌های غیرنظامیان و کشتن غیرنظامیان در یک محل توزیع مواد غذایی روایت‌هایی را شرح می‌دهد.

یووال آبراهام و راشل زور در بیانیه کارگردانهای فیلم گفتند: «ما این فیلم را از سر احساس وظیفه ساختیم تا از جایگاه خود به‌عنوان فیلمساز و روزنامه‌نگار اسرائیلی استفاده کنیم و سیستم‌هایی را مورد تحقیق قرار دهیم که پشت کشتار گسترده غیرنظامیان فلسطینی قرار دارند؛ کشتاری که کشور ما مسوول آن است.»

این مستند به تهیه‌کنندگی «جیمز ویلسون» و با تهیه‌کنندگی اجرایی «جاناتان گلیر» ساخته شده است؛ همان تیمی که فیلم برنده اسکار «منطقه مورد علاقه» (The Zone of Interest) را تولید کرده بود.

برگزاری سومین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه «زن، زندگی، آزادی»



جشنواره بین‌المللی «زن زندگی آزادی» که توسط «انجمن هنرمندان فیلم و تئاتر ایرانیان برون‌مرز» (AIFTAA) به‌صورت مستقل و بدون حمایت مالی دولتی برگزار می‌شود، سومین دوره خود را برگزار کرد. جشنواره فعالیت خود را از سال ۲۰۲۴ آغاز کرده و هدف آن نمایش آثار خلاقانه‌ای است که مبارزات، دستاوردها و مقاومت زنان را در برابر تبعیض جنسیتی، سانسور، ستم و بی‌عدالتی بازتاب می‌دهد و بر آزادی بیان، برابری جنسیتی و حقوق بشر تأکید دارد.

در این دوره مجموعه‌ای از فیلم‌های داستانی، مستند و تجربی به نمایش درآمد که محور مشترک آنها آزادی، عدالت جنسیتی و کنشگری زنان بود. همچنین نشست‌هایی درباره سینمای مقاومت، نقش فیلم کوتاه در بازنمایی جنبش‌های اجتماعی و چالش‌های تولید مستقل برگزار شد.

رئیس هیات داوران این دوره را عتیق رحیمی، نویسنده و فیلمساز افغانستانی-فرانسوی و برنده جایزه «گنکور» و دیگر

رویدادهای هنری ماه

بقیه از صفحه ۱۵



جدیدترین اثر دارون عجم‌اوغلو منتشر شد



What Happened to Liberal Democracy?
Daron Acemoglu
Counsellor of Why Nations Fail

دارون عجم‌اوغلو، استاد برجسته دانشگاه MIT و برنده جایزه نوبل اقتصاد، در تازه‌ترین اثر خود با عنوان «چه بر سر لیبرال دموکراسی آمد؟ بازسازی سیاست رفاه همگانی»، دلایل بحران عمیق دموکراسیهای غربی و راهکارهای خروج از آن را بررسی می‌کند.

عجم‌اوغلو در این اثر با تلفیق تاریخ، اقتصاد و علوم سیاسی توضیح می‌دهد که چرا لیبرال دموکراسی در قرن بیستم توانست به رفاه و پیشرفت اجتماعی ملموسی دست یابد، اما در دهه‌های اخیر دچار انحطاط و بحرانهای ساختاری شده است. او فرضیه تکیه بر «توسعه تکنولوژیک خودکار» را رد کرده و نشان می‌دهد چگونه عواملی نظیر رشد ناعدالتی اقتصادی، جهش شتابان اتوماسیون، هوش مصنوعی و تمرکز ثروت و قدرت سیاسی در دست نخبگان محدود باعث تضعیف اعتماد عمومی به نهادهای دموکراتیک شده‌اند.

او تشریح می‌کند که چگونه نخبگان تحصیل کرده با جدایی از بدنه جامعه و تحمیل ارزشها و مهندسیهای فرهنگی-اجتماعی خود، بدون گفتگو با جوامع محلی، آتش واکنشهای پوپولیستی را شعله‌ور کردند.

عجم‌اوغلو مفهوم جدیدی تحت عنوان «لیبرالیسم طبقه کارگر» را مطرح می‌کند. او معتقد است بقای لیبرال دموکراسی نیازمند بازگرداندن منافع پیشرفتهای اقتصادی و تکنولوژیک به بدنه جوامع، تقویت جوامع محلی، افزایش مشارکت سیاسی و بازسازی رفاه همگانی است.

سینما

«بهشتی در کار نیست اگر زنی تو را بکشد»
نماینده عراق در اسکار شد

فیلم «بهشتی در کار نیست اگر زنی تو را بکشد» به کارگردانی «هلکوت مصطفی»، فیلمساز کرد-ترورزی، به‌عنوان نماینده رسمی عراق در رقابتهای نودنهمین دوره جوایز اسکار و در بخش بهترین فیلم بین‌المللی انتخاب شد. داستان فیلم بر محور شخصیت «ویان»، تک‌تیرانداز زن پیشمرگه، شکل می‌گیرد؛ زنی که برای سالها احساساتش را در میدان جنگ سرکوب کرده و اکنون با خبر زنده‌بودن خواهر کوچکترش، مجبور می‌شود به موصل بازگردد؛ شهری که خاطرات تلخ حمله داعش در سال ۲۰۱۴ هنوز در آن زنده

اتهام او انتشار کتابهایش در کانال تلگرام با عنوان «بایگانی نوشته‌های روزبه گیلاسیان» بود. او کارمند رسمی آموزش و پرورش استان گلستان است.

نزدیکان این نویسنده می‌گویند پرونده جدید او پس از آن به جریان افتاد که در مرداد ماه ۱۴۰۴، شماری از فعالان شهر بندرعباس به دلیل فعالیت در فضای مجازی دستگیر می‌شوند، این در حالی است این کتابها بین سالهای ۸۹ تا ۹۶ نوشته شده و او یکبار در سال ۹۶ به همین خاطر به یکسال زندان محکوم شده بود.

«ژوزف در شب»؛ خاطرات جهانگرد فرانسوی از دوران زندان در ایران



کتاب «ژوزف در شب» نوشته «الیویه گروندو» که به تازگی به زبان فرانسه و در پاریس منتشر شده، گرچه نخستین کتاب این جهانگرد فرانسوی است، اما توانسته به فهرست اولیه نامزدهای «گنکور» راه یابد؛ مهمترین جایزه ادبی دنیای فرانسوی‌زبان که هر سال در پاییز اهدا می‌شود.

«ژوزف در شب» که از سوی ناشر به‌عنوان «روایت ادبی» معرفی شده، به ماه‌های نخست بازداشت گروندو در ایران می‌پردازد. او در سال ۱۴۰۱ در شیراز و همزمان با اعتراضات به جان باختن ژینا مهسا امینی بازداشت شد.

الیویه گروندو به نوشته ناشر «مسافری شسته آزادی» است که سالهاست با امکاناتی اندک سفر می‌کند. او در راه لاهور بود و قصد داشت جشن پایان سال را در ساحلی در هند برگزار کند که یک روز صبح، در مهمانخانه‌ای در شیراز بدون هیچ توضیحی توسط چهار پلیس بازداشت و برای بازجویی به اماکنی که تحت مدیریت نهادهای اطلاعاتی است، منتقل شد. او سپس متهم شد که برای کشورهای خارجی اطلاعات جمع‌آوری کرده است؛ اتهامی که همواره آن را رد کرده است. این نویسنده گفته که با نوشتن خاطراتش قصد داشته از دوران زندان چیزی بسازد که «اندکی فراتر از رنج روزمره باشد». این کتاب همچنین فراخوانی است برای باور داشتن به این موضوع که «حتی در تاریکی، چیزی در درون ما همیشه از تسلیم شدن سر باز خواهد زد».

گروندو پس از ۸۸۷ روز اسارت، در اسفند ۱۴۰۳ آزاد شد.

است. سفر ویان به دل ویرانی، نه تنها جستجوی یک عزیز گمشده، بلکه مواجهه‌ای دوباره با تروما، هویت جنگی و زخمهای پنهان خشونت است.

هلکوت مصطفی، کارگردان فیلم، گفته است ایده ساخت آن از داستان زنان کرد مبارزی شکل گرفت که در برابر داعش ایستادند. او می‌گوید تجربه این زنان، به او تاریخ طولانی مبارزات زنان کرد را یادآوری کرده و به همین دلیل تلاش کرده فیلم را به ادای احترامی به توانایی آنان برای مقاومت و ادامه زندگی تبدیل کند.

بخش عمده فیلم در لوکیشنهای واقعی شهر موصل فیلمبرداری شده تا فضای داستان و پیامدهای جنگ با واقع‌گرایی بیشتری به تصویر کشیده شود.

بر اساس اطلاعات رسمی جشنواره ونیز، فیلم ۱۱۰ دقیقه است و «آوان جمال»، «توربیون هار»، «کانار سارجل» و «کادر جلال» در آن بازی می‌کنند. زبان اصلی فیلم کردی است و تولید مشترک نروژ و اقلیم کردستان عراق محسوب می‌شود.

نبروهای داعش باور داشتند که اگر یک زن آنها را بکشد، به بهشت نمی‌روند. این باور، هم ترس می‌ساخت و هم خشم. فیلم این جمله را به‌عنوان پس‌زمینه ذهنی دشمن وارد می‌کند؛ یعنی ویان نه فقط یک تک‌تیرانداز، بلکه تهدیدی ایدیولوژیک برای دشمن است.

سوزان ساراندون در لیست سیاه هالیوود



«سوزان ساراندون» می‌گوید حمایت او از فلسطین باعث شده برخی نقشهای سینمایی خود را از دست بدهد و بخشهایی از صنعت فیلم همچنان به دلیل فعالیتهايش او را نادیده می‌گیرند.

این بازیگر ۷۹ ساله آمریکایی در جشنواره فیلم ونیز درباره این که چگونه موضعش در قبال اقدامات اسرائیل در غزه بر کار او تاثیر گذاشته گفت: «از نظر ساختار قدرت، اخیرا هم چند فیلم از من گرفته شده چون هنوز آژانسهایی هستند که به دیگران می‌گویند من را استخدام نکنند».

این بازیگر برنده اسکار با وجود از دست دادن نقشها در سینما تاکید کرد: «روایت به طور کامل تغییر کرده است؛ هم درباره اهمیت تاریخی فلسطین و هم درباره پیوندهای صهیونیستها با آمریکا در سیاستهای ما».

ساراندون که نشست خبری مربوط به فیلم تازه‌اش «محفظه تکرار» *The Echo Chamber* شرکت کرده بود، از کارگردان، «آندریا پالاتورو»، به خاطر این که «به هشدارها»ی مخالفان حضور او در سینما گوش نکرده است تشکر کرد.

فیلم «محفظه تکرار» یکی از ۲۱ فیلم حاضر در رقابت برای شیر طلایی جشنواره ونیز است. این جایزه روز ۱۲ سپتامبر اهدا خواهد شد.

بقیه در صفحه ۱۷

رویدادهای هنری ماه

بقیه از صفحه ۱۶

«اسب وحشی نهم»: نقدی تند به سیا



روایت فیلم جدید «مارتین مک‌دونال» کارگردان ایرلندی، در شیلی ۱۹۷۳ و درست پیش از کودتای نظامی پینوشه جریان دارد. دو مامور باسابقه سازمان CIA، یعنی کریس (جان مالکوویچ) و لی (سم راکول)، به دستور رییس شان MJ (استیو بوشمی) از سانتیاگو به جزیره ایستر فرستاده می‌شوند.

در میان مجسمه‌های مشهور «موای»، این دو مامور باید با گذشته تاریک، توطئه‌های سیاسی و روابط پیچیده شخصی خود دست‌وپنجه نرم کنند. دو دانشجوی جوان که کریس با آنها آشنا می‌شود، تعادل ماموریت را برهم می‌زنند و ماجرا را به سمت بحران اخلاقی و سیاسی می‌کشانند.

مارتین مک‌دونال در گفتگو با مجله «امپایر» گفت: «این قطعا سیاسی‌ترین اثری است که تا امروز ساخته‌ام. در واقع، قبلاً در فیلم‌هایم چندان دیدگاه سیاسی‌ام را بیان نکرده بودم، اما این یکی کاملا متفاوت است.»

آنچه اسب وحشی نهم (Wild Horse Nine) را متفاوت می‌کند، محکوم کردن صریح دخالت سیا در کشورهای سراسر جهان است. برخلاف بعضی داستانهای مهیج جاسوسی، این فیلم درباره ماموران خودسر و مرموز یا توطئه‌های پیچیده‌ای نیست که بتوان آنها را افشا و نابود کرد. دیدگاه مک‌دونال این است که ماموران سیا وظیفه خود را با کارآمدی و رضایت انجام می‌دهند. مشکل اینجاست که وظیفه‌شان به‌شکلی هولناک ناعادلانه است.

تهدید وزیر فرهنگ اسرائیل به سلب تابعیت سازندگان مستند «نازا»



وزیر فرهنگ اسرائیل خواستار سلب تابعیت کارگردانان اسرائیلی فیلم «نازا» (NAZA) شده است؛ مستندی که به کشتار جمعی غیرنظامیان در غزه توسط این کشور می‌پردازد. او این فیلمسازان را به «خیانت به کشور» متهم کرده است. «میکی زوهار»، وزیر فرهنگ اسرائیل، در شبکه اجتماعی «ایکس» این کارگردانان را متهم کرد که حاضرند «برای تشویق شدن از طرف یهودی‌ستیزان سراسر جهان، به میهن خود آسیب برسانند».

او تهدید کرد: «من فوراً برای لغو تابعیت اسرائیلی این فیلمسازان پست‌فطرت به اتهام خیانت به کشور، اقدام خواهم کرد.»

سایر وزرای اسرائیلی نیز به این کارگردانان حمله‌ور شدند، از جمله «ایتامار بن‌گور»، وزیر امنیت ملی، در شبکه اجتماعی «ایکس» نوشت: «شما مایه ننگ و شرمساری تمام مردم اسرائیل هستید. گم شوید! مطمئنم که دوستان‌تان، یعنی همان دشمنان ما در غزه، با آغوش باز از شما استقبال خواهند کرد.»

این مستند ۸۰ دقیقه‌ای روز شنبه، پس از آنکه به مدت ۲۵ دقیقه مورد تشویق ایستاده تماشاگران قرار گرفت (که رکوردی در جشنواره محسوب می‌شود)، جایزه ویژه هیات داوران جشنواره فیلم ونیز را از آن خود کرد.

موسیقی

موسیقی برای بازپس‌گیری روایت



«آکالا نیومن» خواننده، ترانه‌سرا و هنرمند استرالیایی - شیلیایی تازه‌ترین آلبوم خود به نام (A)Rise را منتشر کرده است. او در سالهای اخیر به یکی از چهره‌های مهم موسیقی اعتراضی، ضداستعماری و عدالت‌خواه تبدیل شده. نیومن در آثارش موسیقی بومی، سول، آراندبی و الکترونیک را با روایت‌های سیاسی و فرهنگی درهم می‌آمیزد؛ رویکردی که او را از جریان اصلی موسیقی جدا کرده و به یکی از چهره‌های برجسته «هنر-کشگری» تبدیل کرده است. محور اصلی کارهای او نقد استعمار، خشونت ساختاری، تبعیض نژادی، مصادره زمینها و مقاومت فرهنگی بومیان استرالیاست.

او در آلبوم (A)Rise موسیقی را به ابزاری برای بازپس‌گیری روایت بومیان تبدیل کرده است. محور اصلی نقد استعمار و خشونت ساختاری است که در سیاست‌های امروز استرالیا ادامه دارد و نیومن با ترکیب ریتم‌های آیینی و موسیقی مدرن آن را به سطح عمومی می‌آورد.

احیای زبان و آیینهای Wiradjuri در آلبوم نقش‌کنش سیاسی دارد و در برابر حذف فرهنگی می‌ایستد. آلبوم همچنین همبستگی فراملی میان جنبشهای عدالت‌خواه از فلسطین تا بومیان کانادا و «ماتوری» را برجسته می‌کند و موسیقی را به شبکه‌ای از مقاومت جهانی پیوند می‌دهد.

(منابع: جنگ خبر، صدای آمریکا، رادیوزمانه، فیلم‌فری‌وی، بی‌بی‌سی، ژورنال کتاب، رادیوفرادا، خبرآنالین، نورسک، یورونیوز، گاردین، (A)Rise)

دار کشتار. بحران اقتصادی؛

تحمیل هزینه جنگ‌طلبی به مردم

زینت میرهائیمی

اگر از میان خبرهایی که روز یکشنبه ۸ شهریور در رسانه‌های حکومتی منتشر شده، چند خبر را کنار هم بگذاریم، تصویری روشن از جهنم و بهشتی که رژیم ولایت فقیه برای مردم ساخته است، رونمایی می‌شود. جهنمی از فقر و تنگدستی با وعده بهشت پس از مرگ، و بهشتی برای رانت‌خواران، مافیاهای، تراست‌ها و کاسبان تحریم وابسته به حکومت.

سقوط ارزش پول ملی و عبور قیمت دلار در روز یکشنبه ۸ شهریور از ۲۰۶ هزار تومان، افشای رانت ۶ میلیارد دلاری مدیران خودرو طی سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۵، از طریق دریافت ارز برای واردات خودرو، و صدور سلسله‌وار احکام اعدام برای زندانیان سیاسی دستگیرشده در اعتراضات دی‌ماه؛ در کنار تورم سهرقمی برخی کالاهای خوراکی، تنها بخشی از تصویری است که از شرایط زندگی مردم و سیاست‌های حاکم بر کشور به دست می‌دهد.

عبور دلار از مرز ۲۰۶ هزار تومان فقط یک رکورد تازه در بازار ارز نیست. سقوط ارزش ریال، مستقیماً به معنای کاهش قدرت خرید مردم و گران‌تر شدن کالاها و خدمات است. در اقتصادی که درآمد اکثریت مردم با سرعت تورم افزایش نمی‌یابد، هر سقوط تازه ارزش پول ملی، بخش دیگری از توان معیشتی آنان را می‌بلعد. این در حالی است که حکومت به جای مقابله با ریشه‌های بحران، سیاست‌های ریاضتی خود را با نام «اصلاح اقتصادی» پیش می‌برد.

سخنان پزشک‌های برای توجیه حذف ارز ترجیحی، افزایش بهای بنزین، کاهش سهمیه و دیگر اقدامات، در همین چارچوب قابل فهم است. قرار است هزینه بحران اقتصادی و روشن نگه داشتن آتش جنگ از جیب مردم پرداخت شود؛ مردمی که پیش از این نیز زیر فشار تورم، بیکاری، کاهش دستمزد واقعی و سقوط ارزش پول ملی قرار دارند.

پیام مجتبی خامنه‌ای به مناسبت هفته دولت نیز در همین چارچوب قابل بررسی است. او ضمن تأکید بر «تبیین و روایت قدرت و قوت ایران» و پرهیز از سخنان ناامیدکننده، گفته است: «قاطعانه اعلام می‌کنم ارتکاب هر آنچه به ضرر انسجام اجتماعی باشد ممنوع است.» (تلوویزیون حکومتی شبکه یک، ۷ شهریور ۱۴۰۵)

اما آنچه مجتبی خامنه‌ای «ناامیدکننده» می‌نامد، واقعیت زندگی مردم است. نمی‌توان سقوط ریال، تورم، گرانی، فساد و رانت را با دستور به «روایت قدرت و قوت» از میان برد. زمان پنهان کردن فقر و سنگینی بار هزینه‌های جنگ‌طلبی حکومت بر دوش مردم گذشته است.

در یک سو، دار اعدام پریاست و صدای اعتراض با حکم اعدام پاسخ می‌گیرد؛ در سوی دیگر، بحران اقتصادی و سقوط ارزش پول ملی سفره مردم را کوچک‌تر می‌کند. و در میان این دو، شبکه‌های رانت و فساد همچنان از منابع عمومی بهره می‌برند. این همان تصویری است که امروز بیش از هر چیز چهره واقعی حکمرانی ولایت فقیه را نشان می‌دهد: تحمیل هزینه جنگ‌طلبی و بحران‌سازی به مردم و حفظ امتیاز برای وابستگان به قدرت. فراسوی خبر ... دوشنبه ۹ شهریور

جنبش رنگین کمان بیشماران (شهریور ۱۴۰۵)

گردآوری و تنظیم: پویا رضوانی

اعتصاب سراسری در ۲۰ شهر کردستان

روز چهارشنبه ۲۵ شهریور، مردم و بازاریان در شهرهای کردستان ایران در پاسخ به فراخوان ائتلاف نیروهای سیاسی کردستان ایران، با بستن مغازه ها و بازارها دست به اعتصاب عمومی زدند. به گزارش کوردستان میدیا (فارسی)، در این کُش اعتراضی شهرهای مهاباد، بوکان، سقز، مریوان، بانه، سنندج، میاندوآب، بناب، دیواندره، کامیاران، کرمانشاه، اشنویه، ایلام، ارومیه، ماکو، بیجار، قروه، شهرک پسوه از توابع پیرانشهر و همچنین گوگ تپه مهاباد شرکت داشتند.

هم زمان با چهارمین سالگرد جنبش ژینا و فراخوان اعتصاب سراسری در کردستان، جمهوری اسلامی با هدف جلوگیری از شکل گیری و گسترش اعتصاب، اقدامات امنیتی و نظامی گسترده ای به اجرا گذاشت

شهر سقز به شدت امنیتی و نظامی شد و ورودیهای شهر توسط نیروهای مسلح بازرسی می شد. مسیرهای منتهی به آرامستان آپچی مسدود گردید و درهای آرامستان بسته شد و دوربین های نظارتی متعددی در مکانهای گوناگون این شهر نصب شد.

حکومت جوانان جویای کار را سرکوب می کند!



شنبه ۲۱ شهریور: شماری از شهروندان جویای کار بخش نیناس شهرستان هویزه، در نزدیکی میدان نفتی آزادگان شمالی در این شهرستان دست به تجمع اعتراضی زدند. تجمع کنندگان خواستار اجرای عدالت در استخدامها و توجه به ظرفیت و اولویت نیروهای بومی در استخدامها در این میدان نفتی شدند.

بقیه در صفحه ۱۹

در ماه گذشته اختلاف و شکاف طبقاتی زندگی اکثریت شهروندان کشور را به سیاهی و تباهی بیشتر کشاند. رسانه های حکومتی شاخص فلاکت که از جمع نرخ تورم و نرخ بیکاری به دست می آید را دستکم ۹۶ درصد برآورد کردند. بر اساس داده های منتشر شده ایلام با ۱۲۰۶ درصد در صدر و لرستان، کردستان، کرمانشاه و هرمزگان نیز در محدوده ۱۱۵ تا ۱۱۹ درصد قرار دارند. رسانه حکومتی هفتصحب در شماره روز پنجشنبه ۲۶ شهریور، نوشت: «جامعه به خودی و غیر خودی تقسیم شده است. منابع کشور به نفع خودیها توزیع می شود.» خبر جنوب در شماره روز دوشنبه ۳۰ شهریور ۱۴۰۵، شماری از غارتگران را این چنین معرفی کرد: «چهار نفر گوشه سفره بخور و بپرها ننشسته اند! واگذاری هشتاد میلیون بشکه نفت به تراسیتهای مساله دار، یک میلیارد دلار پول کشور در دست همین تراسیتهاست.»

در همین روز رسانه حکومتی بشارت نو گوشه دیگری از شکاف طبقاتی را برملا کرد و نوشت «مدرسه باید سنگر عدالت باشد، نه نمایشگاه تفاوتهای طبقاتی.» حاکمان کشور و به طور مشخص سپاه پاسداران با گسترش قاچاق، بحران اقتصادی را تشدید می کنند. رسانه حکومتی دنیای اقتصاد، در شماره روز پنجشنبه ۲۶ شهریور از قول سرکرده پلیس امنیت اقتصادی نوشت: «سالانه ۳۰ تا ۳۵ میلیارد دلار در ایران قاچاق می شود؛ رقمی که معادل یک سوم اقتصاد کشور است.»



نیروهای کار در واکنش به شرایط فاجعه بار کنونی و فلاکتی که با آن درگیر هستند دستکم ۱۹۸ روز حرکت اعتراضی در ماه شهریور انجام دادند. حرکتی اعتراضی معلمان و دانشجویان در همین شماره ماهانه نبرد خلق پوشش داده می شود. در ماه شهریور شاهد ادامه کارزار سه شنبه های نه به اعدام زندانیان سیاسی بودیم. خلاصه شده حرکتی اعتراضی نیروهای کار و کُشهای توده ای در گوشه و کنار کشور را در مجموعه زیر می خوانید.

مراسم هشتمین سالگرد جانباختن چهار فعال محیط زیست در مریوان

مراسم هشتمین سالگرد جانباختن شریف باجور، امید کهنه پوشی، محمد پژوهی و رحمت حکیمی نیا، چهار فعال محیط زیست، عصر روز سه شنبه ۳ شهریور، با حضور صدها تن از کُشگران مدنی و دوستداران محیط زیست در آرامستان «دارسیران» مریوان برگزار شد. این مراسم از ساعت ۱۶ آغاز شد و شماری از گروههای موسیقی کردستان و شاعران در آن به اجرای برنامه پرداختند.

شریف باجور، امید کهنه پوشی، محمد پژوهی و رحمت حکیمی نیا، چهار فعال محیط زیست، شهریور ۱۳۹۷ هنگام تلاش برای مهار آتش سوزی در جنگلهای مریوان جانباختند. مراسم سالگرد این چهار فعال محیط زیست هر سال با حضور خانوادهها، فعالان مدنی و دوستداران محیط زیست برگزار می شود.

جنبش رنگین کمان بیشماران

بقیه از صفحه ۱۸

یکشنبه ۱۵ شهریور: شماری از پرستاران و کارکنان حوزه سلامت استان کردستان، با تجمع مقابل استانداری در شهر سنندج، نسبت به مشکلات معیشتی، تأخیر در پرداختها، کمبود نیروی انسانی و نحوه مدیریت دانشگاه علوم پزشکی اعتراض کردند. معترضان با سر دادن شعارهایی از جمله «مسئول بی‌کفایت استعفا، استعفا» و «وعده وعید کافیه، سفره ما خالیه» خواستار رسیدگی فوری مسئولان به وضعیت شغلی و معیشتی خود شدند.

پرستاران حاضر در این تجمع، مهم‌ترین دغدغه‌های خود را پایین بودن سطح حقوق و مزایا نسبت به حجم و حساسیت فعالیت‌های درمانی، کمبود نیروی انسانی در مراکز درمانی، تأخیر در پرداخت اضافه‌کار، نبود شفافیت در پرداختها و مشکلات مربوط به اجرای تعرفه‌های پرستاری عنوان کردند. از دیگر مطالبات مطرح شده، پایین بودن میزان حق مسکن، حق لباس و سایر مزایا و همچنین پرداخت نشدن برخی از این موارد طی بیش از دو سال بود. تجمع‌کنندگان همچنین نسبت به اختلاف میان تعرفه‌های پرستاری و پزشکی و آنچه بی‌عدالتی در نظام پرداختها عنوان کردند، اعتراض کردند.

سه شنبه ۱۷ شهریور: گروهی از پرستاران و اعضای کادر درمان در کرمانشاه با برگزاری تجمع اعتراضی خواستار رسیدگی به مطالبات شان شدند.

آدینه ۲۷ شهریور: پرسنل محیطی بهداشت همدان در اعتراض به مطالبات اداری و معیشتی پنجمین بار تجمع کردند. معترضان خواستار رفع تبعیض در نظام بهداشت و سلامت کشور هستند. آنها خواسته‌های خود را رفع تبعیض در زمینه دورکاری روزهای پنجشنبه، پرداخت مطالبات مزدی معوق و همچنین پرداخت فوق‌العاده خاص، کارانه، حق لباس و هزینه ایاب و ذهاب دانستند و تاکید کردند دریافتی شان به نسبت هزینه‌های زندگی بسیار پایین است.

سه شنبه ۳۱ شهریور: جمعی از پرستاران در کرمانشاه با برگزاری تجمع اعتراضی مقابل ساختمان دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، خواستار تحقق مطالبات خود شدند. معترضان در این تجمع شعار «مشکل ما حل نشه، کار شما سخت میشه!» سر دادند.

شماری دیگر از کُنشهای اعتراضی کارگران

یکشنبه ۱ شهریور

* جمعی از کارگران اخراجی فولاد شادگان مقابل این مجتمع، تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش ایلنا، کارگران معترض که در بخش ساخت و تکمیل مجتمع به صورت پیمانکاری مشغول به کارند، می‌گویند: از ماهها پیش و با تکمیل پروژه، به تدریج از کار اخراج شدیم؛ این در حالیست که ما از ابتدای کار ساخت پروژه مشارکت داشتیم و مجتمع را از صفر ساختیم. یکی از این کارگران اضافه کرد: من پنج سال سابقه کار پیمانکاری در فولاد شادگان دارم اما از ابتدای سال بیکارم؛ حتی یک پراید ندارم که مسافركشی کنم. کارگران اخراجی فولاد شادگان که همه از بومیهای منطقه هستند، خواستار بازگشت به کار و استخدام در بخشهای مختلف این واحد فولادی هستند.

دوشنبه ۲ شهریور

* تجمع کارگران شاغل در شرکت «فنی مهندسی ارگ و پی چاپهار» برای اعتراض به سه ماه تأخیر در پرداخت دستمزد. به گزارش ایلنا، کارگران شاغل در شرکت «فنی مهندسی ارگ و پی چاپهار» که در پروژه‌های ساختمانی سوله‌سازی و راه‌سازی در محدوده منطقه آزاد چاپهار و گذرگاه مرز «ریمدان» کار می‌کنند، به دلیل پرداخت نشدن دستمزد ماههای اخیر، در محوطه محل کار خود تجمع کردند. کارگران معترض گفتند: دستمزدهای آنها طبق روال معمول با تأخیر پرداخت می‌شود و هنوز دستمزدهای ۳ ماه اخیر را دریافت نکرده‌اند.

سه شنبه ۱۰ شهریور

* گروهی از کارگران آریان فولاد بوئین زهرا در اعتراض به وضعیت قطعی برق محل کار خود که امنیت شغلی آنها را تهدید کرده است، در محدوده محل کار خود تجمع اعتراضی برگزار کردند.

به گزارش ایلنا، یکی از کارگران با انتقاد از بالاترین کارگران در فصلهایی از سال که قطعی برق صورت می‌گیرد، از تهدید امنیت شغلی این کارگران با افزایش قطعی برق ابراز نگرانی کرد و گفت: فعالیت کارخانه آریان فولاد در ۵ ماه گذشته به دلیل محدودیت برق، عملاً متوقف شده و امنیت شغلی کارگران با ۵ ماه حقوق معوقه به خطر افتاده است.

بقیه در صفحه ۲۰

شنبه ۲۸ شهریور: برای چندمین روز متوالی، جمعی از جوانان متقاضی کار شهر جدید مینارد، شهرستان دزفول، استان خوزستان مقابل ورودی شرکت کشت و صنعت بهشتی زیر مجموعه هلدینگ اتکا (اداره تدارکات کارمندان ارتش)، وابسته به وزارت دفاع، تجمع کردند و با سردادن شعار «استخدام استخدام» خواهان به کارگیری و اشتغال جوانان منطقه شدند.

به گزارش تلگرام کارون، این شرکت عظیم که وابسته به ارتش و «سازمان اتکا» است، با در اختیار داشتن هزاران هکتار از اراضی کشاورزی منطقه و امکانات وسیع صنعتی، سالهاست که از جذب و استخدام جوانان بومی امتناع می‌کند و نیروی کار مورد نیاز شرکت غالباً از میان افراد غیربومی و با روندی غیرشفاف تأمین می‌شود.

سه شنبه ۳۱ شهریور: برای بیست و دومین روز متوالی، جمعی از جوانان متقاضی کار از روستاهای موران و عیمیشیه بزرگ در شهرستان کارون با برپایی تجمع مقابل شرکت کشت و صنعت دعبیل خزاعی، خواهان اشتغال در این شرکت شدند. نیروهای سرکوبگر رژیم در برابر حق طلبی جوانان از شوکر برای متفرق کردن آنها استفاده کرد و در روزهای گوناگون با تیراندازی و ضرب و شتم تعدادی از جوانان به اعتراض آنان پاسخ داد.

روز چهارشنبه ۱۱ شهریور، جوانان عرب جویای کار در هفتمین روز تجمع مقابل درب شرکت نیشکر دعبیل خزاعی، توسط نیروهای انتظامی به‌طور کامل محاصره شدند. به گزارش ایلنا، جوانان معترض که بسیاری از آنها مدرک تحصیلی دارند؛ می‌گویند: مجتمع نیشکر در زمینه‌های روستای ما پا گرفته و قرار بوده جوانان بومی را برای استخدام جذب کند؛ حالا انتظار داریم به وعده‌ها عمل کنند. زمینه‌های مجتمع متعلق به مردم محلی است، چرا جوانان بومی، بیکار و بدون درآمد باشند؟

سه شنبه ۳۱ شهریور: جوانان جویای کار شهر خُر واقع در شهرستان شوش استان خوزستان، برای هشتمین روز متوالی مقابل مجتمع کشت و صنعت هفت تپه تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این متقاضیان کار با اشاره به نزدیکی جغرافیایی شهر خُر به این مجتمع صنعتی تأکید دارند که با توجه به سابقه مالکیت اراضی منطقه توسط اهالی، اولویت اشتغال باید به جوانان این منطقه اختصاص یابد. آنها خاطرنشان کردند که با توجه به بازنشستگی نیروهای قدیمی و همچنین خالی شدن پستهای شغلی ناشی از فوت برخی کارکنان، ظرفیتهای خالی بسیاری برای جذب نیرو وجود دارد.

کُنش اعتراضی پرستاران

نیروهای کار در بخش بهداشت به ویژه پرستاران به شدت استثمار شده و باوجود آن که پرستاری از کارهای سخت به شمار می‌رود، دستمزد آنان برای یک زندگی معمولی کافی نیست. در دوران همه گیری کرونا، باوجود فداکاریهای بسیار پرستاران و جانباختن برخی از آنان، حکومت بر خورد شایسته با آنان نکرد. طی سالهای گذشته شمار قابل توجهی از

پرستاران خانه نشین و یا مهاجرت کرده اند و این در شرایطی است که بخش بهداشت کشور با کمبود قابل توجه پرستار روبرو است. محمد شریفی مقدم، دبیرکل خانه پرستار، با اشاره به کمبود دستکم ۱۰۰ هزار نیروی پرستاری در کشور گفت که در حال حاضر حدود ۶۰ تا ۷۰ هزار پرستار خانه نشین شده‌اند و حاضر به بازگشت به این حرفه نیستند. به گفته وی، پایین بودن حقوق، تبعیض در نظام سلامت و شرایط نامناسب کاری باعث شده است شماری از پرستاران از طریق مهاجرت، تغییر شغل یا خانه نشینی از این حرفه خارج شوند. وی افزود که پرستاران با حقوق حدود ۲۵ میلیون تومان تمایلی به ادامه فعالیت ندارند و افزایش ظرفیت پذیرش دانشجوی پرستاری، بدون بهبود شرایط شغلی و معیشتی، راه‌حل این بحران نیست. به گزارش تلگرام شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران و ایلنا، شماری از حرکتهای اعتراضی پرستاران در ماه گذشته به قرار زیر است:



جنبش رنگین کمان بیشماران

بقیه از صفحه ۱۹

یکشنبه ۲۲ شهریور

*شماری از متقاضیان پروژه ماهر یک نهضت مسکن ملی مقابل ساختمان استانداری فارس در شیراز تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، این شهروندان در اعتراض به عدم تحویل خانه‌ها و عملکرد مدیران این پروژه دست به این اقدام زدند

*تجمع اعتراضی جمعی از متقاضیان پروژه مسکن ماهر یک شیراز نسبت به عدم تحویل واحدها و افزایش قیمت مقابل استانداری فارس، فیلم کوتاهی از تجمع اعتراضی جمعی از متقاضیان پروژه مسکن ماهر یک شیراز نسبت به عدم تحویل واحدها و افزایش قیمت مقابل استانداری فارس، در شبکه های اجتماعی منتشر شد.

دوشنبه ۲۳ شهریور

*جمعی از کارگران کارخانه گیلراد شمال واقع در شهرک صنعتی سپیدرود رشت برای اعتراض به عدم پرداخت دو ماه حقوق و یازده ماه حق بیمه و نداشتن امنیت شغلی، دست به تجمع زدند. به گزارش ایلنا، کارگران این واحد تولید کننده مفتول مس با ابراز نگرانی از وضعیت معیشتی خود گفتند: متأسفانه حقوق ماههای مرداد و شهریور ماه تاکنون پرداخت نشده و شرایط کاری نیز با کاهش تولید و نبود امنیت شغلی مواجه است.

*جمعی از متقاضیان فاز ۸ پردیس مسکن مهر تهران به نمایندگی از ۳۱۲ خانوار برای اعتراض به ۱۴ سال بلاتکلیفی مقابل وزارت راه، تجمع کردند. به گزارش اعتماد، خانه‌هایی که باید در دولت اول حسن روحانی و دقیق‌تر در همان سال‌های اول و دوم دولت یازدهم به متقاضیان فاز ۸ پردیس در قالب طرح مسکن مهر تحویل داده می‌شد، اما هنوز هیچ خانه‌ای تحویل داده نشده است. البته به گفته برخی معترضان «یک بلوک» و به گفته برخی دیگر «دو بلوک» تحویل داده شده، اما خانه‌هایی بدون آب، برق و گاز.

زنی که بیش از ۶۰ سال سن ندارد، گفت: جای عجیب ماجرا اینجا است، خانه‌ای را که ساختند، در ورودی ندارد؛ آب و برق و گاز ندارد؛ سیم‌کشی نشده، کلید و پرز ندارد. بعد از ۱۳ سال به ما می‌گویند اگر دلتان می‌خواهد، تحویل بگیرید و خودتان کاملش کنید. یعنی چه؟ اگر قرار بود خودمان کامل کنیم، پس ما برای چه این همه پول داده‌ایم؟

*مالباختگان عضو تعاونی مسکن واحد نظارت و بازرسی اداره کل صنعت کردستان برای اعتراض به بلاتکلیفی ۲۴ ساله مقابل بیدادگری کل استان در سنجند تجمع کردند. به گزارش کردپرس، در میان تجمع کنندگان، بیشتر چهره‌ها آشنا با سالیهای خدمت و بازنشستگی است؛ افرادی که حدود ۲۴ سال پیش برای خرید زمین و ساخت مسکن وارد تعاونی شدند و امروز پس از گذشت بیش از دو دهه، به جای تحویل خانه، با پرونده‌ای قضایی درباره همان زمین مواجه اند.

سه شنبه ۲۴ شهریور

*به گزارش هرانا، فیلمی از تجمع اعتراضی جمعی از متقاضیان مسکن ملی کاشان در اعتراض به بلاتکلیفی ۸ ساله مقابل فرمانداری با شعار «پول مارو گرفتند خونه به ما نمی‌دند»، «وعده ندید عمل کنید خونه هارو کامل کنید» و... در شبکه های اجتماعی منتشر شد.

چهارشنبه ۲۵ شهریور

*تجمع کارگران شرکت «پی و پل جنوب»، شاغل در معادن سنگ آهن، مقابل ساختمان فرمانداری سیرجان. کارگران به بلاتکلیفی شغلی و عدم شفافیت در وضعیت قراردادهای شان، اعتراض کرده و خواستار مداخله مسئولان شدند. به گزارش ایلنا، از ابتدای تیرماه سال جاری، حدود ۷۰۰ کارگر تحت مسئولیت شرکت «پی و پل جنوب» با وضعیت بلاتکلیفی شغلی روبرو شده‌اند.

پنجشنبه ۲۶ شهریور

*جمعی از گندم‌کاران شهرستانهای قروه و دهگلان برای اعتراض به عدم پرداخت مطالبات مبنی بر به عدم پرداخت بهای گندم تحویلی در فرمانداری شهرستان قروه، استان کردستان تجمع کردند.

شنبه ۲۸ شهریور

*گروهی از مشتریان کرمان موتور در دفتر مرکزی این شرکت واقع در محله جنت‌آباد تهران تجمع کردند. به گزارش طلیعه، معترضان می‌گویند شرکت کرمان موتور با وجود دریافت وجه، خودروهای ثبت نام شده را تحویل نمی‌دهد و از بازپرداخت مبالغ دریافتی نیز خودداری می‌کند.

بقیه در صفحه ۲۱



*تجمع کارکنان رسمی راه آهن تراورس مشهد در اعتراض به دریافتی اندک، اختلاف رقم دریافتی با رقم مندرج در فهرست بیمه، سختی گذران زندگی و لگدمال شدن حقوق خود!

یکشنبه ۱۵ شهریور

*جمعی از کارگران کارخانه «پویا نخ» ایلام مقابل ساختمان استانداری تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش ایلنا، گروهی از کارگران کارخانه «پویا نخ» واقع در شهرک صنعتی ششدار گفتند: با افزایش مشکلات این کارخانه، کارفرما از روزهای نخست سال جاری با اعلام تعطیلی موقت کارخانه، حدود ۱۸۰ کارگر این واحد تولیدی را یکجا بیکار کرد و این تعطیلات تا امروز ادامه دارد.

*گروهی از کارگران شرکت «محور گستر نصر» در سیرجان، با تجمع در فرمانداری و اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی این شهرستان، نسبت به تصمیم شرکت برای انتقال محل کارشان به پروژه‌های راه‌سازی در مهران یا جاسک اعتراض کردند. به گزارش ایلنا، این کارگران با اشاره به پایان پروژه شرکت در سیرجان، خواستار حفظ اشتغال خود و فراهم شدن امکان ادامه فعالیت شان در سایر شرکتها و پروژه‌های منطقه شدند.

سه شنبه ۱۷ شهریور

*جمعی از شهروندان اراک مقابل ساختمان اداره مسکن و شهرسازی این شهر تجمع برگزار کردند. به گزارش هرانا، شهروندان تجمع کننده نسبت به «مصادره زمینهای شان توسط دولت» اعتراض کرده و خواستار بازپس گیری زمینهای خود و رسیدگی به وضعی تان شدند. *جمعی از رانندگان اسنپ در اراک دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش ایلنا، تجمع این رانندگان در اعتراض به افزایش هزینه‌های سوخت، تعمیرات، لاستیک، قطعات و استهلاک موتور و عدم تناسب درآمد با هزینه‌های کار و زندگی صورت گرفته است. از مهم‌ترین مطالبات این رانندگان، تعیین تعرفه‌های مناسب، برخورداری از بیمه و امنیت شغلی است. همزمان شماری از رانندگان اسنپ پاکس در سمنان در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان دست به اعتصاب زدند. بر اساس این گزارش، این رانندگان نسبت به پایین بودن کرایه ها، هزینه بنزین و میزان کمیسیون دریافتی معترض هستند. یکی از رانندگان حاضر در این اعتصاب گفت: «همه ایستاده‌ایم؛ هیچ‌کس کار نمی‌کند».

شنبه ۲۱ شهریور

*شماری از پیک‌های موتوری در لاهیجان در اعتراض به وضعیت حقوق و شرایط کاری خود دست از کار کشیده و اعتصاب کردند.

جنبش رنگین کمان بیشماران

بقیه از صفحه ۲۰

*تعدادی از متقاضیان پروژه ۶۰۰ واحدی در شهرک بهشتی همدان، مقابل ساختمان بازرسی کل استان در این شهر دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش ایلنا، یکی از معترضان گفت: طبق وعده‌های اولیه، این واحدها باید ظرف مدت دو سال تحویل داده می‌شدند، اما اکنون شش سال از موعد مقرر گذشته است. آنها که اغلب از اقشار کارگر و مستاجر هستند، مبالغ اولیه و سایر هزینه‌های ساخت را پرداخت کردند اما وعده‌های مکرر و بی نتیجه زندگی این شهروندان را با چالش جدی مواجه کرده است.

*تعدادی از مالباختگان صرافی ارز دیجیتال «اکس کوین» در اعتراض به عدم باز پرداخت سرمایه خود، در تهران تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، باوجود پیگیری‌های گسترده و مستمر، نه پاسخ روشنی درباره سرنوشت دارایی‌های شان دریافت کرده‌اند و نه زمان مشخصی برای حل مشکل اعلام شده است. آنها خواستار ورود جدی دستگاه‌های مسئول و شفاف سازی درباره وضعیت سرمایه‌های خود شدند.

یکشنبه ۲۹ شهریور

*جمعی از مالباختگان یک پروژه مسکونی صالحیه در شهرستان بهارستان، با برگزاری تجمع اعتراضی مقابل دادگاه این شهرستان، خواستار تعیین تکلیف واحدهای خریداری شده و رسیدگی به وضعیت پرونده مربوطه شدند. به گزارش هرانا، این پروژه مسکونی در منطقه ۳۰ متری صالحیه در خیابان کاج، واقع شده است. حدود هفت سال از زمان مقرر برای تحویل واحدهای مسکونی می‌گذرد، اما خریداران همچنان موفق به دریافت واحدهای خود نشده‌اند و بلاتکلیفی آنان ادامه دارد.

*شماری از کارگران بیکار شده فولاد شادگان به همراه فرزندان خود دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش ایلنا، اعتراضات این کارگران از پاییز سال ۱۴۰۴ و در پی اخراج گروهی از نیروهایی که سال‌ها در این شرکت فعالیت کرده بودند آغاز شده است. معترضان می‌گویند با وجود ماه‌ها پیگیری، هنوز پاسخی درباره وضعیت شغلی خود دریافت نکرده‌اند.

در جریان این تجمع، خانواده‌های کارگران اخراجی به مشکلات اقتصادی ناشی از بیکاری و تأثیر آن بر تأمین هزینه‌های تحصیل فرزندان خود اشاره کردند. شماری از کودکان حاضر در تجمع نیز اعلام کردند که خانواده‌هایشان پس از بیکار شدن پدرانشان در تأمین هزینه‌های اولیه مدرسه و لوازم تحصیلی با مشکل مواجه شده‌اند.

*شماری از مالباختگان پرونده شرکت «یونیک فایننس» برای دومین روز متوالی در محدوده بازار بزرگ ۱۵ خرداد و مقابل مجموعه بیدادگستری دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش هرانا، معترضان می‌گویند با گذشت حدود چهار سال از آغاز پیگیری‌های قضایی، هنوز به مطالبات خود نرسیده‌اند و روند رسیدگی به پرونده را طولانی و فاقد نتیجه مشخص می‌دانند. به گفته آنان، حدود ۲۵ هزار نفر در این پرونده متضرر شده‌اند و از دست رفتن سرمایه، شماری از خانواده‌ها را با مشکلات جدی اقتصادی و معیشتی مواجه کرده است.

دوشنبه ۳۰ شهریور

*شماری از غرفه‌داران خسارت‌دیده نمایشگاه تنظیم بازار مدارس در یاسوج مقابل ساختمان استانداری کهگیلویه و بویراحمد تجمع کردند. یکی از غرفه‌داران اعلام کرد که تمام سرمایه وی در جریان آتش‌سوزی از بین رفته، اما مسئولیت جبران این خسارت هنوز مشخص نشده است.

*جمعی از مالباختگان پرونده «گلوبال» در تبریز بار دیگر تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، معترضان خواستار تعیین تکلیف سرمایه‌های از دست رفته و پاسخگویی مسئولان شدند.

*شماری از نانوایان ساوه در اعتراض به کاهش سهمیه آرد و پرداخت نشدن یارانه نان تجمع کردند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، نانوایان معترض می‌گویند افزایش هزینه‌های تولید، دستمزد کارگران، انرژی و سایر مخارج، در کنار کاهش سهمیه آرد و تأخیر در پرداخت یارانه، مشکلات صنفی و معیشتی آنان را تشدید کرده است.

*جمعی از کارگران پیمانکاری معدن شماره سه گهرزمین سیرجان از ادامه کنش‌های شان برای تضمین امنیت شغلی و معیشتی با برپایی تجمع مقابل فرمانداری و اداره کار این شهرستان در استان کرمان خبر دادند. به گزارش ایلنا، یکی از کارگران این پروژه نیز گفت: حدود یک ماه است که ۱۱۶ نفر از کارگران تعدیل شده‌ایم و تاکنون برای تعیین تکلیف وضعیت شغلی خود پیگیری‌های مختلفی انجام داده‌ایم.

*جمعی از ترخیص‌کاران و شرکت‌داران فعال در گمرک خرمشهر با برگزاری تجمع خواستار رسیدگی به مطالبات خود شدند. معترضان خواستار رفع محدودیت‌ها، جلوگیری از انحصار در بازار واردات خودرو و ایجاد شرایط برابر برای فعالان اقتصادی شدند.

جنبش سراسری بازنشستگان

یکشنبه اول شهریور: تجمع و راهپیمایی بازنشستگان تأمین اجتماعی در شوش و هفت تپه با گرمای بالای ۵۰ درجه خوزستان. معترضان با شعارهای «فقط کف خیابان به دست میاد حقمون / نابود باد بندگی، زنده باد زندگی...» به وضعیت بد معیشتی، وضعیت بد درمان و کالایی شدن درمان، به فقر، گرانی، تورم، به ستم و تبعیض، دزدی و چپاول اعتراض کردند. برای این شهروندان معترض، یک لیوان آب شبیه یک لیوان آب در هیچ کجای دیگر نیست؛ انتخاب بین ماندن و ادامه دادن یا خطر کردن بیشتر در شرایطی است که «شوش بیمارستان ندارد» تا از آنان پرستاری کند. / تجمع اعتراضی بازنشستگان و مستمري بگيران مقابل تأمین اجتماعی گیلان (رشت) در اعتراض به رانت، جابه‌جایی مهره‌ها و چپاول اموال کارگران برگزار شد.

دوشنبه ۲ شهریور: تجمع بازنشستگان شرکت مخابرات در برابر ساختمان وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات در تهران و همزمان در شهرهای بندرعباس، سنجند، همدان، اهواز، بیجار، شیراز، کرمانشاه و اراک. معترضان اعلام کردند که «سهمدار عمده حق ما را رو خورده‌اند».

به گزارش ایلنا، سهامداران عمده مخابرات، ارگانهای چون ستاد اجرایی فرمان امام، کنسرسیوم اعتماد مبین و تعاونی سپاه هستند، مراکزی که همزمان با ابراز ناتوانی در پرداخت مطالبات بازنشستگان، اجازه نظارت یا بررسی عملکرد مالی خود را به سازمانهای ناظر نمی‌دهند.

مطالبات بازنشستگان مخابرات: اجرای کامل آیین‌نامه ۲۴/۸۹، پرداخت مطالبات و معوقات، اجرای کامل متناسب‌سازی، به‌روزرسانی خواربار و مزایای رفاهی و سامان دادن به وضعیت بیمه تکمیلی. آنان همچنین ضمن مخالفت با طرح جدید بیمه آکمل، خواستار اجرای بیمه تکمیلی مطابق تعهد و آیین‌نامه‌های رفاهی شرکت شده‌اند. / شماری از بازنشستگان ذوب آهن اصفهان بار دیگر در اعتراض به بی‌توجهی مسئولان به برقراری بیمه درمان و متناسب‌سازی با ۹۰ درصد دریافتی شاغلان هم‌تراز، بار دیگر مقابل ساختمان استانداری اصفهان دست به تجمع زدند. به گزارش ایلنا، اعتراض امروز در ادامه اعتراضات هفته گذشته مقابل استانداری با وعده رسیدگی به خواسته‌ها برگزار شده است، اما طبق اعلام بازنشستگان حاضر در تجمع، پس از گذشت ماه‌ها مطالبات همچنان بر آورده نشده است.



خیابان سنگر است؛ مبارزه تا تحقق مطالبات ادامه دارد.

نان و آزادی از هم جدایی‌ناپذیرند؛ هیچ‌کدام بدون دیگری محقق نمی‌شود!

دوشنبه ۹ شهریور: تجمع بازنشستگان تأمین اجتماعی شوش مقابل درب دفتر مجلس نشین شهرستان شوش. معترضان خواستار «پایان دادن به اعدام، بازداشت و زندانی کردن» شهروندان شده و اعلام کردند که «اعتراض حق همگانی است». تجمع کنندگان همچنین با شعارهای «پایان دادن به فضای امنیتی و ناامنی اجتماعی؛ مبارزه با فساد، چپاول و غارت منابع عمومی / رفع تبعیض، نابرابری، ستم و استثمار / توزیع عادلانه ثروت و تحقق عدالت اجتماعی/ نان، کار، آزادی؛ زندگی شایسته و...» به اعتراض خود ادامه دادند. / بازنشستگان

بقیه در صفحه ۲۲

جنبش رنگین کمان بیشماران

بقیه از صفحه ۲۱

مخابرات طبق معمول دوشنبه‌ها در سنندج، تهران، اصفهان، کرمانشاه، تبریز، ایلام، مشهد و همدان تجمع کردند و علیه دولت و مجلس و سپاه و سهامداران دزد شعار دادند: «اعتماد مبین سپاه، حق ماوارو خورده/ سهامدار عمده، ننگت باد ننگت باد/ عدالتی ندیدیم/ فقط دروغ شنیدیم».

یکشنبه ۲۲ شهریور: تجمع بازنشستگان تامین اجتماعی در شهرهای اهواز، تهران، رشت، دزفول و شوش. به گزارش ایلنا، شماری از بازنشستگان صنعت فولاد اصفهان مقابل ساختمان استانداری در این شهر دست به تجمع اعتراضی زده و شعارهای «فقط کف خیابون بدست میاد حقمون/ گرانی تورم بالای جان مردم و...» سردادند.

دوشنبه ۲۳ شهریور: تجمع بازنشستگان مخابرات در کرمانشاه، اصفهان، تبریز، سنندج و تهران.

سه‌شنبه ۲۴ شهریور: جمعی از بازنشستگان ذوب آهن و فولاد اصفهان در محدوده استانداری در این شهر دست به تجمع اعتراضی و راهپیمایی زدند. به گزارش ایلنا، محور اصلی اعتراضات بازنشستگان فولاد اصفهان، نارضایتی از عملکرد بیمه تکمیلی «دانا» و عدم اجرای کامل تعهدات قانونی در زمینه «متناسب‌سازی حقوق» است. بازنشستگان با انتقاد از سقف پایین خدمات درمانی، بالاترکلیفی در پرداخت و رسیدگی به فاکتورهای درمانی، از عدم اجرای توافقات پیشین میان نهادهای مسئول ابراز نارضایتی کرده و خواستار شفافیت و تضمین ثبات پوششهای درمانی شدند.

یکشنبه ۲۹ شهریور: تجمع بازنشستگان تامین اجتماعی در شهرهای تهران، شوش، کرمانشاه، اهواز و رشت. بازنشستگان کرمانشاه همزمان با سایر شهرها و با فریاد «ظلم و ستم فراوان، ما رو کشانند خیابان/ می جنگیم، می جنگیم، حقمان را می گیریم/ بازنشسته بیداره، از زورگویی بیزاره/ غنی سازی زندگی، حق مسلم ماست/ برق گران، دارو گران، دولت شده دشمن جان و... دست به تجمع زدند. به گزارش ایلنا، گروهی از بازنشستگان صنعت فولاد در اصفهان اقدام به راهپیمایی و تجمع اعتراضی کردند.

دوشنبه ۳۰ شهریور: شماری از بازنشستگان مخابرات در شهرهای رشت، سنندج، بیجار، تبریز، اصفهان، کرمانشاه، همدان، مشهد، تهران، ارومیه، زنجان، شیراز، ایلام، خرم‌آباد، اردبیل، کرج و اهواز دست به تجمع اعتراضی زدند. تعدادی از بازنشستگان صندوق خصوصی نفت مقابل درب حراست ساختمان چهار طبقه نفت در اهواز تجمع کردند. به گزارش هرانا، این تجمع در اعتراض به عدم پرداخت پنج ماه «بک پی» مزایای جانبی سال ۱۴۰۵، بن کارت مربوط به مزایای جانبی سال ۱۴۰۲ و سایر حقوق و مطالبات قانونی معوقه ایثارگران و بازنشستگان این صندوق برگزار شده است.

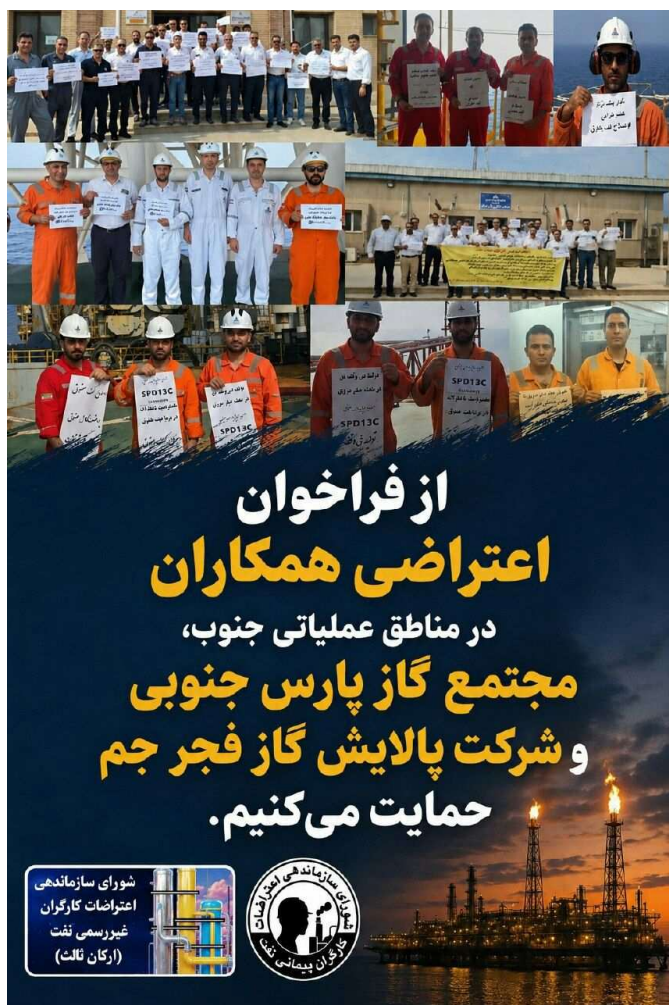
جنبش اعتراضی کارگران صنایع نفت و گاز و پتروشیمی

دوشنبه ۲ شهریور: به گزارش ایلنا، کارگران عملیاتی نفت و گاز سکوهای مختلف در مناطق عملیاتی عسلویه و کنگان و همچنین سکوهای دریایی، در اعتراض به شرایط نامناسب شغلی و معیشتی دست به تجمع اعتراضی زدند. آنها خواسته‌های خود را حذف محدودیتهای مزدی، اجرای صحیح طرح طبقه بندی، برخورداری از مزایای بدی آب و هوا و رفع تبعیض میان نیروهای رسمی و شرکتی عنوان کردند.

دوشنبه ۱۶ شهریور: تجمع کارکنان شرکت نفت و گاز پارس دستکم ۱۳ بخش مختلف و سکوهای دریایی. تجمع کارگران در بخش هایی از این شرکت واقع در عسلویه و کنگان و نیز در شماری از سکوهای دریایی این شرکت در منطقه پارس جنوبی، از جمله SPQ2، SPD18B، SPD13C، SEAPAD، SPD14C صورت گرفته است. همزمان، برخی از کارکنان این شرکت در شماری از سکوها دست به تحصن زدند.

چهارشنبه ۱۸ شهریور: شماری از کارگران خط ششم سراسری گاز در ایستگاههای اهواز و بیدبلند برای سومین روز متوالی دست به اعتصاب زدند.

دوشنبه ۲۳ شهریور: گروهی از نیروهای نگهداری و حراست شرکت نفت و گاز مارون مقابل ساختمان استانداری خوزستان در اهواز تجمع کردند. گروهی از کارگران منطقه عملیاتی میدان نفتی یادآوران، مقابل استانداری خوزستان در اهواز تجمع کردند. این افراد نسبت به عدم بهره‌مندی از برخی مزایا همچون نفت کارت، بن خرید و حق شرایط جنگی اعتراض دارند و خواستار رسیدگی به مطالبات خود هستند.



دوشنبه ۳۰ شهریور: برای هشتمین دوشنبه اعتراضی، کارگران مناطق عملیاتی صنعت نفت با برپایی تجمع در شرکت نفت و گاز پارس در دستکم ۱۰ سکوی دریایی شرکت فلات قاره؛ سکوی بهرگانسر، مرکزانتقال نفت شازند و شرکت مناطق نفت‌خیز جنوب، بازرسی فنی ترابری اهواز، دست به تجمع زدند. تجمع کارگران در بخش هایی از این شرکت واقع در عسلویه و کنگان و نیز در شماری از سکوهای دریایی این شرکت در منطقه پارس جنوبی، از جمله SPQ2، SPD18B، SPD17B، SPD16، SPD7 صورت گرفته است.



پیروزی اعتصاب در گُردستان، شکست یک استراتژی

منصور امان



در چهارمین سالگرد قتل دختر ایران، مهسا ژینا امینی و قیام «زن زندگی آزادی»، مردم دلبر کردستان بار دیگر خیابانهای شهرهای بزرگ و کوچک را تسخیر کردند؛ این بار با اعتصاب، با سکوتی کرکننده که بازتاب آن فضای سیاسی ایران را انباشت.

از شرق تا غرب و از جنوب تا شمال، مردم مهاباد، سقز، کرمانشاه، سنندج، بانه، مریوان، اشنویه، کامیاران، پیرانشهر، دیواندره و بوکان به فراخوان احزاب گرد برای اعتصاب پاسخ مثبت دادند. موفقیت اعتصاب عمومی ۲۵ شهریور با وجود تلاش همهجانبه رژیم ج.ا و مزدوران محلی اش برای جلوگیری از آن شکل گرفت. حاکمیت پروتکل امنیتی خود برای چنین روزهایی را باضافه ضمیمه‌های وحشت و هysteri ناشی از جنگ را موردبه‌مورد به دست اجرا گذاشت، بدون آنکه حتی به مقصد خود نزدیک شود.

دستگاه حاکم از ماه گذشته با نگاه به نزدیک شدن سالگرد قیام، بر شدت سرکوب و وحشیگری در مناطق مختلف گُردستان افزوده بود. در فاصله کوتاهی دستکم چهارده تن به بهانه‌های گوناگون یا با شلیک ماموران حکومتی در خیابان به قتل رسیده و بیش از هفتاد نفر بازداشت شده بودند. ماشین سرکوب به‌گونه مشخص کوشندگان صنفی و مدنی، زندانیان سیاسی آزاد شده و فعالان مجازی را تحت پیگرد قرار می‌داد. در روزهای اخیر نیز کسبه و دیگر صاحبان کسب و کار به طور گسترده برای جلوگیری از پیوستن به اعتصاب، مورد تهدید، ارباب و آزار روانی قرار گرفته بودند. برگزاری موفقیت‌آمیز اعتصاب فقط شکست تاکتیکی ج.ا در میدان جنگ با مردم گُردستان نیست؛ بلکه همچنین یک شکست مهم در استراتژی ضدانقلابی آن در این جنگ است که ماه‌هاست بر دوش موشک و توپخانه، پهپاد و ترور پیش برده می‌شود. حاکمیت به گونه سلسله‌وار احزاب گُردستان ایران و اردوگاه‌های آنها را در اقلیم از هوا و زمین زیر آتش گرفته است. هدف فوری آن وارد آوردن ضربات نظامی و لجستیکی، ناامن کردن اقلیم برای مخالفان و سرآخر تضعیف روحیه در هر دو سوی مرز است. هدف مرکزی اما از این تحركات و نتیجه‌ای که حاکمیت در پی آن است، قطع ارتباط احزاب گرد با پایگاه اجتماعی خود و حداقل‌سازی محدوده تاثیرگذاری آنهاست.

برخاستن متحدانه و سراسری گُردستان در اعتصاب نشان داد که این استراتژی بی‌ثمر بوده است. حاکمان ج.ا و اُتاقهای فکر آنها با یک فرض مکانیکی از رابطه میان تشکلهای سیاسی، مدنی یا صنفی با جامعه، برای از کار انداختن آن با گرز و دنگ وارد گود شده‌اند. در حالیکه این رابطه یک کنش متقابل است که در یک سوی آن جامعه و مطالباتش قرار گرفته و در سوی دیگر نیروهایی که این یا آن بخش را نمایندگی می‌کنند. تا هنگامی که در سطح و عمق جامعه خواسته‌هایی وجود داشته باشد، ظرف مادی انعکاس آن نیز وجود خواهد داشت.

اعتصاب ۲۵ شهریور نشان داد که مطالبه اجتماعی برای آزادی و عدالت و فروپاشاندن استبداد مذهبی به مثابه سد اصلی جاری شدن این دو مایه اصلی کرامت انسانی، بسا نیرومندتر از پیش در دل جامعه جاری است و آن را به حرکت درمی‌آورد. در شرایطی که رژیم حاکم با کشاندن جنگ به خاک ایران، دوجندان بر ابعاد آثار نکبت‌بار حکمرانی‌اش افزوده و در نشر تبعیض، فقر، نابرابری، گرسنگی، گرانی، بیکاری، سرکوب و ستمکاری هر روز رکورد تازه‌ای برجا می‌گذارد، اراده تغییر وضعیت که قیام «زن زندگی آزادی» از درون آن رخ نمود، امروز عسیناگر و استوارتر به جلو می‌نگرد.

فراسوی خبر... پنجشنبه ۲۶ شهریور

رادان و اعلام رسمی سرکوب پیشدستانه

زینت میرهاشمی



هنوز هیچیک از مسائلی که به بروز خشم مردم در کف خیابان انجامید، حل نشده است؛ از اعتراض به گرانی بنزین که به کشتار معترضان در آبان خونین ۹۸ انجامید، تا اعتراض گسترده بازاریان و در پی آن اقشار مختلف مردم به کاهش ارزش پول ملی که به کشتار جمعی در دی‌ماه ۱۴۰۴ منجر شد. اکنون افزایش فقر و بیکاری و خسارتهای جنگی، دلایل بروز خشم مردم را چندین برابر کرده و بیش از گذشته به همه گوشزد می‌کند.

از آنجا که دستاوردهای ویران‌کننده «اقتصاد مقاومتی» و تحمیل ریاضت‌کشی بر مردم آشکار است، کارگزاران شکم‌سیر رژیم در تهدید مردم به صف شده‌اند و یکی پس از دیگری با ادبیات سرکوبگرانه خود، به قول خودشان وارد «جنگ پیشدستانه» شده‌اند. در این جنگ نابرابر با مردم، تعداد مزدوران «آتش به اختیار» را رقم بالایی اعلام می‌کنند. یکی از این تهدیدکنندگان، سرکرده نیروی انتظامی، پاسدار رادان است. این کهنه پاسدار سرکوبگر، روز یکشنبه ۲۲ شهریور گفت: «با وطن‌فروشان مانند دشمن برخورد می‌کنیم». در قاموس سینه‌چاکان ولایت فقیه، وطن‌فروش، اغتشاشگر و دشمن، همان مردم جان‌به‌کفی هستند که از نان شب تا قلم و دفتر بچه‌های خود را مجبورند نسبه بخردند و شیها گرسنه سر بر بالین بگذارند.

رادان اقرار کرد که بعد از دی ماه خونین، «بالغ بر ۶ هزار نفر» را دستگیر کرده‌اند. وی با خالی‌بندی اضافه کرد: «حدود ۳۰ میلیون جان‌فدا داریم که دیگر صرفاً واکنش دهنده نیستند، بلکه پیشدستانه عمل می‌کنند؛ یعنی قبل از اینکه کسی بخواهد وارد صحنه شود، برای مقابله با تهدید آماده هستند». این سرکرده نیروی انتظامی همچنین گفته است: «برای حفظ امنیت مردم هیچ رودربایستی نداریم».

چند نکته در مورد سخنان رادان باید گفت: حکومتی که مدعی است ۳۰ میلیون «جان‌فدا»، یعنی حدود یک‌سوم جمعیت، طرفدار دارد، چرا باید چندین هزار نفر را فقط طی دو شب بکشد؟ چرا باید ۶ هزار نفر دستگیر شوند و به قول خودشان جاسوس و وطن‌فروش باشند؟ چرا باید علیه مردمی که حتی نفس کشیدن شان زیر فشار خیابانی مزدوران لمپن بسجی مشکل شده است، اعلام جنگ پیشدستانه کند و این چنین از مردم هراس داشته باشد؟

رادان گفته است که در برخورد با معترضان شوخی ندارد. باید به این جنایتکار گفت: مردمی که به کف خیابان می‌آیند و سینه خود را در برابر گلوله‌های شما سپر می‌کنند، مگر با شما شوخی داشته‌اند؟

تهدیدهای سرکردگان حکومت نشان می‌دهد که جنگ واقعی رژیم با مردم است و جنگ با نیروی خارجی را فعلاً به عنوان پوششی برای حفظ امنیت نظام و سرکوب مردم نیاز دارد.

فراسوی خبر... دوشنبه ۲۳ شهریور

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سر دبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: منصور امان، زینت میرهاشمی، مهدی سامع

همکاران نشریه: فرنگیس بایقره، اسد طاهری، کامران عالمی نژاد، امیر ابراهیمی

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

NABARD - E - KHALGH

No : 506 /23 Septembre 2026

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

Price: \$ 1 – 1 euros

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

NABARD - E - KHALGH in Telegram ///@nabard_khalg ---

https://telegram.me/nabard_khalgh

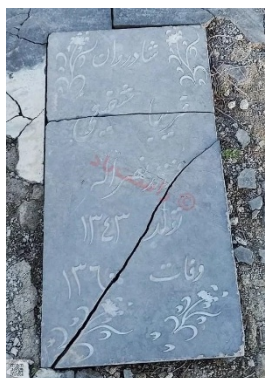
NABARD - E - KHALGH in Facebook ///// <https://www.facebook.com/nabardekhalghe>

یادواره شهیدان فدایی

فدایی شهید رفیق محمود بابائی (رضا)

گردآوری و تنظیم: امیر ابراهیمی

شهیدان فدایی در ماه مهر



مزار فریبا شفیعی گیلکجانی

رفقای فدایی: چنگیز قبادی، محمد علی سالمی، حسین سید نوزادی، مهرنوش ابراهیمی، منوچهر بهایی پور، حسن حامدی مقدم، علی دبیری فرد، عبدالحسین براتی، محمد رضا همتی، پرویز داوری، غلام رضا صفری، حسین علی زاده، رحمت شریفی، حسن جلالی نائینی، لقمان مدائن، محمود بابائی (رضا)، جهانشاه سمیعی اصفهانی، محمد رضا فرشاد، ژیا (ژاله) سیاب، پروین فاطمی، فرشاد فرجاد، اسماعیل بیدشهری، تورج حیدری بیگوند، زهرا بیدشهری، جهانبخش آبیاری، مصطفی رسولی، سید احمد (سعید) لاری، کرامت قبادی، زاهد

سجادی گیلانه ای، سیامک بهروزی خواه، سیامک اسدیان (اسکندر)، مسعود بربری، علی رضا (حمید) صفری، فریبا شفیعی گیلکجانی، علی حسن پور، محمد کس نرائی، غلام حسین زینی ونداد نژاد، غلام رضا سالاری، سروش نیکخواه، ماشالله پورطرق، محمد سعید خرامی، سعید بهرامی، احمد اسلامی جوزانی، احمد نادمی، حسن بشیری، محمد امین ترابی، محمود خدادادزاده، فاطمه رخ بین، مجید رهبری نژاد، فتح الله فرید، طاهره قاسم زاده (قاسمی)، ناصر مرادی، محمد فیروزی، یدالله سالاری، فرشید راجی، محمد علی ابرندی، محمد رضا فرشایف محمدی، محمد جعفر دلیلی (دلیر)، بهرام زمانی، بیژن مهنود، کامران حکیم علوی، امیر صیادی، فرهاد (بیژن) سروشیان، خسرو دانش ایران مبارکه، مهناز نجاری، مریم دانش ایران مبارکه، اسماعیل باقری، حمید باقری، سیدعلی اصغر کاسبانه، اکبر ناصری، حسین احمدی، محسن میرفصیحی، موسی پیشداد، مهوش جواکر، پرویز عندلیبیان، عبدالحمید شبانی، مهدی خانزاده، هوشنگ اژدری مقدم، خیرالله حسونوند گندانی، علی محمدنژاد، عباس مکاری، سلیم کهرازی، اسماعیل علیان، مریم توسلی، علی اکبر مرادی، عزت الله معلم، قربان قربی، جهان شاه حدادی مقدم، سید ربیع حسینی، رمضان قربانی، شهسوار شفیعی، بهرام (عارف) بهلوکی (بلوکی)، روح الله الماسی، محمد حیدریه، غلام حسین مجیدی، احمد سلیمانی، عباس گودرزی، حسن سبعت، احمد سامان دیجان، حسن جان لنگرودی کیاکلاهی، احمد کیانی و... از سال ۱۳۵۰ تاکنون در پیکار علیه امپریالیسم و ارتجاع و برای دموکراسی، رهایی و سوسیالیسم توسط مزدوران رژیمهای شاه و خمینی به شهادت رسیدند.



رفیق محمود بابایی

رفیق محمود برای ادامه تحصیل به از اهواز به تهران رفت و در هنرستان صنعتی رشته راه و ساختمان مشغول شد و ضمن تحصیل، کار هم می کرد و هم زمان با آغاز حرکت های اعتراضی توده ها، در مبارزه علیه دیکتاتوری شاه شرکت می کرد. زنده یاد رفیق محمود بابایی در روزهای قیام در تسخیر پادگانها فعالانه شرکت داشت و در همین دوران با مواضع «سپحخا» آشنا شد و بعد از سقوط سلطنت برای آگاهی دادن و تشکلهای به میان کارگران و مردم رفت با فروش کتاب و پخش اعلامیه در محلات مختلف به وظایف انقلابی عمل می کرد تا اینکه با تغییر شرایط پس از انشعاب به بخش نظامی منتقل شد. سرانجام در سی ام شهریور ۱۳۶۰ به همراه دو رفیق دیگر؛ لقمان مدائن و حسن جلالی نائینی، دستگیر و پنجم مهر همان سال به جوخه اعدام سپرده شدند.

در بازدید از جسد رفیق محمود مشاهده شده که گوش راست بریده و گلوله از گونه راست وارد و از گونه چپ خارج شده و این نشانه هنده شکنجه و سند جنایات رژیم ثبت خواهد شد.

روز یکشنبه سیزده مهر ۱۳۶۰ مراسمی از سوی خانواده رفیق محمود برگزار شد و باوجود تهدیدها و حضور ماموران امنیتی برای عدم برگزاری مراسم، جمعیت زیادی از کسبه، معلمان، کارگران و... در مزار و منزل پدری رفیق محمود با شور و هیجان بالا شرکت کردند.

یاد و نام رفیق محمود بابائی ماندگار

منبع؛ نشریه کار شماره ۱۳۴، آبان ۱۳۶۰

رفیق محمود بابایی در سال ۱۳۳۸ در یک خانواده کارگری در آغاچاری متولد شد. پدرش کارگر صنعت نفت بود و در مبارزات ملی کردن صنعت نفت شرکت داشت. چند بار هم دستگیر شد و این باعث شده بود که خانواده از جو سیاسی برخوردار باشد و رفیق از همان دوران کودکی با سیاست آشنا گشت. تحصیلات ابتدایی را در آغاچاری آغاز و سپس در محله اسیه آباد اهواز به تحصیل ادامه داد. در این دوران با زندگی توانفرسای آلونک نشینان اهواز از نزدیک آشنا شد و آتش خشم و تنفر نسبت به تمام دشمنان کارگران و زحمتکشان در وجودش شعله ور شد.

نابود باد امپریالیسم و ارتجاع جهانی — زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم